

بسم الله الرحمن الرحيم

زنان مطالعات

سال دوم، شماره‌ی ۵
پائیز ۱۳۸۳

فصل نامه

دانشگاه الزهراء
پژوهشکده‌ی زنان

صاحب امتیاز: دانشگاه الزهراء
مدیر مسئول: دکتر زهره خسروی
سردبیر: دکتر خدیجه سفیری

ویراستار فارسی: وفا سرمست
ویراستار انگلیسی: محمد حسین هاشمی
طراح و صفحه‌آرا: وفا سرمست
طراح جلد: اشرف موسوی‌لر
کارشناس نشریه: کبری مهربانی کوشکی

ناشر: انتشارات دانشگاه الزهراء
چاپ و صحافی: انتشارات دانشگاه الزهراء
ترتیب انتشار: فصل‌نامه
تیراژ: ۱۵۰۰

نشانی: تهران، میدان ونک، خیابان ونک
کد پستی: ۱۹۹۳۸۹۱۱۷۶
تلفن: ۸۰۵۸۹۲۶
فکس: ۸۰۴۹۸۰۹
تلفن عمومی: ۸۰۴۴۰۵۱-۹ داخلی ۶۲۰
پست الکترونیک: women_rc@alzahra.ac.ir

هیئت تحریریه

استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء ^۳	دکتر زهرا افشاری
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء ^۳	دکتر زهره خسروی
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم	دکتر حکیمه دبیران
استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	دکتر زهرا رهنورد
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد	دکتر هما زنجانی‌زاده
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء ^۳	دکتر خدیجه سفیری
استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء ^۳	دکتر فاطمه علایی رحمانی
استاد و عضو هیئت علمی (USA) South West Missouri State University	دکتر شهین گرامی
استادیار و عضو هیئت علمی (UK) Southampton University	دکتر کاتلین کندال
استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء ^۳	دکتر شکوفه گلخو
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	دکتر احمد جعفرنژاد
استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	دکتر باقر ساروخانی
استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی	دکتر محمداصداق مهدوی

دوران این شماره

عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران	دکتر شهلا کاظمی‌پور
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران	دکتر سهیلا صادقی
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران	دکتر مصطفی ازکیا
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تربیت معلم	دکتر احمد رجب‌زاده
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی	دکتر طاهره قادری
عضو هیئت علمی گروه مطالعات خانواده، دانشگاه الزهراء ^۳	دکتر فزیله خانی
عضو هیئت علمی پژوهشکده‌ی زنان، دانشگاه الزهراء ^۳	ام‌البنین چابکی
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء ^۳	دکتر سوسن باستانی
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهراء ^۳	دکتر زهره خسروی
عضو هیئت علمی پژوهشکده‌ی زنان، دانشگاه الزهراء ^۳	دکتر اکرم خمسه

فهرست

- ۵ مقایسه‌ی نقش شغلی زنان و مردان متخصص
دکتر اعظم راودراد
- ۳۹ علل ترس از موفقیت در زنان شاغل
دکتر محمدحسین متقی
- ۶۵ پژوهش کیفی به کمک اینترنت:
روش‌ها و چالش‌ها
دکتر سعید رضایی شریف‌آبادی
- ۸۷ بررسی و مقایسه‌ی پایگاه‌های هویت
دکتر حسین اسکندری
- ۱۱۱ بررسی میزان اضطراب رقابتی دانش‌جویان دختر
در مسابقات قهرمانی
مریم صدارتی
- ۱۲۹ بررسی مشکلات ناشی از هم‌زمانی نقش‌های خانگی و اجتماعی
دکتر سوده مقصودی
- ۱۵۱ معرفی
پژوهشکده‌ی زنان دانشگاه الزهراء

یادآوری به نویسندگان

- مقاله، تایپ‌شده و حداکثر ۳۰ صفحه باشد.
- مقاله‌های رسیده نباید قبلاً در مجله‌های فارسی‌زبان داخل یا خارج کشور به چاپ رسیده‌باشد.
- نام کامل نویسنده، رتبه‌ی دانشگاهی یا موقعیت علمی و نشانی الکترونیکی وی قید شود.
- چکیده‌ی مقاله حداکثر در یک صفحه و به زبان‌های فارسی و انگلیسی همراه با واژه‌گان کلیدی نوشته‌شود.
- ارسال دو نسخه از مقاله الزامی است و مقالات رسیده برگشت داده‌نمی‌شود.
- متن تایپ‌شده‌ی کامل و نهایی مقاله و چکیده‌ی آن، به صورت فایل با فرمت Microsoft® Word یا متن Unicode با مقاله فرستاده‌شود.

- در متن مقاله، هر جا که لازم بود، نام مؤلف، سال انتشار، منبع و صفحه‌ی مورد نظر در داخل پرانتز نوشته و در مورد اصطلاحات و اسامی خارجی، معادل خارجی آن در پاورقی آورده‌شود.
- منابع و یادداشت‌ها به ترتیب الفبایی نام خانواده‌گی در پایان مقاله آورده‌شود.
- نگارش مشخصات منابع (مورد استفاده در مقاله) به ترتیب زیر خواهدبود:
کتاب‌ها: نام خانواده‌گی، نام نویسنده، سال انتشار، نام کتاب، شماره‌ی جلد و چاپ، نام ناشر، محل انتشار.
- **مقاله‌ها:** نام خانواده‌گی، نام نویسنده، سال انتشار، «عنوان مقاله»، نام مجله، شماره‌ی مجله.

- نشریه‌ی مطالعات زنان ترجیح می‌دهد مقالاتی را چاپ کند که نتیجه‌ی تحقیقات ایرانی در مورد مسائل زنان در ایران باشد.
- نشریه در ویرایش مقاله‌های رسیده، بدون تغییر در محتوای آن آزاد است.
- مسئولیت مطالب آمده در مقالات، به عهده‌ی نویسندگان است.

دکتر اعظم راودراد*

**مقایسه‌ی نقش شغلی
زنان و مردان متخصص:
فاصله‌ی نظر و عمل**

* دانشیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران
ravadrad@ut.ac.ir

چکیده

در این مقاله، موقعیت حرفه‌ای زنان و مردان متخصص در ایران مقایسه شده است. جامعه‌ی آماری تحقیق، مجموعه‌ی استادان دانشگاه‌های دولتی تهران است. تحقیق به روش پهنانگر و با پرسش‌نامه در مصاحبه‌ی حضوری انجام گرفت. برای تبیین نتایج، چهارچوب نظری فمینیسم لیبرال به کار گرفته شد.

مهم‌ترین یافته‌ی تحقیق این است که میان آنچه زنان متخصص علاقه‌مند به انجام آن هستند و امکاناتی که در عمل، برای تحقق این علاقه‌ها در اختیارشان قرار می‌گیرد فاصله وجود دارد. ریشه‌ی اصلی این فاصله وجود تبعیض جنسیتی در محل کار است که فرصت‌های شغلی را بیش‌تر در اختیار مردان قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها

زنان متخصص؛ تبعیض جنسیتی؛ نگرش زنان؛ فاصله‌ی نگرشی؛

مقدمه

در این مقاله، رابطه‌ی میان نظر و عمل در رابطه با نقش شغلی زنان و مردان متخصص بررسی شده‌است. هدف از این مقایسه، نشان دادن وضعیت شغلی زنان استاد دانشگاه در مقایسه با هم‌کاران مرد است و این که علی‌رغم وجود شعارهای برابری زن و مرد و اذعان بر لزوم وجود فرصت‌های شغلی مساوی برای زنان و مردان (نظر)، چه‌گونه این فرصت‌ها بیش‌تر به مردان اختصاص داده شده‌است (عمل).

روند تحقیق ابتدا با این فرض آغاز شد که در جامعه‌ی ما بین نظر و عمل در رابطه با نقش‌های اجتماعی زنان فاصله وجود دارد و دلیل آن هم از یک سو، اظهار نظرهای مثبت مسئولان و صاحب منصبان درباره‌ی اهمیت نقش و پایگاه اجتماعی زنان در جامعه است، و از سوی دیگر، آگاهی به این که بر خلاف این اظهارات خوش‌بینانه، عملاً زنان در جامعه محدودیت‌های زیادی برای ایفای نقش‌های تشویق‌شده متحمل می‌شوند. به بیان دیگر، تأکید بر اهمیت نقش زن در جامعه در گفت‌وگوها و بیانات رسمی و غیر رسمی، باعث شده که زنان و مردان از زن انتظار ایفای نقش‌هایی خاص داشته‌باشند (نظر)، در حالی که هنوز شرایط عملی امکان ایفای این نقش‌ها در جامعه فراهم نشده‌است (عمل). همین مسئله، به پدید آمدن فاصله میان نقش‌های مورد انتظار و نقش‌های محقق زنان در جامعه می‌انجامد.

آنچه انجام این تحقیق را موجه ساخت پیش‌فرض‌هایی بود که در تجربه‌ی اجتماعی و نیز مطالعات خاص به دست آمده‌بود. پیش‌فرض‌هایی مثل این که شدت و عمق تغییراتی که به طور عینی و واقعی در موقعیت زنان پدید آمده نسبت به تغییرات ذهنی و دیدگاه اعضای جامعه در مورد زن بسیار کم‌تر است. یعنی به نظر می‌رسد جایگاه زن در ذهنیت جامعه بالاتر از جایگاه زن در عینیت آن است. در این راستا، این تحقیق، گامی است کوتاه در میان گام‌های برداشته‌شده‌ی پیشین و گام‌های بلندی که آینده‌گان برخواهندداشت.

طرح مسئله

مسئله‌ی اشتغال زنان دیرگاهی است که مورد نگرش جامعه‌شناسانی قرار گرفته که به موضوع برابری اجتماعی میان زن و مرد علاقه دارند. یکی از حوزه‌هایی که بر وجود نابرابری صحنه می‌گذارد حوزه‌ی اشتغال است. مطالعات نشان داده که زنان، همواره در مشاغلی متمرکز شده‌اند که زنانه تعریف شده و به لحاظ اقتصادی کم ارزش‌تر، و عمدتاً دارای دست‌مزدی کم است، مانند پرستاری، معلمی و کارهای خدماتی. (آبوت و والاس، ۱۹۷:۱۳۸۱؛ گیدنز، ۱۳۷۶:۱۸۹). اما در طول زمان، زنان به مشاغلی تخصصی‌تر نیز در جامعه راه یافتند و توانستند به سطوح بالای این مشاغل نیز ارتقا یابند. اگر چه این در مقایسه با وضعیت اشتغال خود زنان، پیش‌رفتی مهم به شمار می‌آید، ولی در مقایسه با جایگاه مردان در مشاغل تخصصی مشابه، به نظر می‌رسد زنان هنوز باید راهی دراز برای رسیدن به برابری شغلی بیمایند.

اگر چه در قوانین کار بین‌المللی و همچنین قوانین کار در ایران اساساً اصول عدم تبعیض شغلی علیه زنان، فرصت‌های مساوی و رفتار برابر، و برابری مزد حاکم است (علویون، ۱۳۸۱)، اما آنچه در عمل رخ می‌دهد با این اصول متفاوت است و زنان شاغل همواره در معرض انواع تبعیض‌ها و نابرابری‌های شغلی قرار می‌گیرند. همان طور که گرت تأکید می‌کند، مفسران در این مطلب اتفاق نظر دارند که دست‌مزد زنان در مقایسه با مردان بسیار پایین‌تر است. دلیل آن هم این است که بخش‌هایی که زنان در آن متمرکز اند، در زمره‌ی کم‌دستمزدترین کارها است. از سوی دیگر، «زنان در هفته ساعات کم‌تری کار می‌کنند، اضافه‌کاری کم‌تری دارند و کم‌تر در شیفت‌های نامعمول می‌مانند» (گرت، ۱۳۸۰:۱۲۸). به دلیل تمایز جنسیتی در بیش‌تر مشاغل، عملاً «نه تنها احتمال اشتغال مردان از زنان بیش‌تر است، بلکه همچنین مردان اکثراً مشاغل پرنفوذ و دارای مهارت و حقوق بالا را در اختیار دارند» (همان: ۱۲۵).

در جوامع امروزی، با تأثیر جنبش‌های مختلف حمایت از حقوق زنان، تغییراتی در دیدگاه زنان و مردان درباره‌ی نقش و وظیفه‌ی هر یک از زن و مرد در خانواده و جامعه، به دست آمده‌است (آزاد ارمکی و غفورنیا، ۱۳۸۰). علی‌رغم این تغییر نگرش، آنچه در عمل رخ می‌دهد، همان تقسیم کار سنتی است که در آن نقش اصلی زن، مادری و همسری، و نقش اصلی مرد نان‌آوری به شمار می‌آید. این تقسیم کار، موجب می‌شود که تمامی توان و انرژی زن در درون خانه صرف گردد. حتا اگر با توافق هر دو، زن بیرون از خانه به کار بپردازد، کار وی ثانوی و غیر ضروری تلقی، و همواره در رویارویی با وظایف خانه‌گی، که بسیار هم پیش می‌آید، تضعیف می‌شود. نتیجه، موقعیت فروتر زنان در محیط کار در مقایسه با مردان است.

اگر چه مطالعات نشان می‌دهد اقشار دانش‌آموخته و متخصصان دانشگاهی بیش از اقلاری هم‌چون کارگران با تحصیلات حدود دیپلم از آرمان‌های برابری زن و مرد دفاع می‌کنند (راوودراد، ۱۳۸۱)، اما این دفاع هنوز به تغییری اساسی در عمل نینجامیده‌است. این وضعیت که موقعیت خانواده‌گی کاملاً متفاوتی برای زنان و مردان نشان می‌دهد، در عین حال، بر وضعیت شغلی زنان اثر می‌گذارد و زمینه‌ی روابط شغلی تبعیض‌آمیز را هر چه بیش‌تر فراهم می‌کند. همان‌طور که گیلنر هم اشاره می‌کند، یکی از عوامل عمده‌ی اثرگذار بر زنده‌گی شغلی زنان، این ادراک مردانه است که برای کارمندان زن، کار در مرتبه‌ی دوم بعد از بچه‌دار شدن قرار دارد. این، باعث می‌شود که همواره برای امکان استخدام کارمند زن در مصاحبه‌ها از داشتن یا نداشتن بچه سؤال شود، در حالی که مردان هرگز با سؤال‌هایی این‌چنین روبه‌رو نمی‌شوند. همین نگرش‌ها در مورد ارتقای شغلی زنان هم وجود دارد و هم‌چون مانعی در این راستا عمل می‌کند. این نکته نیز جالب است که تحقیق در بریتانیا نشان داده که زنان معدودی که در سمت‌های ارشد مدیریتی بودند همه بدون فرزند بودند (هومانز، نقل از گیدنز، ۱۳۷۶:۱۹۲).

با توجه به این که میزان فعالیت زنان در ایران بسیار پایین، و در سال ۱۳۸۰ تنها ۱۲ درصد بوده (نوروزی و هاشمی، ۱۳۸۰)، روشن است که در محیط‌های کاری، اغلب، اکثریت با مردان است. همان طور که گفته شد، عملاً در خانواده‌ها شغل زن نسبت به وظایف دیگر او ثانوی است، و به احتمال زیاد، آن‌جا که با وظایف خانواده‌گی وی در تضاد باشد تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و کارآیی زن را در محیط کاری کم می‌کند. در عوض، عکس این حالت در مورد مردان صادق است، چون شغل آن‌ها به ندرت با وظایف خانواده‌گی‌شان در تعارض قرار می‌گیرد. بنابراین، بی‌تردید، عقل‌ابزاری مناصب و پست‌های مدیریتی را که نیازمند تعهد بی‌قید و شرط و تمام وقت است به کسانی که تعهدشان را میان خانه و کار تقسیم کرده‌اند نمی‌سپارد. پس هر جا امکان شغلی جدیدی باشد، مدیران و صاحب‌منصبان، که معمولاً مرد اند، آن را به هم‌جنسان خود می‌دهند. به قول آبوت و والاس «مدیریت برای زنان هم مثل مردان شغلی پرمسئولیت و پرتنش است، ولی در مورد زنان، به خلاف مردان، زنده‌گی خانواده‌گی به جای پشتی‌بانی از آینده‌ی شغلی، در واقع سد راه آنان است» (آبوت و والاس، ۱۳۸۱: ۱۹۸).

در حقیقت، به نظر می‌رسد دو عامل موقعیت خانواده‌گی زنان و روابط شغلی تبعیض‌آمیز رابطه‌ی تنگاتنگ باهم داشته و هر دو از عاملی بزرگ‌تر که مسلط است، یعنی دیدگاه پدرسالارانه‌ی حاکم بر جامعه متأثر باشند. «حرف این است که باورهای عامه درباره‌ی ماهیت خانواده، فرصت مشارکت در جامعه‌ی بزرگ‌تر و کسب برابری با مردان را از زنان می‌گیرد» (همان: ۱۱۵).

آگاهی از تحقیقاتی که در این باره انجام شده است می‌تواند به مقایسه‌ی نتایج کمک نماید. مقایسه‌ی نتایج تحقیقات دیگر که در پیشینه‌ی تحقیقاتی بدان‌ها اشاره خواهد شد با نتایج تحقیق حاضر، نشان خواهد داد که آیا مسائل زنان متخصص، ویژه‌ی جامعه‌ی ایران است یا این مسائل به دلیل داشتن ویژه‌گی جنسیتی، در جهان عمومیت دارد.

پیشینه‌ی تحقیقی موضوع

تحقیقات زیادی در سراسر دنیا درباره‌ی رابطه بین زنان و مردان و نقش‌های جنسیتی در حوزه‌ی عمومی و خصوصی انجام شده‌است. با اوج‌گیری جنبش‌های فمینیستی، شمار این تحقیقات رو به فزونی است و ابعاد مختلفی از موضوع بررسی شده‌است. این تحقیقات، دربرگیرنده‌ی مواردی است همچون مواد قانونی و مشابهت‌ها یا تبعیض‌های موجود در قانون (Rubio-Marin, 2003)، روابط قدرت درون خانواده (Ishida, 2003)، تبعیض جنسی در پرداخت ماهیانه‌ی بازنشستگی (Leitner, 2001)، و روابط جنسیتی در فرهنگ‌های مختلف (Thakur, 1998).

در رابطه با موضوع مورد بحث ما، یعنی تبعیض جنسیتی میان زنان و مردان شاغل متخصص نیز چند مقاله بر پایه‌ی تحقیق منتشر شده‌است. برای نمونه، گینتر^۱ (۲۰۰۳) در مقاله‌ئی با عنوان «آیا MIT استثناست؟: تفاوت‌های دست‌مزد در رشته‌ی علوم در دانشگاه‌ها»، به بررسی نابرابری‌های شغلی میان استادان زن و مرد در دانشگاه‌های آمریکا می‌پردازد. انگیزه‌ی تحقیق وی گزارشی بود که در خبرنامه‌ی دانشگاه MIT درباره‌ی تبعیض جنسیتی میان استادان آمده‌بود. گینتر آمار و اطلاعات به‌دست‌آمده از تحقیقی فراگیر را درباره‌ی دانش‌مندان دارای مدرک دکترا (SDR)، در ۱۹۷۳ و ۱۹۹۷، دوباره تجزیه و تحلیل و آن را با یافته‌های تحقیقات دیگر در این زمینه مقایسه کرد. آنچه او به طور کلی دریافت، نشان‌گر این بود که حقوق استادان زن و مرد در ۱۹۷۳ نابرابر، و تا سال ۱۹۹۷ نیز تغییر کمی در این برخورد تبعیض‌آمیز ایجاد شده‌بود. وی نتیجه می‌گیرد که آنچه در گزارش MIT در مورد نابرابری دست‌مزدهای استادان (به تفکیک استادیار، دانش‌یار و استاد) آمده، در مورد دانشگاه‌های دیگر نیز همچنان است.

اما در مورد دلایل این امر، وی در کنار عوامل کمتر مؤثری همچون وابستگی زنان به تعهدات خانوادگی، تولید کمتر علمی از جانب زنان، مدل

اقتصادی انحصارگر در بازارهای کار دانشگاهی (که استخدام مردان را ترجیح می‌دهد)، و کیفیت متفاوت کار زنان و مردان، به عاملی مؤثرتر یعنی تبعیض جنسیتی اشاره می‌کند. به عقیده‌ی وی، بعضی گروه‌ها، یعنی مردان، فرصت‌های بیش‌تری نسبت به دیگران، یعنی زنان، به دست می‌آورند. دریافت‌کننده‌گان فرصت‌ها، قوی و محرومین از فرصت‌ها ضعیف می‌شوند. وی معتقد است که این تبیین در مورد وضعیت موجود در MIT هم درست است.

در مطالعه‌ی دیگر که درباره‌ی نگرش نسبت به زنان مدیر در چهار کشور انجام شد، سه محقق (Srinivas, S.; Allen, R.W.; Sakamoto, S., 1999) بر روی ۶۸۲ نفر از مدیران و متخصصین در کشورهای آمریکا، هند، ژاپن و مکزیک تحقیقی انجام دادند و نگرش‌های آن‌ها را نسبت به مدیریت زنان بررسی و مقایسه کردند. اثر عوامل مختلفی چون قانون، فرهنگ و توسعه‌ی اقتصادی، در سطح کلان و تحصیلات، خودباوری و دست‌یاری در سطح خرد بر این نگرش‌ها مورد توجه قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که در کل، نگرش مثبت نسبت به زنان به عنوان مدیر، در آمریکا از سه کشور دیگر بیش‌تر است و مکزیک، ژاپن و هند به ترتیب در رتبه‌های بعد جای دارند.

در همین گزارش، موارد دیگری به عنوان پیشینه‌ی تحقیق طرح شده که بازگویی آن در اینجا به روشن‌تر شدن موضوع کمک می‌کند:

در ۱۹۹۹، دست‌مزد متوسط هفته‌گی زنان کارگر در آمریکا، ۷۶ درصد دست‌مزد هفته‌گی مردان کارگر، و در مورد زنان دارای مشاغل اجرایی، اداری و مدیریتی ۶۸/۴ درصد بوده‌است.

در ۱۹۹۸، کم‌تر از ۵ درصد موقعیت‌های اجرایی آمریکا در دست زنان بوده و فقط چهار نفر از هر هزار زن سمتی در حد مدیر ارشد اجرایی^۱ داشته‌اند.

نویسنده‌گان، در واşkافی ادبیات موضوع و همچنین یافته‌های تحقیق، به دلایل مختلفی از قول تحلیل‌گران دیگر اشاره می‌کنند که چنین است:

- زمان درازی که برای کسب تجربه لازم است تا فرد بتواند به سطوح بالای مدیریت راه یابد و این، علت کم بودن زنان مدیر است.

- بازار دوگانه‌ی کار عامل اصلی تفاوت است زیرا در این بازار، زنان در مشاغل درجه دوم و پستی‌بانی حضور دارند در حالی که مردان در مشاغل درجه یک و اجرایی فعال اند.

- تبعیض جنسیتی در محل کار، عامل اصلی این تفاوت است. نویسندگان مقاله از میان دلایل بالا دلیل سوم را درست‌تر دانسته و معتقد اند که تبعیض بیش از عوامل دیگر، کم بودن زنان مدیر را توضیح می‌دهد. به گفته‌ی ایشان، تبعیض، بازتاب رفتاری نگرش‌ها و عقاید منفی است درباره‌ی کسانی که نسبت به گروه غالب متفاوت اند (در نژاد، ملیت، قومیت، ناتوانی، سن، مذهب و سوگیری جنسی). نگرش‌ها می‌تواند بر رفتار تأثیر داشته‌باشد. اگر این نگرش‌ها نسبت به فرد یا گروهی منفی باشد (مثل نگرش نسبت به توانایی‌های مدیریتی زنان در تحقیق مورد بحث)، نتیجه در موقعیت‌های شغلی می‌تواند این باشد که در فراهم آوردن فرصت‌های شغلی برابر اختلال ایجاد کند و باعث تبعیض شود.

بنابراین، در بررسی یافته‌های تحقیق مورد بحث، نویسندگان معتقد اند که شاید نگرش‌های منفی یا مخالف از سوی تصمیم‌گیرنده‌گان سازمانی نقشی مهم در تبعیض شغلی‌ئی داشته باشد که زنان هر چهار کشور مورد مطالعه با آن روبه رو هستند. حتا در آمریکا نیز که در دو دهه‌ی گذشته پیش‌رفتگی قابل توجه در این زمینه داشته، به‌ندرت می‌توان گفت که زنان موفق شده‌اند سقف شیشه‌ئی را در مشاغل بالای اجتماعی بشکنند. وضعیت زنان در سه کشور دیگر به‌مراتب بدتر از این است.

نتیجه‌ئی که نویسندگان از بحث خود می‌گیرند این است که اگر چه وجود قوانین برابری‌خواهانه بسیار مهم است، اما مهم‌تر از آن این است که باید نگرش‌های کلی جامعه تغییر یابد تا قانون کارآیی داشته‌باشد. به عقیده‌ی آن‌ها درسی که از آمریکا می‌شود گرفت این است که اگر به زنان فرصت مساوی داده شود، آن‌ها بیش از هر چیز دیگر می‌توانند نگرش‌هایی مثبت درباره‌ی زنان به عنوان مدیر در میان زنان و مردان ایجاد نمایند.

دبیرخانه‌ی شورای دارایی کانادا مطلبی با عنوان «نگاه به آینده: چالشی در موانع فرهنگی و نگرشی نسبت به زنان در خدمات دولتی» (۱۹۹۵)، منتشر کرده که در بخشی از آن به موضوع معیارها و استانداردهای دوگانه نسبت به کار زنان و مردان اشاره شده است. این متن که بر اساس جمع‌بندی یافته‌های تحقیقی با این موضوع نوشته شده، تأکید می‌کند که در ادبیات موضوع این معیارهای دوگانه به خوبی مستند شده است. معیارهای دوگانه را می‌توان رفتارهای تبعیض‌آمیز تعبیر کرد. برای نمونه، شماری از مطالعات نشان داده‌اند که زنان ناچار اند سخت‌تر از مردان کار کنند، سطوح بالاتری از توانایی را به نمایش بگذارند، و انتظارات بیشتری را برآورده سازند تا بتوانند در کارشان پیشرفت نمایند.

نه تنها درباره‌ی زنان بر اساس استانداردهای مهارت‌های اجرایی‌شان داوری می‌شود، بلکه از آن‌ها انتظار می‌رود که به رفتارهای در سنت تثبیت‌شده‌ی زنانه هم تن دهند (مثلاً خشن نباشند). در متن یادشده، به نقل از لالوند^۱ نویسنده‌ی مقاله‌ی «راه رفتن روی شیشه‌ی شکسته» آمده است که ۸۶ درصد از زنان رده‌بالای شاغل در خدمات دولتی که وی آن‌ها را بررسی کرده، احساس می‌کرده‌اند که نسبت به مدیران مرد هم‌قطارشان انتظارات بیشتری از آنان می‌رود. وی همچنین نشان داد که وقتی زنان رفتاری پذیرفته شده از جانب مردان (مثل داد زدن و عصبانی شدن) انجام می‌دهند جوری دیگر برداشت می‌شود و پذیرفته نیست. نیز، بر اساس این تحقیق، مردان اجازه داشتند که خطا کنند در حالی که همین شانس از زنان دریغ می‌شد.

در تحقیقی دیگر که در این متن بدان استناد شده، به نقل از لیزا ماینیه‌رو^۲، آمده است که در گفت‌وگو با ۵۵ زن اجرایی رده‌بالا، بسیاری اذعان کرده بودند که یکی از عناصر اصلی موفقیت آن‌ها علاقه به سخت کار کردن بوده است. به عقیده‌ی آن‌ها زنان برای موفقیت باید دو برابر مردان کار کنند.

1. Lalonde
2. Lisa Mainiero

آن‌ها ساعات طولانی کار و از دست دادن اوقات فراغت آخر هفته‌ها و تعطیلات را دربارهی خود گزارش کرده‌بودند.

در حقیقت، این معیارهای دوگانه به قاعده تبدیل شده‌است. قاعده‌ئی که در آن این گونه گمان می‌رود که مردان عموماً توانایی‌هایی بیش از آنچه تا کنون نمایش داده‌اند دارند، در حالی که زنان فقط زمانی در شغل خود رشد می‌کنند که عملاً نشان داده‌باشند توانایی‌های بیش‌تری از شغل فعلی‌شان دارند. در ایران هم، در یک بررسی تجربی بر روی ۱۰۰۳ نفر از زنان و مردان شاغل در تهران، معلوم شد که نسبت دست‌مزد زنان به مردان ۸۰ درصد است (سفیری، ۱۳۷۷:۶۷). البته این نابرابری‌ها قانونی نیست، بلکه بیش از هر چیز به نگرش‌ها و تأثیر عملی این نگرش‌ها در محیط کار مربوط می‌شود.

مطالب آمده در پیشینه‌ی تحقیقی موضوع را با توجه به رویکرد مقاله‌ی حاضر می‌توان به دو بخش اساسی تقسیم نمود: بخش نخست، با تأکید بر بحث استانداردهای دوگانه و تأثیر نگرش‌های منفی نسبت به زنان شاغل بر تبعیض جنسیتی در محل کار، در واقع به حوزه‌ی نظر مربوط می‌شود که یکی از سوالات اصلی در این مقاله است؛ بخش دوم، آمار و اطلاعاتی است درباره‌ی تبعیض شغلی موجود در مورد زنان متخصص در این تحقیق‌ها که به حوزه‌ی عمل مربوط می‌شود و این نیز سؤال اصلی این مقاله است.

نتایج تحقیق حاضر، می‌تواند یافته‌های تحقیقات گفته‌شده‌ی دیگر را تکمیل نماید. از سوی دیگر، در این تحقیق، هر دو حوزه‌ی نظر (نگرش‌های زنان و مردان متخصص) و عمل (وضعیت واقعی شغلی آنان) مورد توجه قرار گرفته و از این نظر جامع‌تر است.

چهارچوب نظری

چه‌گونه می‌توان آن‌چه را که در پیشینه‌ی تحقیقاتی گفته‌شد توضیح داد. نظریه‌هایی که به این مسائل پرداخته‌اند کدام است و سرانجام کدام نظریه

بهتر می‌تواند به تبیین یافته‌های تحقیق حاضر کمک نماید. لازم به یادآوری است که مفهوم نقش و به‌ویژه نقش جنسیتی مفهوم کلیدی در این مقاله است. تغییر و تحول پایگاه و نقش، بسته‌گی به نوع تغییر و تحول در ساخت کلی جامعه دارد. نقش و پایگاه زنان در طول تاریخ تغییراتی را در حوزه‌ی خانواده و جامعه پذیرفته‌است. نظریه‌های جامعه‌شناختی زیادی به شرح نقش‌های جنسیتی و رابطه‌ی آن با نقش‌های اجتماعی پرداخته‌اند.

لیندسی (۱۹۹۴) در توضیح این نظریه‌ها به سه نظریه‌ی اصلی اشاره می‌کند: کارکردگرایی، نظریه‌ی تضاد، و نظریه‌ی کنش متقابل نمادی. اما وی تأکید می‌کند که در کنار نظریه‌های یادشده که پیش‌تر بر نقش‌های محقق تکیه دارند، نظریه‌ی دیگر وجود دارد که بر به عهده گرفتن نقش‌ها از سوی زن و مرد، تقسیم کار عادلانه‌ی جنسی، و حذف خشونت جنسی تکیه می‌کند. این نظریه که فمینیسم خوانده می‌شود دارای سه اصل اساسی است: ۱- تمرکز بر عامل جنسیت در بحث؛ ۲- توجه به روابط اجتماعی مبتنی بر جنسیت به عنوان مشکلی که با نابرابری، تضاد و فشار درآمیخته‌است؛ ۳- پذیرش این که روابط اجتماعی مبتنی بر جنسیت، نه طبیعی و تغییرناپذیر، که پی‌آمد نیروهای فرهنگی، اجتماعی و تاریخی است (لیندسی، ۱۹۹۴: ۱۲). نظریه‌ی فمینیسم، خود شاخه‌های گوناگونی دارد که از نظر میزان تغییرات مورد تقاضا در رابطه با نقش‌های جنسیتی در جامعه با هم متفاوت اند.

همان‌طور که فریدمن^۱ (۲۰۰۱) هم اذعان می‌کند، تفکراتی که در موضوع زن و نقش وی در جامعه وجود دارد به اندازه‌ی متنوع، مختلف و گاه متضاد است که نمی‌توان به آسانی آن‌ها را در میان طبقه‌بندی‌ها قرار داد. نظریات فمینیستی در طیفی چنان گسترده جای دارد که برای مثال در بعد مذهب، از یک سو کاملاً سکولار است هم‌چون نظریه‌ی فمینیسم سوسیالیست، و از سوی دیگر، بسیاری از زنان مسلمان نظریات فمینیستی خود را در چهارچوب اسلام پی می‌گیرند (کوک^۲، ۲۰۰۱). بنابراین طبقه‌بندی دیدگاه‌های فمینیستی کاری

1. Freedman
2. Cooke

تقلیل‌گرایانه به حساب می‌آید. این نکته در نظریه‌ی فمینیستی دیدگاه^۱ نیز آمده‌است. هاردینگ^۲ (۲۰۰۴) در مقدمه‌ی مجموعه مقالات نظریه‌ی فمینیستی دیدگاه اعلام می‌کند که «این نظریه به عنوان راهی برای توان‌مند کردن گروه‌های تحت ستم، ارزش دادن به تجربیات آن‌ها و حرکت به سوی شکل دادن به نظریه‌های مخالف با آن چه به عنوان نظریه‌ی گروه مسلط رایج است، ارائه شده‌است» (هاردینگ، ۲۰۰۴:۲۰). هاردینگ و هم‌چنین دیگر نویسنده‌گان فصل‌های مختلف کتاب مورد بحث معتقد به انواع دیدگاه‌های فمینیستی هستند که حتا ممکن است با رویکردهای شناخته‌شده و مطرح فمینیستی متفاوت و گاه متضاد باشد. در حقیقت، تأکید کتاب بر دیدگاه اقلیت‌هاست. از یک سو، زنان به طور کلی اقلیتی بزرگ اند که زیر فشار جریان غالب قرار دارند، و از سوی دیگر، در میان همین گروه، اقلیت‌هایی دیگر هم هستند که هنوز صدای‌شان آن طور که باید به گوش عموم نرسیده‌است. اقلیت‌هایی چون زنان غیر غربی، زنان سیاه‌پوست، و زنان جهان سوم که در این کتاب فصولی به دیدگاه‌های آنان اختصاص داده شده‌است.

اما از آن‌جا که به هر رو، برای توضیح و تبیین مسائل ناچار به طبقه‌بندی هستیم، با توجه به نکات گفته‌شده، لازم است که همواره نسبی بودن آن‌ها را در نظر داشته‌باشیم. در این‌جا هم، با توجه به مبانی فکری نگارنده‌ی مقاله، می‌توان گفت که فمینیسم لیبرال بیش از شاخه‌های دیگر فمینیسم قابلیت به‌کارگیری برای توضیح نتایج تحقیق را دارد.

مبانی نظری فمینیسم لیبرال در چندین کتاب بحث و با شاخه‌های دیگر فمینیسم مقایسه شده‌است (دانوان^۳، ۲۰۰۰؛ زالوسکی^۴، ۲۰۰۰؛ فریدمن، ۲۰۰۱؛ لیندسی، ۱۹۹۴).
 دانوان پنج نکته را به عنوان اصول اولیه‌ی فمینیسم لیبرال مطرح برمی‌شمارد: ۱- ایمان به عقلانیت؛ ۲- باور این که روح و توان عقلی زنان و مردان یک‌سان است؛ ۳- باور این که آموزش مؤثرترین وسیله برای تغییرات

1. Feminist Standpoint Theory

2. Harding

3. Donovan

4. Zalewski

اجتماعی است؛ ۴- نگرش به فرد به عنوان کسی که گذشته از دیدگاه دیگران، حقیقت را خود می‌یابد، و عقلانی عمل می‌کند؛ ۵- عقیده به لزوم برخورداری زنان از حقوق طبیعی انسان‌ها به طور کلی (دانوان، ۲۰۰۰: ۲۳).

همان گونه که لیندسی می‌گوید: «فمینیسم لیبرال، میانه‌روترین فمینیسم است و بر این اصل ساده استوار است که همه‌ی مردم یکسان آفریده شده‌اند و نباید به خاطر جنسیت خود از این برابری محروم شوند» (لیندسی، ۱۹۹۴: ۱۴).

این شاخه‌ی فمینیسم معتقد است که از بین رفتن جنسیت‌گرایی و تبعیض، به سود مردان نیز هست. زیرا در این صورت، زنان سطح اشتغال خود را به فعالیت‌های بیرون از خانه ارتقا می‌دهند و مردان نیز در بخشی از زمان خود به انجام کارهای درون خانه می‌پردازند. هیچ کدام از گروه زنان و یا مردان در جامعه بر یک‌دیگر برتری ندارند بلکه با هم همکاری می‌کنند. زنان می‌توانند با مردان رقابت داشته‌باشند و در نقش‌های دیگری جز خانه‌داری با مردان سهیم شوند (همان).

انتخاب رویکرد فمینیسم لیبرال به این دلیل است که این رویکرد متضمن باور به وجود تبعیض نسبت به زنان، به‌ویژه در سطح اجتماعی است. اما شاید در برخی حوزه‌های اجتماعی، و با توجه به قوانین یکسان کار برای زنان و مردان، به نظر برسد که چنین تبعیضی وجود ندارد؛ به‌ویژه این نکته در مورد مشاغل تخصصی، هم‌چون شغل مورد نظر این تحقیق، یعنی تدریس در دانشگاه، صادق است. با استفاده از این رویکرد، می‌توان نخست وجود یا عدم وجود تبعیض را بررسی کرد؛ دوم، نقش جنسیت را در باورها نسبت به مسئولیت‌های شغلی زنان، در حوزه‌ی نظر آزمون نمود؛ و سوم، نتیجه‌ی نگرش غالب جامعه را در حوزه‌ی عمل، یعنی وجود فرصت‌ها و امکانات شغلی برابر یا نابرابر مطالعه نمود.

فرضیه‌های پژوهش

با انتخاب نظریه‌ی فمینیستی لیبرال، دو فرضیه‌ی زیر تدوین گردیده‌است:

۱- بین جنس پاسخ‌گویان و نظرشان درباره‌ی مسئولیت‌های شغلی زنان رابطه وجود دارد.

۲- بین جنس پاسخ‌گویان و عمل‌کرد شغلی‌شان رابطه وجود دارد.
با مقایسه‌ی نتایج این دو فرضیه، می‌توان به پرسش‌های اصلی تحقیق پاسخ داد:

- ۱- آیا نگرش‌های زنان و مردان متخصص درباره‌ی نقش و وظایف اجتماعی و شغلی زنان یکسان است؟
- ۲- این نگرش‌ها در عمل چه تأثیری بر ایفای وظایف اجتماعی و شغلی زنان گذاشته‌است؟

روش تحقیق

طرح پژوهشی مبنای این مقاله با روش پیمایشی اجرا شده‌است. محل تحقیق، شهر تهران و به طور مشخص، مراکز دانشگاهی دولتی این شهر بوده‌است. نمونه‌ی آماری، ۲۹۱ نفر متخصص، ۱۱۳ زن و ۱۷۸ مرد است که با فرمول کوکران و به صورت تصادفی انتخاب شدند. برای دسترسی به واحدهای نمونه با استفاده از اعداد صفر تا ۹، با قرعه‌کشی ۳۰ دانشکده از دانشگاه‌های شهر تهران انتخاب، و پرسش‌نامه‌ها با مراجعه‌ی مستقیم به استادان این دانشکده‌ها به صورت حضوری، و در مواردی هم غیر حضوری، تکمیل شد.

ویژه‌گی‌های کلی پاسخ‌گویان

فراوانی استادان در گروه‌های مختلف سنی در جدول ۱ آمده‌است.

جدول ۱- فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب سن

گروه‌های سنی	تعداد	درصد
۲۱ تا ۳۱ سال	۱۵	۵/۲
۳۲ تا ۴۲ سال	۱۱۳	۳۸/۸
۴۳ تا ۵۳ سال	۱۱۲	۳۸/۵
۵۴ تا ۶۴ سال	۳۳	۱۱/۳
بی پاسخ	۱۸	۶/۲
جمع	۲۹۱	۱۰۰/۰

بیش‌تر پاسخ‌گویان مدرک دکترا داشته‌اند (۶۸/۰ درصد)، و بعد از آن دارنده‌گان مدرک فوق لیسانس (۲۶/۸ درصد) و دارنده‌گان مدرک لیسانس (۳/۸ درصد) قرار دارند (جدول ۲).

جدول ۲- فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب میزان تحصیلات

میزان تحصیلات	تعداد	درصد
لیسانس	۱۱	۳/۸
فوق لیسانس	۷۸	۲۶/۸
دکترا	۱۹۸	۶۸/۰
بی پاسخ	۴	۱/۴
جمع	۲۹۱	۱۰۰/۰

۵۱/۵ درصد پاسخ‌گویان در شغل خود سمت ندارند و بقیه در سمت‌هایی چون مدیر و معاون دانشکده، سرپرست و مسئول واحد و مسئولیت‌های دیگر داخل و خارج دانشگاه فعال اند (جدول ۳).

بیش‌تر پاسخ‌گویان از رشته‌های فنی-مهندسی، علوم پایه، ادبیات و علوم انسانی، و کم‌ترین درصد از رشته‌های آسیب‌شناسی، بهداشت مواد غذایی، و صنایع غذایی بوده‌اند (جدول ۴).

جدول ۳- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب نوع سمت در شغل

درصد	تعداد	عنوان سمت
۱۹/۶	۵۷	مدیر و معاون دانشکده
۹/۳	۲۷	سرپرست و مسئول واحد
۱/۴	۴	مسئولیت‌های دیگر داخل دانشکده
۲/۱	۶	مسئولیت‌های دیگر خارج دانشکده
۵۱/۵	۱۵۰	بدون سمت
۱۶/۲	۴۷	بی پاسخ
۱۰۰	۲۹۱	جمع

جدول ۴- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب رشته‌ی تحصیلی

درصد	تعداد	رشته‌ی تحصیلی
۲/۴	۷	حقوق و علوم سیاسی
۵/۸	۱۷	جامعه‌شناسی (علوم اجتماعی)
۵/۵	۱۶	معماری و هنر
۲۵/۸	۷۵	فنی-مهندسی
۱۳/۱	۳۸	علوم پایه
۱۱/۳	۳۳	ادبیات و علوم انسانی
۵/۵	۱۶	الهیات
۲/۷	۸	تربیت بدنی
۳/۴	۱۰	مدیریت
۲/۷	۸	روان‌شناسی
۰/۷	۲	بهداشت مواد غذایی
۶/۲	۱۸	دام‌پزشکی
۱/۰	۳	صنایع غذایی
۲/۷	۸	اقتصاد
۰/۳	۱	آسیب‌شناسی
۱۰/۷	۳۱	بی پاسخ
۱۰۰/۰	۲۹۱	جمع

یافته‌های تحقیق

رابطه میان جنس پاسخ‌گویان و نظرشان درباره‌ی مسئولیت‌های شغلی زنان

برای یافتن درستی فرضیه‌ی نخست، پرسش‌هایی مطرح شد که عمدتاً درباره‌ی دو موضوع ضرورت داشتن سمت در شغل برای زنان و اولویت مأموریت‌های شغلی بود. نتیجه‌ی بررسی سؤال‌ها و جمع‌بندی آن برای توضیح رابطه میان جنس و نظر درباره‌ی مسئولیت‌های شغلی زنان چنین است:

در مورد این سوال که «آیا ضروری است که زنان شاغل در شغل خود دارای سمت باشند؟»، ۴۸/۱ درصد (۱۲۵ نفر) پاسخ خیر و ۴۲/۳ درصد (۱۱۰ نفر) پاسخ آری داده‌اند و بقیه نیز (۹/۶ درصد، ۲۵ نفر) آن را مشروط به شرایط خاص دانسته‌اند. در آزمون کی‌دو با سطح معناداری ۰/۰۱۲ وجود رابطه بین نظر درباره‌ی ضرورت داشتن سمت زنان با جنس تأیید شده‌است. به این معنا که زنان بیشتر از مردان با ضرورت داشتن سمت در شغل برای زنان موافق‌اند و بر عکس، مردان کمتر از زنان داشتن سمت در شغل را برای زنان ضروری می‌دانند.

داشتن سمت در شغل، فرد را به برقراری ارتباط با صاحب‌منصبان دیگر ملزم می‌سازد. این ارتباط، در گسترش آشنایی فرد با حوزه‌ی کاری و آشنایی بیشتر دیگران با وی نقش دارد که به نوبه‌ی خود می‌تواند زمینه‌های افزایش سرمایه‌ی اجتماعی و ارتقای بیشتر شغلی را فراهم آورد. اما از آن‌جا که مردان متخصص، معمولاً از نظر شغلی در جایگاه تصمیم‌گیری در این باره قرار دارند، عدم اعتقاد آنان به ضرورت داشتن سمت در شغل برای زنان، می‌تواند به شیوه‌ی نهادی مانع ارتقای شغلی زنان گردد.

پس از موضوع سمت در شغل، موضوع مأموریت‌های شغلی مبنای مقایسه قرار گرفت. مأموریت‌های شغلی اساتید دانشگاه معمولاً به شکل سفر برای

شرکت در هم‌آیش‌ها و کنفرانس‌های داخلی و خارجی، و هم‌چنین استفاده از فرصت‌های مطالعاتی و انجام امور تحقیقاتی مشترک با سازمان‌های داخلی و خارجی است. در این زمینه، سؤال‌هایی طرح شد که می‌تواند نشان‌دهنده‌ی نظر جامعه‌ی مورد بررسی درباره‌ی اولویت مأموریت‌های شغلی برای زنان باشد. سپس با مقایسه با وضعیت واقعی مأموریت‌های شغلی زنان در رابطه با مردان، چه‌گونه‌گی برابری حقوق در این حوزه نیز بررسی شده‌است.

در مورد این پرسش که «در رفتن به مأموریت‌های شغلی داخلی اولویت باید با چه کسانی باشد؟»، بیش‌تر پاسخ‌گویان (۶۲/۷ درصد، ۱۷۳ نفر) که شاغلان متخصص زن و مرد بودند به امکان مساوی اشاره کرده‌اند. این در حالی است که ۳۶/۶ درصد (۱۰۱ نفر) اولویت را به مردان و فقط ۰/۷ درصد (۲ نفر) اولویت را به زنان داده‌اند.

در بررسی همین سؤال به تفکیک جنس برای سنجش تأثیر عامل جنس در این نظر، آزمون کی دو با سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود رابطه بین جنس و نظر درباره‌ی مأموریت داخلی را تأیید کرد. بنابراین، در حالی که ۸۲/۶ درصد از زنان به امکان مساوی اشاره داشته‌اند، فقط ۴۹/۷ درصد مردان این گزینه را انتخاب نموده‌اند. در عوض ۴۹/۷ درصد دیگر مردان اولویت مأموریت شغلی را به مردان داده‌اند، در حالی که ۱۶/۵ درصد زنان این اولویت را برای مردان پذیرفته‌اند. نکته‌ی جالب این که تنها ۰/۹ درصد زنان و ۰/۶ درصد مردان اولویت مأموریت‌ها را از آن خانم‌ها دانسته‌اند (جدول ۵).

جدول ۵- توزیع نظر پاسخ‌گویان درباره‌ی اولویت مأموریت شغلی داخلی به تفکیک جنس

اولویت جنس	مردان		زنان		امکان مساوی		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
زن	۱۸	۱۶/۵	۱	۰/۹	۹۰	۸۲/۶	۱۰۹	۱۰۰/۰
مرد	۸۳	۴۹/۷	۱	۰/۶	۸۳	۴۹/۷	۱۶۷	۱۰۰/۰
جمع	۱۰۱	۳۶/۶	۲	۰/۷	۱۷۳	۶۲/۷	۲۷۶	۱۰۰/۰

سطح معناداری در آزمون کی دو = ۰/۰۰۰

دیده می‌شود که دیدگاه زنان، غیرجنسیتی‌تر از مردان است و زنان بسیار بیش‌تر از مردان به تساوی در رفتن به مأموریت داخلی اشاره کرده‌اند. اما در مرحله‌ی بعد که بین زن و مرد انتخابی شده‌است، دیده می‌شود که زنان نیز همانند مردان اولویت مأموریت را به مردان داده‌اند و تنها درصدی ناچیز از هر گروه این اولویت را برای زنان تعیین کرده‌اند. این مطلب، خود بیان‌گر تداوم دیدگاهی است که دوری زن را از خانواده، حتی برای چند روز، به معنای حذف وظایف خانواده‌گی وی می‌داند و آن را مردود می‌شمارد. این دیدگاه، اگر چه در مردان قوی‌تر است، اما جایگاهی در میان خود زنان نیز دارد. این می‌تواند برآمده از موقعیت خانواده‌گی زنان باشد و تأثیر آن در موقعیت شغلی نیز تثبیت‌نگرشی است که زنان را از عرصه‌های مدیریتی حذف می‌کند.

در مورد مأموریت شغلی خارجی، ۱/۲ درصد به امکان مساوی و ۳۸/۸ درصد به مردان اشاره کرده‌اند و در هیچ مورد به زنان اشاره‌ی نشده‌است. توزیع نتایج این سؤال به تفکیک جنس می‌تواند نشان‌دهنده‌ی تفاوت نظر زن و مرد باشد (جدول ۶).

جدول ۶- توزیع نظر پاسخ‌گویان درباره‌ی اولویت مأموریت شغلی خارجی به تفکیک جنس

جمع		امکان مساوی		زنان		مردان		اولویت جنس
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰۰/۰	۱۰۹	۸۷/۲	۹۵	۰/۰	۰	۱۲/۸	۱۴	زن
۱۰۰/۰	۱۶۹	۴۴/۴	۷۵	۰/۰	۰	۵۵/۶	۹۴	مرد
۱۰۰/۰	۲۷۸	۶۱/۲	۱۷۰	۰/۰	۰	۳۸/۸	۱۰۸	جمع

سطح معناداری در آزمون کی‌دو = ۰/۰۰۰

آزمون کی‌دو با ۹۹ درصد اطمینان وجود رابطه میان جنس و نظر پاسخ‌گویان را در این زمینه نیز تأیید می‌کند. همان‌طور که در جدول دیده می‌شود در حالی که بیش‌تر زنان (۸۷/۲ درصد) از امکان مساوی نام برده‌اند، اکثر مردان (۵۵/۶ درصد) این اولویت را برای مردان در نظر گرفته‌اند.

این نشان می‌دهد که میان نظر زنان و مردان درباره‌ی انجام مأموریت شغلی به صورت مسافرت از جانب زنان تفاوت وجود دارد و بیش‌تر مردان این امکان را از آن خود می‌دانند.

نکته‌ی جالب توجه در تحلیل این جدول، تغییر درصدهای پاسخ‌ها به نحوی معنادار است. اگر چه هنوز بیش‌تر زنان در مورد مأموریت خارجی به امکان مساوی اشاره کرده‌اند، ولی در مقایسه با مأموریت‌های داخلی، پاسخ‌گویان زن بیش‌تری این گزینه را انتخاب کرده‌اند. در عوض، در حالی که تقریباً نیمی از مردان اولویت رفتن به مأموریت‌های داخلی را برای مردان در نظر گرفته‌اند، این نسبت در مورد مأموریت خارجی افزایش یافته‌است. معنای این تغییرات این است که اختلاف پاسخ‌گویان زن و مرد درباره‌ی اولویت رفتن به مأموریت خارجی افزایش یافته و در این مورد، مردان بیش از مورد قبل معتقد به لزوم اولویت دادن به مردان برای مأموریت‌های خارجی هستند. این، نشان می‌دهد که با توجه به نقش کم مدیریت زنان، رفتن زن به مأموریت شغلی داخلی امکان عملی بیش‌تری نسبت به رفتن به مأموریت‌های خارجی دارد. در این‌جا موقعیت خانواده‌گی زن و همین‌طور نابرابری‌های شغلی، نقشی تشدیدکننده ایفا می‌کند.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که میان نگرش زنان و مردان درباره‌ی مسئولیت‌های شغلی زنان تفاوت وجود دارد. زنان عمدتاً تفاوتی میان زن و مرد در لزوم انجام مأموریت‌های شغلی نمی‌بینند، در حالی که از نظر اکثر مردان مأموریت‌های شغلی، به‌ویژه مأموریت‌های خارجی باید توسط مردان انجام گیرد.

رابطه بین جنس پاسخ‌گویان و عمل‌کرد شغلی‌شان

منظور از عمل‌کرد شغلی، چه‌گونه‌گی توزیع و استفاده از امکانات و فرصت‌ها برای زنان و مردان است. همان‌طور که در بخش پیشین گفته‌شد، دو مورد از امکانات و فرصت‌ها عبارت است از داشتن سمت در شغل، که خود به

برقراری ارتباط با افراد صاحب قدرت و نفوذ کمک می‌کند، و رفتن به مأموریت‌های شغلی که، به‌ویژه برای اساتید دانشگاه که مأموریت‌های‌شان علمی است، یاری‌دهنده در رشد و بالنده‌گی آنان در سطح ملی و بین‌المللی است. در بخش پیش‌نشان داده‌شد که نگرش‌های پاسخ‌گویان زن و مرد درباره‌ی این امکانات متفاوت است. وجود همین تفاوت باعث می‌شود که در عمل، زنان، علی‌رغم عقیده به استفاده از امکانات شغلی مساوی برای هر چه بهتر انجام دادن مسئولیت‌های کاری، کمتر از مردان موفق به استفاده از این امکانات گردند. دلیل این مطلب هم این است که همان‌طور که در جدول ۷ دیده‌می‌شود، مناصب مدیریتی مردان در دانشگاه‌ها بسیار بیش از زنان است.

جدول ۷- توزیع وضعیت پاسخ‌گویان از نظر داشتن سمت در شغل به تفکیک جنس

سمت / جنس	ندارد		دارد		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
زن	۷۱	۶۸/۳	۳۳	۳۱/۷	۱۰۴	۱۰۰/۰
مرد	۷۹	۴۸/۸	۸۳	۵۱/۲	۱۶۲	۱۰۰/۰
جمع	۱۵۰	۵۶/۴	۱۱۶	۴۳/۶	۲۶۶	۱۰۰/۰

سطح معناداری در آزمون کی‌دو = ۰/۰۰۲

آزمون کی‌دو نشان داد که بین متغیر داشتن سمت در شغل و جنس رابطه‌ی معنادار وجود دارد. توصیف این رابطه به این ترتیب است که ۵۱/۲ درصد از مردان شاغل متخصص، سمتی در شغل خود دارند، اما این نسبت برای خانم‌های شاغل متخصص، تنها ۳۱/۷ درصد است، یعنی ۲۰ درصد کم‌تر از مردان. از مقایسه‌ی این نتیجه با نتیجه‌ی پرسش پیش‌مشخص می‌شود که وقتی ۴۸ درصد پاسخ‌گویان داشتن سمت را برای زن ضروری نمی‌دانند، نتیجه‌ی عملی این طرز فکر پایین بودن میزان زنان شاغل دارای سمت نسبت به مردان است. بنابراین، طبیعی است که همان‌طور که نتایج بررسی نشان می‌دهد، مافوق بیش‌تر متخصصین دارای سمت، یعنی ۸۹/۳ درصد

آنها (۲۴۳ نفر) مرد، و فقط مافوق ۷/۱۰ درصد از پاسخ‌گویان (۲۹ نفر) زن بود. این مقایسه نشان می‌دهد که نخست، به طور کلی پاسخ‌گویان ضرورتی برای تصدی مناصب مدیریتی توسط زنان نمی‌بینند، اگر چه در مقایسه با جنس، زنان کمتر با این نظر موافق‌اند. دوم، این دیدگاه در عمل موجب شده که مناصب و مشاغل مدیریتی ابتدا در اختیار مردان قرار گیرد و در صورت خالی ماندن پست، زنان را به آن بگمارزند.

این مطلب نشان می‌دهد که اگر چه شعار برابری حقوق اجتماعی زن و مرد در جامعه‌ی مورد بررسی، به‌ویژه به خاطر داشتن تحصیلات بالا، شعاری پذیرفته است، اما در عمل، اثر نگذاشته و موجب برابر شدن فرصت‌های شغلی برای زن و مرد نشده است. شاید گفته‌شود که به طور کلی تعداد مردان استاد از زنان بیشتر است و این تفاوت طبیعی است؛ اما با توجه به این که در جامعه‌ی نمونه‌ی مورد بررسی تحقیق، تعداد مردان و زنان بررسی‌شده تقریباً با هم مساوی است، این توجیه برای نابرابری شغلی درست نیست.

اما نظر زنان و مردان درباره‌ی مسئولیت‌های شغلی زن و مرد، تأثیر خود را در عمل خواهد گذاشت. برای بررسی این تأثیر، لازم است بینیم عملاً مأموریت‌های شغلی چه‌گونه سازمان‌دهی می‌شود. آزمون کی‌دو رابطه‌ی معنادار میان رفتن به مأموریت شغلی، تعداد مأموریت و طول دوره‌ی مأموریت، با جنس نشان داد. در میان زنان و مردان متخصص مورد بررسی ۶۷/۵ درصد (۱۸۹ نفر) تا به حال به مأموریت شغلی رفته‌اند و ۳۲/۵ درصد (۹۱ نفر) به مأموریت نرفته‌اند. تفکیک این نتایج به جنس، گویای تأثیر نظر فوق در عمل است. به این ترتیب که در برابر ۷۳/۵ درصد از مردان که تا به حال به مأموریت شغلی رفته‌اند، ۵۸/۲ درصد زنان از این موقعیت برخوردار بوده‌اند. به عبارت دیگر، در حالی که تنها ۲۶/۵ درصد از مردان گفته‌اند که تا کنون به مأموریت شغلی نرفته‌اند، ۴۱/۸ درصد زنان چنین چیزی را اعلام داشته‌اند. بنابراین، می‌توان گفت تأثیر عامل جنس که در سوالات مربوط به نظر مشخص شده بود باعث شده که زنان کمتر از مردان به مأموریت شغلی بروند.

تا اینجا روشن شد که در عمل، مردان بیش از زنان به مأموریت‌های شغلی داخلی و خارجی می‌روند. اما در مطلب بالا تعداد مأموریت‌ها مشخص نشده‌است و بنابراین نشان نمی‌دهد که تفاوت میان فراوانی مأموریت‌های زنان و مردان چه‌گونه است. این تفاوت خود می‌تواند نشان‌دهنده‌ی چه‌گونه‌گی توزیع فرصت‌های شغلی نیز باشد. بیش‌تر پاسخ‌گویان (۵/۵۴ درصد، ۹۲ نفر) بیش از ۵ بار مأموریت داشته‌اند. توزیع این نتیجه به تفکیک جنس نشان می‌دهد که از این نظر نیز امکان بیش‌تر برای مردان وجود دارد، چنان که ۴/۶۰ درصد مردان تا به حال بیش از ۵ بار به مأموریت شغلی رفته‌اند؛ در حالی که تنها ۱/۴۳ درصد زنان بیش از ۵ بار مأموریت شغلی داشته‌اند. البته این نکته قابل توجه است که در میان خود زن‌ها، بیش‌ترین تعداد کسانی که به مأموریت شغلی رفته‌اند، مأموریت‌شان بیش از ۵ بار بوده‌است. این مطلب خود نشان‌دهنده‌ی این است که برای زنانی که به دو دلیل موقعیت کاری مناسب (احتمالاً داشتن سمت در شغل) و موقعیت خانواده‌گی مناسب می‌توانند به مأموریت شغلی بروند، چنین امکانی در محیط کار وجود دارد. اما به هر حال، میزان آن از میزان امکانی که مردان دارند کم‌تر است.

همچنین از نظر طول مدت مأموریت، ۵/۴۷ درصد (۷۷ نفر) مأموریت بیش از ۵ روز داشته‌اند و مدت مأموریت بقیه کم‌تر بوده‌است. هم‌چنین نوع آخرین مأموریت ۵/۶۲ درصد (۱۱۵ نفر) از پاسخ‌گویان، مأموریت داخلی و ۲/۳۳ درصد (۶۱ نفر) مأموریت خارجی بوده‌است. تفکیک این نسبت‌ها به جنس نشان‌دهنده‌ی عمل‌کرد زنان و مردان در ایفای نقش شغلی‌شان است.

بیش از نیمی از مردان، طول دوره‌ی آخرین مأموریت شغلی خود را بیش از ۵ روز اعلام نموده‌اند؛ در حالی که ۴/۴۱ درصد زنان آخرین مأموریت‌شان بیش از ۵ روز طول کشیده‌است. در عوض، زنان بیش از مردان مأموریت‌های شغلی کوتاه‌تر از ۵ روز داشته‌اند (جدول ۸).

جدول ۸- توزیع وضعیت پاسخ‌گویان
از نظر تعداد روزهای آخرین مأموریت به تفکیک جنس

تعداد روزها	۱ تا ۲ روز		۳ تا ۵ روز		بیش از ۵ روز		جمع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
زن	۱۳	۲۲/۴	۲۱	۳۶/۲	۲۴	۴۱/۴	۵۸
مرد	۲۰	۱۹/۲	۳۱	۲۹/۸	۵۳	۵۱/۰	۱۰۴
جمع	۳۳	۲۰/۴	۵۲	۳۲/۱	۷۷	۴۷/۵	۱۶۲

سطح معناداری در آزمون کی‌دو = ۰/۰۲۸

اگر چه آزمون کی‌دو رابطه‌ی میان نوع مأموریت شغلی و جنس را تأیید نکرده، اما تحلیل درصدهای جدول نشان می‌دهد که میزان مأموریت‌های خارجی انجام‌شده توسط مردان ۱۱ درصد بیش از زنان است. به این ترتیب که ۳۰ درصد از زنان و ۴۱ درصد از مردان، آخرین مأموریت خود را خارجی اعلام کرده‌اند. مقایسه‌ی این نتیجه با نظر مردان در مورد اولویت مأموریت خارجی برای مردان و همین طور این نکته که مافوق بیش از ۸۹ درصد پاسخ‌گویان مرد بوده، به‌خوبی توضیح‌دهنده‌ی علت مسئله است. در حالی که بیش‌تر زنان معتقد اند در مأموریت‌های خارجی، که خود شاخصی برای ایفای نقش شغلی است، زنان و مردان باید از امکان مساوی برخوردار باشند، اما در عمل، زنان امکان کم‌تری در این زمینه پیدا می‌کنند.

به طور کلی، در این تحقیق، در مورد وضعیت شغلی زنان و مردان متخصص (استاد دانشگاه)، معلوم شد که نخست، زنان کم‌تر از مردان دارای سمت در شغل خود هستند؛ دوم، زنان کم‌تر از مردان به مأموریت شغلی می‌روند و وقتی هم که می‌روند نخست، بیش از مردان به مأموریت شغلی داخلی و کم‌تر به مأموریت شغلی خارجی می‌روند و دوم، طول دوره‌ی مأموریت‌شان معمولاً کم‌تر از طول دوره‌ی مأموریت مردان است.

از مقایسه‌ی نتایج فوق می‌توان به علت این تفاوت در رابطه‌ی میان نظر و عمل پی برد. اگر چه زنان در نظر، بیش‌تر از مردان به امکان مساوی و

توزیع فرصت‌های شغلی بر اساس شایسته‌گی‌های فردی معتقد اند، ولی چون در عمل، این مردان اند که با نظر بیش‌تر مثبت به هم‌کاران مرد خود در مناصب مدیریتی و تصمیم‌گیری قرار دارند، تصمیم‌گیری‌ها به نفع مشارکت بیش‌تر مردان است.

حال، چنان‌چه توجه نماییم که دو عامل داشتن مشاغل اجرایی از یک سو و شرکت در سمینارها و مجامع علمی داخلی و خارجی از سوی دیگر در ارتقای شغلی استادان دانشگاه نقشی عمده ایفا می‌کند، می‌توان تصور نمود که با این نابرابری که حداقل در این دو مورد مطالعه‌شده میان موقعیت شغلی زنان و مردان عضو هیئت علمی دانشگاه وجود دارد، چه‌گونه فرصت‌های رشد سازمانی برای زنان نسبت به مردان محدود می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق معلوم شد که زنان شاغل متخصص، انتظار ایفای نقشی بیش از آن‌چه در حال حاضر انجام می‌دهند از خود دارند، ولی به علت غلبه‌ی تفکر مردانه در محیط شغلی و به‌ویژه مدیریتی، به نقش‌هایی کم‌تر از میزان انتظار خود بسنده می‌کنند. اما مردان متخصص، اگر چه موافق مشارکت اجتماعی و شغلی زن در جامعه هستند، ولی این موافقت را مشروط به حفظ اولویت نقش شغلی خودشان، و درجه‌ی دوم تلقی نمودن شغل زنان نموده‌اند و به همین دلیل هم، چون عملاً مردان بیش‌تر در سطوح مدیریتی حضور دارند بین این نظر و عمل‌کردشان در رابطه با آن فاصله‌ی چندانی وجود ندارد.

پس عامل جنس در نظر و عمل پاسخ‌گویان و هم‌چنین فاصله میان نظر و عمل اثر گذاشته‌است. بر این اساس، نخست، نظر زنان و مردان شاغل متخصص درباره‌ی وظایف شغلی زنان با هم متفاوت است؛ دوم، عمل‌کرد این دو گروه جنسی در این زمینه متفاوت است که در آن عملاً مردان وظایف شغلی کلیدی‌تری دارند. به عبارت دیگر، بین زنان و مردان در امکان ایفای

نقش‌های شغلی به صورت دل‌خواه و مورد انتظار تفاوت وجود دارد و این تفاوت به لحاظ نگرشی، در میان جامعه‌ی زنان، مردود و در میان جامعه‌ی مردان-مورد بررسی پذیرفته‌است. این تفاوت نگرش باعث می‌شود که هم‌کاری متقابل میان دو گروه جنسی در محیط کار تحت‌الشعاع عامل جنسیت قرار گیرد و در بسیاری مواقع، مانع ایجاد هم‌دلی لازم برای هم‌کاری مؤثر و ثمربخش شود.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که نگرش‌های زنان و مردان در مورد نقش‌ها و وظایف اجتماعی زنان با هم متفاوت است. به عبارتی، نگرش زنان تغییر کرده، در حالی که نگرش مردان ثابت مانده‌است. برخی از محققان در کشورهای دیگر، مدعی گرفتن نتیجه‌ئی عکس این اند. سارا دلامونت^۱ (۲۰۰۱) در کتابی با عنوان **آیا زنان تغییر کرده‌اند و مردان نه؟**، به بررسی این موضوع پرداخته که آیا واقعاً فاصله‌ی نگرشی میان زنان و مردان وجود دارد؟ وی که تحقیق‌های موجود در جامعه‌ی انگلستان را در مورد دو جنس در دوره‌های مختلف سنی، شامل کودکی، بلوغ و بزرگسالی مورد بررسی مجدد قرار داده تا به سوال خود با استفاده از آمار پاسخ گوید، وجود فاصله را رد می‌کند. وی در همین کتاب، برای پیش‌برد استدلال‌های خود به کتاب‌هایی اشاره می‌کند که در آن‌ها بر وجود این فاصله تأکید شده و در حقیقت، مبنای شکل‌گیری کلیشه‌ی تغییر زنان و عدم تغییر مردان در جامعه‌ی انگلیسی شده‌است. این کتاب‌ها چنین است: **مردان در حال تغییر** نوشته‌ی دنچ^۲ (۱۹۹۶)، و **شکاف یک قرن** نوشته‌ی هارمن^۳ (۱۹۹۳). برای نمونه، در **شکاف یک قرن**، هارمن معتقد است که زنان، قرن بیستم را پشت سر گذاشته‌اند و زنان قرن بیست‌ویکمی از راه رسیده‌اند، در حالی که مردان هنوز یک قرن عقب اند و در همان قرن بیستم مانده‌اند. این ادعا، بدین معناست که مردان هنوز سعی می‌کنند همانند پیشینیان خود در عصر صنعتی و پساصنعتی زنده‌گی کنند، در حالی که زنان در تفکر خود تجدید نظر کرده‌اند (به نقل از دلامونت، ۲۰۰۱: ۶).

1. Sara Delamont

2. Dench, G.: **Transforming Men**. New Bunswick, NJ. Transaction Books.

3. Harman, H.: **The Century Gap**. London, Vermilion.

دپلومات با استفاده از آمار گفته شده با نظریه‌هایی همانند نظریه‌ی فوق مخالفت کرده و معتقد است که در انگلستان، زنان و مردان بسیار شبیه به پیشینیان خود در ۱۹۵۱ و حتی پدربزرگ‌های‌شان در ۱۸۹۳ رفتار می‌کنند، یعنی اکثراً ازدواج می‌کنند، به خانواده‌های‌شان نزدیک هستند، بیش‌تر عمرشان را کار می‌کنند و مانند آن. هنوز هم زنان بیش‌تر کارهای خانه‌گی و وظایف عاطفی خانواده را انجام می‌دهند. مردان در همه‌ی طبقات اجتماعی، هنوز بهترین مشاغل آن طبقه را در اختیار دارند. هنوز هم، هم‌چون سالهای ۱۸۹۳ و ۱۹۵۱، طبقه‌ی اجتماعی و فقر، تعیین‌کننده‌های قوی‌تری از جنسیت برای شانس‌های زنده‌گی است. در حقیقت، مردان تغییر نکرده‌اند؛ این بخش از کلیشه درست است، اما زنان هم تغییری نکرده‌اند. اگر چه خواسته‌های زنان و آرزوهای‌شان ارتقا یافته، ولی در عمل تغییری در سازمان کار به نفع زنان پدید نیامده است (همان: ۱۱۱).

این نتیجه‌گیری نویسنده درباره‌ی جامعه‌ی انگلستان است که البته قدری هم متناقض است. نخست این که کلیشه می‌گوید نگرش‌های زنان تغییر کرده و از آن مردان نه. نویسنده‌ی کتاب برای اثبات یا رد آن به واقعیت و موقعیت‌های اجتماعی زنان و مردان پرداخته است و آن‌ها را در مقایسه با هم بی‌تغییر می‌داند و کلیشه را رد می‌کند. روشن است که تغییر نگرش‌های زنان و ثابت ماندن نگرش‌های مردان که سطح نظری مطالعه را شکل می‌دهد، خود موجب عدم تغییر عملی در وضعیت زنان می‌شود؛ چرا که مردان تصمیم‌گیرنده‌گان درباره‌ی فرصت‌های شغلی مختلف و هم‌چنین شیوه‌ی زنده‌گی زنان و مردان در مقایسه با هم هستند و بازار کار را نیز در اختیار دارند. اما می‌توان گفت با وجود فاصله‌ی نگرشی میان زنان و مردان، این امکان وجود دارد که در آینده، با افزایش زنان در بازار کار و پست‌های مدیریتی، عملاً تغییری پدید آید و در نتیجه‌ی آن، نگرش مردان نیز دگرگون شود. اما در حال حاضر، به نظر می‌رسد این گفته هنوز هم قابل دفاع باشد که زنان، به لحاظ نگرش (و نه در موقعیت‌های عملی زنده‌گی) نسبت به وظایف زن و

مرد و انتظارات جامعه از آنها، تغییر کرده‌اند و مردان نه. دوم این که بحث فوق به جامعه‌ی انگلستان مربوط می‌شود، اما در تحقیق حاضر که مربوط به قشر دانش‌آموخته و استاد دانشگاه در ایران و به طور مشخص تهران است، وجود این فاصله‌ی نگرشی تأیید شده‌است.

وجود فاصله‌ی نگرشی میان زنان و مردان نشان‌دهنده‌ی تأثیرپذیری بیشتر زنان از دگرگونی‌های فرهنگی سال‌های اخیر است که در آن موضوع احقاق حقوق زن و به‌دست‌آوردن برابری اجتماعی با مرد اهمیتی ویژه دارد. به طور کلی، لزوم کار بیشتر بر روی تغییر نگرش مردان در این موضوع حس می‌شود، چرا که با توجه به اصل توجه انتخابی، ادراک انتخابی و نگاه‌داشت انتخابی در علم ارتباطات که می‌گوید انسان به موضوعاتی در محتوای رسانه‌ها و پیام‌ها توجه می‌کند که بدان علاقه داشته‌باشد، و از میان آن، بخش‌هایی را خوب درک می‌کند که درباره‌ی آن انگیزه داشته‌باشد، و سرانجام، از میان درک‌شده‌ها آن‌هایی را به خاطر می‌سپارد که برای‌اش اهمیتی ویژه داشته‌باشد، طبیعی است که زنان به موضوعات جدید برابری و احقاق حقوق زن زودتر و بیشتر توجه داشته‌باشند و اگر فعالیت فرهنگی برای هم‌تراز نمودن آگاهی زن و مرد در این زمینه صورت نگیرد، این جدایی و تفاوت نگرش‌ها می‌تواند به ایجاد فاصله‌ی فرهنگی و اجتماعی میان زن و مرد در خانواده‌ها، و پدید آمدن تنش بیانجامد. بنابراین، به نظر می‌رسد یک نتیجه‌ی کاربردی این تحقیق، لزوم بالا بردن سطح آگاهی‌های مردان جامعه در رابطه با مسائل جدید زنان است. این، مطلبی است که در نوشته‌های پیشین نگارنده نیز بدان اشاره شده‌است: «یکی از راه‌کارهای مؤثر برای گسترش نقش زنان در توسعه، و همچنین به‌رسمیت‌شناخته‌شدن نقشی که از گذشته تا کنون در این امر داشته‌اند، در کنار کار فرهنگی بر روی زنان و دادن آگاهی‌های لازم به آن‌ها، کار فرهنگی با هدف تغییر نگرش مردان است» (راوودراد، ۱۳۷۹).

تغییر نگرش مردان، می‌تواند موجب شود که آن‌ها بتوانند با همسران خود همراهی و هم‌دلی بیشتری داشته‌باشند و در این رابطه، زنان متخصص هم

در نظر و عمل بتوانند از هم‌کاری همسران‌شان بهره‌مند گردند. با این کار، از تنش‌های متنوع و متعددی جلوگیری می‌شود که در درازمدت می‌تواند به از هم پاشیده‌شدن خانواده و طلاق‌های عاطفی بیانجامد. منظور از طلاق عاطفی، وضعیتی است که در آن اعضای خانواده بی‌حس هم‌دلی، صرفاً در کنار یک‌دیگر و در یک جا زنده‌گی می‌کنند. در واقع، هر کس برای خودش برنامه‌ی زنده‌گی جداگانه دارد و هیچ‌گونه احساس انس و الفت نیز به‌ویژه بین زن و شوهر وجود ندارد. آنچه می‌تواند مانع بروز چنین موقعیتی در خانواده‌ها گردد، در کنار سایر عوامل ممکن، همین بالا بردن سطح آگاهی‌های مردان و نزدیک نمودن آن به سطح آگاهی‌های زنان در خصوص نقش و پایگاه زن در خانواده و جامعه است.

در تأیید این مطلب، یکی از انتقادات باری ثورن را نسبت به جامعه‌شناسی مرسوم خانواده بیان می‌کنیم که درباره‌ی طبیعی نبودن تقسیم کار جنسیتی موجود در خانواده است. وی معتقد است که این تقسیم، ساخته‌ی اجتماع و بنابراین قابل تغییر است. برای مثال، این طور نیست که مردان نتوانند کارهای خانه را انجام دهند، بلکه مردم فکر می‌کنند که انجام کارهای خانه برای مردان درست نیست (به نقل از آبوت و والاس، ۱۳۸۱).

حال با توجه به این انتقاد، اگر وظایف خانواده‌گی و اجتماعی زنان و مردان تعدیل شود، به این ترتیب که زن و مرد هر دو در انجام کارها و تعهدات و مسئولیت‌های خانه‌گی و خانواده‌گی سهیم باشند و هر دو نیز به فعالیت‌های اجتماعی بپردازند، از نظر موقعیت خانواده‌گی وضعیتی برابر پیدا می‌کنند که نتیجه‌ی آن، اعتماد بیش‌تر به مسئولیت‌پذیری زنان و در نتیجه، امکان کاهش تبعیض و نابرابری شغلی خواهد بود. در چنین موقعیت تعدیل‌یافته‌ئی است که هر یک از زن و مرد می‌تواند با توجه به نوع شغل دیگری و میزان اهمیت آن برای بهبود وضعیت خانواده، وظایف خانواده‌گی بیش‌تر یا کم‌تری را فارغ از جنسیت به عهده بگیرد.

این، همان است که در نظریه‌ی فمینیسم لیبرال بر آن تأکید می‌شود و تحقیق حاضر نشان داد که همان طور که این نظریه می‌گوید زنان و مردان دارای توان یکسان هستند. وجود شمار زیادی از زنان دانشگاهی در مناصب و پست‌های مدیریتی، و نیز مشارکت فعال ایشان در محافل علمی داخلی و خارجی، به‌خوبی نشان‌دهنده‌ی توانایی آنان در انجام کارهایی است که تا پیش از این بیش‌تر مردانه تلقی می‌شده‌است. این مطلب، خود نشان‌دهنده‌ی صحت نظریه‌ی فمینیسم لیبرال در این زمینه است که علی‌رغم این توانایی‌های برابر، شرایط و محیط اجتماعی به سود مشارکت بیش‌تر مردان سازمان یافته و همین امر موجب کم‌تر بودن نسبت زنان به مردان در این فعالیت‌ها است. اگر محیط اجتماعی در راستای تعدیل نابرابری‌ها تغییر نماید، می‌توانیم شاهد به‌کارگیری حداکثر ظرفیت نیروی انسانی جامعه و در نتیجه، حرکت سریع‌تر آن به سوی توسعه باشیم.

منابع

- ۱- آبوت، پاملا؛ والاس، کلا. ۱۳۸۱. جامعه‌شناسی زنان. ترجمه‌ی منیژه نجم عراقی. نشر نی.
- ۲- آزاد ارمکی، تقی؛ غفورنیا، نفیسه. ۱۳۸۰. «برابری جنسیتی در حوزه‌ی سیاسی». پژوهش زنان. شماره‌ی ۲.
- ۳- بلیک، رید؛ هارولدسن، ادوین. ۱۳۷۸. طبقه‌بندی مفاهیم در ارتباطات. ترجمه‌ی مسعود اوحدی. سروش.
- ۴- راودراد، اعظم. ۱۳۷۹. «تحلیلی بر نقش زن در توسعه با تأکید بر اشتغال». نامه‌ی علوم اجتماعی. شماره‌ی ۱۵. بهار و تابستان ۱۳۷۹.
- ۵- راودراد، اعظم. ۱۳۸۱. مقایسه‌ی نقش محقق و مورد انتظار زنان تهرانی. معاونت پژوهشی دانشگاه تهران.
- ۶- سفیری، خدیجه. ۱۳۷۷. جامعه‌شناسی اشتغال زنان. مؤسسه‌ی فرهنگی-انتشاراتی تبیان.
- ۷- علویون، سید محمدرضا. ۱۳۸۱. کار زنان در حقوق ایران و حقوق بین‌المللی کار. انتشارات روشن‌گران و مطالعات زنان.
- ۸- گرت، استفانی. ۱۳۸۰. جامعه‌شناسی جنسیت. ترجمه‌ی کتابیون بقایی. نشر دیگر.
- ۹- گیلدنز، آنتونی. ۱۳۷۶. جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی منوچهر صبوری. نشر نی.
- ۱۰- نوروزی، لادن؛ هاشمی، علی. ۱۳۸۰. «تحلیل جنسیتی بازار کار ایران و ضرورت اصلاح برنامه‌ی سوم توسعه». پژوهش زنان. شماره‌ی ۲.

11- *Cooke, Miriam*. 2001. **Women Claim Islam: Creating Islamic Feminism through Literature**. Routledge. London and New York.

12- *Delamont, Sara*. 2001. **Changing Women, Unchanged Men?; Sociological Perspectives on Gender in a Post-industrial Society**. Open University Press. Buckingham, Philadelphia.

13- *Donovan, Josephine*. 2000. **Feminist Theory; The Intellectual Traditions**. Continuum. New York, London.

14- *Freedman, Jane*. 2001. **Feminism**. Open University Press. Buckingham. Philadelphia.

15- *Ginther, Donna K*. 2003. "Is MIT an Exception? Gender Pay Differences in Academic Science". **Bulletin of Science, Technology and Society**. Vol. 23. No. 1. February 2003. 21-26

- 16- *Harding, Sandra* (Ed.). 2004. **The Feminist Standpoint Theory Reader**. Routledge. New York and London.
- 17- *Ishida, Junichiro*. 2003. "The Role of Intrahousehold Bargaining in Gender Discrimination". **Rationality and Society**. Vol. 15 (3). 361-380.
- 18- *Leitner, Sigrid*. 2001. "Sex and Gender Discrimination within EU Pension System". **Journal of European Social Policy**. Vol. 11 (2). 99-115.
- 19- *Lindsay, L*. 1994. **Gender Roles: A Sociological Perspective**. Routledge. London.
- 20- *Rubio-Marin*. 2003. "Women and the Cost of Transition to Democratic Constitutionalism in Spain". **International Sociology**. Vol. 18 (1). March. 239-257.
- 21- *Srinivas, Shanthy; Allen, Robert W.; Sakomoto, Shiori*. 1999. "Cross Cultural Study of Attitudes toward Women as Managers in Four Countries".
from: <http://www.sba.muohio.edu/abas/1999/srinivish.pdf>
- 22- *Thadur, Ravini*. 1998. "Change and Continuity: Orthodox Discourse on Gender Relations in China". In *Tan Chung* (Ed.), **Across the Himalaya Gap: An Indian Quest for Understanding China**. Gyan Publishing house.
- 23- *Treasury Board of Canada Secretariat*. 1995. "Looking to the Future: Challenging the Cultural and Attitudinal Barriers to Women in the Public Service".
from: http://collection.nlc-bnc.ca/100/201/301/tbs-sct/tb_manual-ef/pubs_pol/hrpubs/TB-852/LF18-27E.html
- 24- *Zalewski, Marysia*. 2000. **Feminism after Postmodernism: Theorising through Practice**. Routledge. London and New York.

دکتر محمدحسین متقی *

دکتر نعمت‌الله موسی‌پور **

شهناز ارجمند کرمانی ***

علل ترس از موفقیت در زنان شاغل

* استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی مدیریت، دانشگاه آزاد کرمان

motaghi2002@yahoo.com

** استادیار دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

*** کارشناس ارشد مدیریت دولتی

چکیده

نابرابری در دست‌یابی به فرصت‌های بروز توانایی، و در نتیجه رشد استعدادهای فردی در عرصه‌های خانواده‌گی و اجتماعی، معضل بزرگی برای زنان در جامعه و محیط‌های کاری پدید آورده که برخاسته از تضاد و دوگانگی موجود در روند تربیتی خانواده و جامعه نسبت به آنان است. از آن‌جا که محیط فرهنگی همیشه جزئی از تار و پود تجربه‌ی اضطراب به شمار آمده، دوگانگی موجود، اضطراب ترس از موفقیت را در پی داشته و همواره مانعی در راه ارتقا و پیش‌رفت حرفه‌ی زنان بوده‌است. این مقاله کوششی است برای بررسی نظر کارکنان زن مؤسسات دولتی درباره‌ی علل ترس از موفقیت در آن‌ها. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ماهیت سنت‌گرایانه و روند تربیت و رشد اخلاقی در جامعه که برخاسته از نحوه‌ی جامعه‌پذیری بر پایه‌ی جنسیت و توأم با آموختن معیارهای ضد و نقیض به آنان است، عوامل اصلی بروز ترس از موفقیت می‌باشد. از این رو، لازم است این آگاهی به زنان شاغل داده‌شود که دوگانگی پدیدآمده، برآمده از آن‌ها و به خاطر عدم شایسته‌گی‌شان نیست، بلکه از جامعه و عوامل بازدارنده‌ی فردی که بازتابی از عوامل محیطی محسوب می‌شود ریشه می‌گیرد. بر این اساس، چشم‌انداز و شناخت لازم پدید می‌آید و زمینه‌ی مبارزه با آن برای گسترش توانائی‌ها و افزودن بر قدر و منزلت اجتماعی‌شان فراهم می‌آید.

کلیدواژه‌ها

اضطراب؛ ترس از موفقیت؛ مانع نامرئی (سقف شیشه‌ئی)؛ ساختار نگرش؛ احساسات زنانه‌گی. کاهش‌یافته؛ رانده‌شده‌گی اجتماعی؛ سنت‌گرایی خانواده؛ الگوی ذهنی خانواده؛

مقدمه

تاریخ ورق می‌خورد و فصلی تازه از حیات اجتماعی زنان آغاز می‌شود. زن دیروز در مسیر مشارکت اجتماعی امروزش رشد می‌کند و در صحنه‌های اجتماعی حضور می‌یابد. به این ترتیب، نقش‌ها در جوامع در حال گذار است. گذاری که زیر تأثیر ایده‌نولوژی‌ها، ارزش‌های حاکم بر جامعه، الگوهای فکری و رفتاری، و زمینه‌های فرهنگی جامعه صورت می‌گیرد و بر اساس آن برای خانواده کارکردهای مختلف ساخته می‌شود.

تغییر در ضروریات اجتماعی و نیاز اقتصادی خانواده، داشتن شغل بیرون از خانه را برای زنان امکان‌پذیر ساخته، و مشاغل نیمه‌وقت، انعطاف لازم را برای تلفیق کار و خانواده پدید آورده‌است. تراز توسعه‌ی انسانی در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که زنان به گونه‌ی فزاینده در توسعه‌ی اقتصادی مشارکت دارند؛ اما علی‌رغم در اختیار داشتن دانش و تجربه‌ی لازم برای مشارکت، نابه‌سامانی نقش‌های جنسیتی در مراحل مختلف، جامعه‌پذیری، ارتقا و پیشرفت حرفه‌ی آنان را آسان‌تر ننموده‌است. در خانواده‌های سنتی دیروز و امروز که از قانون کار بر اساس جنسیت پی‌روی می‌کنند، تصوراتی قالبی به زنان القا می‌شود که در اثر آن توانایی‌های بالقوه‌شان سرکوب می‌گردد. آن‌ها توسط عناصر و عوامل بیرونی برای سازگاری با یک وضعیت موجود سرکوب می‌شوند و این فرآیند به نحوی ناخودآگاه بر شیوه‌ی زنده‌گی و روابطشان با دیگران اثر می‌گذارد که پی‌آمدهایی تعیین‌کننده در پی خواهد داشت. از آنجائی که هر انسان تنها یک فرد نیست، بلکه کم و بیش دست‌آورد الگوها و نگرش‌هایی است که در طول تاریخ فرهنگ جامعه‌اش گسترش یافته‌است، و از این رو، بخشی از یک ساختار محسوب می‌گردد. ذهن انسان ساختاری پنهان است که در طی زمان با منطق ساختاری خاصی ساخته شده و بر این اساس، مانعی نامرئی و شفاف که بر پایه‌ی نگرش‌ها و تعصبات اجتماعی شکل گرفته، زنان را از پیشرفت باز می‌دارد. آنان در درون مناسبات پیچیده‌ی نهاد خانواده

علی‌رغم داشتن سازنده‌ترین نقش و بالاترین کارکرد تولیدی و خدماتی، پیوسته در حاشیه‌ی موقعیت اجتماعی قرار داشته و تنها بهره‌ی آن‌ها از این حاشیه‌روی، فعل‌پذیری و احساس فرودستی و خودباخته‌گی است که خود موجب کاهش کام‌یابی‌های درخشان فکری و موفقیت در بین آنان گردیده‌است.

ساختار نگرشی مؤثر بر زنده‌گی شغلی و پیش‌رفت زنان، کار را پس از خانه‌داری برای شاغلان زن رقم می‌زند. به علاوه، زنان به واسطه‌ی مسئولیت‌پذیری و خانوادگی، شغلی-گسسته‌ئی دارند و بنابراین در مسیر پیش‌رفت و موفقیت حرفه‌ئی با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند. عدم پذیرش یک‌سان زن و مرد، و جنس دوم به شمار آمدن، مانعی نامرئی در راه پیش‌رفت زنان پدید آورده‌است. زنان، عموماً در مشاغل معمولی با دست‌مزدی اندک متمرکز اند و تصور قالبی نقش جنسی، نابرابری در امکانات، آموزش و ارتقای شغلی به این امر دامن می‌زند. تفکرات کلیشه‌ئی بر پایه‌ی جنسیت در روند تربیتی جوامع سنتی، به زنان می‌آموزد تا به برآوردن موفقیت‌آمیز نیازهای دیگران بیشتر ببالند تا به موفقیت‌ها و پیش‌رفت‌های خود. چنین ذهنیت‌هایی موجب می‌گردد که زنان موفقیت را مخالف نقش خود ببینند و بنابراین از آن می‌ترسند. ترس از موفقیت در زنان این‌گونه جوامع، از همان نخستین سال‌های زنده‌گی شکل می‌گیرد و رشد می‌کند. این ترس در دختران، به همراه افزایش سن و زیر بار فشارهای اجتماعی برای وابسته ساختن آنان افزایش می‌یابد (میشل، ۱۳۷۶).

ترس از موفقیت، عاملی اضطراب‌برانگیز و اصولاً برگرفته از معنا و مفهوم موفقیت است. بدین معنا که هر گاه در جامعه‌ئی بر اساس معیارهای اخلاقی-حاکم بر آن جامعه، انگیزه‌ی موفقیت شغلی، تلاش برای آن و در نهایت دست‌یابی به آن، دست‌کم در مشاغلی خاص یک ضدارزش و یا حتا مفهومی بی‌ارزش دانسته شود، پیدا است که ترس از موفقیت می‌تواند عاملی اضطراب‌برانگیز باشد.

ماتینا هورنر^۱ نخستین بار مفهوم ترس از موفقیت را به عنوان عاملی اضطراب‌برانگیز در زنده‌گی زنان شاغل پیشنهاد نمود. به گفته‌ی وی، روند تربیت و رشد اخلاقی زنان در جامعه، با آموختن معیارهای ضد و نقیض به آنان همراه است. از یک سو دختر همچون پسر می‌آموزد که برای موفقیت اهمیتی همراه با احترام قائل باشد و از سوی دیگر به وی تلقین می‌شود که موفقیت در دنیای کار، خاص مردان، و جوّ مناسب برای زنان، خانه و خانواده است (کورمن، ۱۳۷۶). هورنر معتقد است تلاش زن برای ترک خانه به قصد پیروزی در دنیای کار، داغ شکست بر پیشانی او خواهدزد. پژوهش وی نشان می‌دهد که در بین دختران، ترس از موفقیت به همراه سن آنها بالا می‌رود و در پانزده‌ساله‌گی زیر فشار اجتماعی فزاینده برای وابسته ساختن اجتماعی زنان به اوج خود می‌رسد (میشل، ۱۳۷۶).

هورنر می‌گوید عامل اصلی ترس از موفقیت برای زنان، ظاهراً درجه‌ئی از سنت‌گرایی است که در زمینه‌ی خانواده‌گی آنان وجود دارد (کورمن، ۱۳۷۶). وی معتقد است که زنان در ارتباط با انگیزه‌ی فرار از موفقیت (ترس از موفقیت) با بازدارنده‌هایی چون ترس از رانده‌شده‌گی اجتماعی، از دست دادن زنانه‌گی و انکار واقعیت موفقیت روبه‌رو هستند (هاید، ۱۳۷۷).

کوپر^۲ (۱۳۷۰) منبع بزرگ اضطراب زنان شاغل را تعارض و فشار روحی-برآمده از اداره‌ی هم‌زمان خانه و کار می‌داند. وی این معنا را زن حیران نامیده و معتقد است زنان به مراتب بیش از مردان دچار تعارض تعیین اولویت‌های خانه و کار می‌شوند. در واقع، تردید نسبت به خود و نگرانی در مورد انتظارات دیگران، پیوسته در افکار و رفتار بانوان شاغل وجود دارد.

مطالعات برخی دیگر از روان‌شناسان درباره‌ی علت ترس از موفقیت در زنان نشان داده‌است که اغلب زنان فکر می‌کنند که بین موفقیت و زن بودن تعارض وجود دارد و این یکی از دلایل ترس آنها از موفقیت است. دلیل دیگر این‌که موفقیت را با خشونت‌ورزی همراه می‌دانند و این حالت را مغایر با

1. M. Horner
2. Copper

خصوصیات زنانه‌گی می‌پندارند. بنابراین به این خاطر است که پاداش‌های توفیق در زنان سبب شکل‌گیری اضطراب می‌گردد (هاید، ۱۳۷۷).

تحقیقات بروورمن^۱ درباره‌ی فرضیه‌ی هورنر رابطه‌ی زیر را در بیش‌تر جوامع بشری تأیید می‌نماید:

۱- نگار ذهنی شخصیت آرمانی، با نگار ذهنی مرد موفق مشابه است.

۲- نگار ذهنی زن موفق، با نگار ذهنی مرد موفق متناقض است.

رابطه‌ی پیشنهادی بروورمن بدین معنا است که در بیش‌تر جوامع، بر اساس عرف اجتماعی حاکم، فرض بر این است که مرد موفق در زمینه‌ی شغلی، شخصیتی ایده‌آل و مطلوب است، در حالی که شخصیت ایده‌آل و شایسته‌ی زن، خانه‌دار، مادر و کدبانوی خوب بودن است نه یک مدیر و کارمند موفق. بنابراین، چنین به نظر می‌رسد که موفقیت در زمینه‌ی شغلی برای زنان، به معنای شکست در زنده‌گی خانواده‌گی به عنوان صحنه‌ی اصلی فعالیت آنان است. بر این اساس، منطقی است که موفقیت در زمینه‌ی شغلی، و به عبارت دیگر شکست در زمینه‌ی خانواده، به عنوان ترس مطرح و عامل اضطراب‌برانگیز در بانوان شاغل باشد (کورمن، ۱۳۷۶).

ترس از موفقیت به عنوان یک متغیر می‌تواند بر فعالیت‌های سازمانی کارمندان زن اثر گذارد. شناخت وضعیت این متغیر و عوامل مرتبط با آن، می‌تواند هم به مدیران و هم به کارکنان در موضع‌گیری‌های مناسب و برنامه‌ریزی برای رویارویی با این پدیده کمک کند. برای فراهم آوردن زمینه‌ی برای ورود به این موضوع، مقاله‌ی حاضر با محور قراردادن پرسش‌های زیر و بر پایه‌ی انجام یک پژوهش میدانی، تدوین شده است:

۱- آیا سنت‌گرایی خانواده به پدید آمدن ترس از موفقیت در زنان شاغل

جامعه‌ی آماری مورد بررسی می‌انجامد؟

۲- آیا الگوی ذهنی خانواده در مورد عدم توانائی زنان در عهده‌داری مشاغل

اداری و کار، موجب ایجاد ترس از موفقیت در آنها می‌گردد؟

روش پژوهش

در بررسی دیدگاه کارکنان زن جامعه‌ی آماری پژوهش، روش توصیفی به کار گرفته شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ی بود با دو بخش اصلی^۱: ۱- اندازه‌گیری ترس از موفقیت و ۲- بررسی علل ترس از موفقیت. بخش مربوط به اندازه‌گیری ترس از موفقیت، در واقع آزمون موفقیت رادسیپ بود که دارای ۲۸ سؤال بسته‌ی ۳گزینه‌ی بود. پرسش‌هایی که برای شناخت علل ترس از موفقیت به کار رفت به دو بخش تقسیم شد: بخش نخست پرسش‌های مربوط به سنت‌گرایی خانواده و بخش دوم پرسش‌های مربوط به الگوی ذهنی خانواده بود. برای تحلیل داده‌ها، با توجه به استفاده از مقیاس فاصله‌ی برای سنجش متغیر ترس از موفقیت، مقیاس اسمی برای سنجش متغیر سلطه‌گرایی پدر و مقیاس رتبه‌ی برای سنجش متغیرهای دیگر، از آزمون‌های مجذور کای (χ^2)، تحلیل واریانس (F)، آزمون تعقیبی کی‌دو و تحلیل رگرسیون، و برای توصیف داده‌ها از فراوانی و درصد فراوانی استفاده شد.

قلمرو پژوهش

این بررسی، کارکنان زن سازمان‌های دولتی (۷۰ سازمان) شهر کرمان را در بر می‌گیرد که از ویژه‌گی‌های زیر برخوردار بودند:

- ۱- تمام اعضای جامعه‌ی آماری در شهر کرمان مشغول به کار بودند.
- ۲- اعضای جامعه‌ی آماری از نظر پست سازمانی در همه‌ی رده‌های شغلی مانند معاون، سرپرست، کارشناس و کارمند قرار داشتند.

۱. روائی پرسش‌نامه با مطالعات مقدماتی، اصلاح یا حذف سؤال‌ها، نظرخواهی از پنج کارشناس مجرب، و با استفاده از روش سیگما شمارش برابر ۰/۹۴ تعیین شد. در زمینه‌ی تعیین اعتبار پرسش‌نامه، به روش آزمون مجدد، اعتباری برابر با ۰/۹۲ محاسبه گردید.

توصیف نمونه

با توجه به این که انحراف معیار جامعه در متغیرهای مورد بررسی در دسترس نبود، برای محاسبه‌ی انحراف معیار روش احتمال به کار رفت. از حجم نمونه‌ی بیشینه برای خطای نمونه‌ئی ۶ درصد استفاده شد و شمار نمونه‌ی مورد نظر ۲۶۷ نفر به دست آمد. سپس نام سازمان‌های دولتی شهر کرمان به صورت تصادفی در فهرستی نظم داده‌شد و بر اساس روش نمونه‌گیری منظم، نمونه‌ی مورد نظر انتخاب گردید. برای انتخاب نمونه با توجه به این که ۷۰ مؤسسه در شهر کرمان وجود داشت، ابتدا فاصله‌ی نمونه‌گیری تعیین و بعد به صورت تصادفی یکی از اعداد دامنه‌ی فاصله‌ی نمونه‌گیری انتخاب شد. بر این اساس، نمونه‌ی مورد نظر ۲۰ مؤسسه را در بر گرفت که تمامی کارکنان این مؤسسه‌ها آزمون شدند. از آنجائی که احتمال عدم پاسخ‌گویی از سوی برخی از آزمودنی‌ها وجود داشت، ۳۰۰ پرسش‌نامه توزیع شد که از این تعداد، ۲۷۶ پرسش‌نامه تکمیل شد و برگشت.

یافته‌های پژوهش

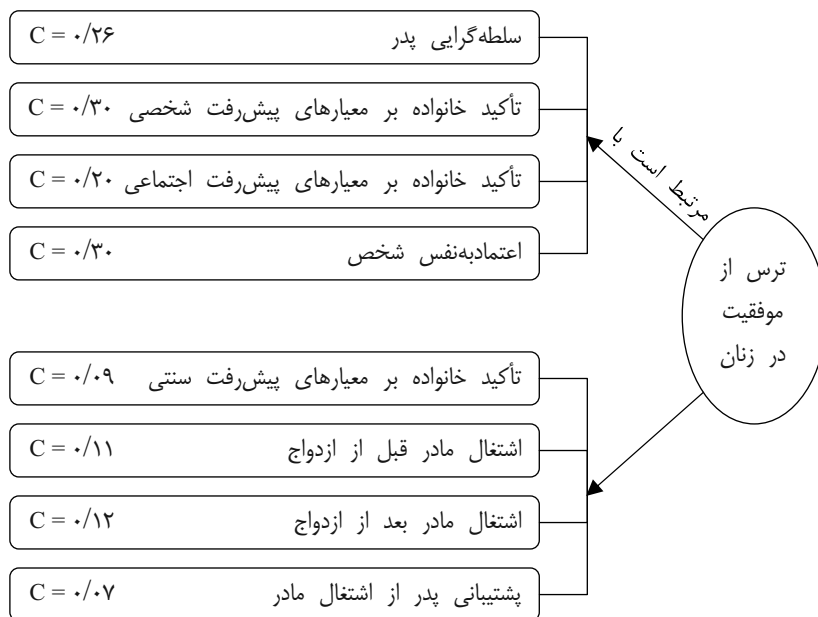
تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که نمره‌ی متوسط ترس از موفقیت زنان (۲/۷۲) برابر با ۹۰/۷ درصد از بالاترین نمره (۳) است. به عبارت دیگر، در جمعیت مورد بررسی، ترس از موفقیت زیادی وجود دارد. وضعیت ترس از موفقیت، با توجه به متغیرهای مورد بررسی متفاوت است که شرح آن‌ها در پی می‌آید:

۱- میزان سنت‌گرایی خانواده

سنت‌گرایی خانواده با سنجش هشت متغیر سازنده‌ی آن سنجیده‌شد: سلطه‌گرایی پدر، معیارهای پیش‌رفت شخصی، معیارهای پیش‌رفت اجتماعی،

اعتمادبه‌نفس، معیارهای پیش‌رفت سنتی، اشتغال مادر پیش از ازدواج، اشتغال مادر پس از ازدواج، میزان پشتیبانی پدر از اشتغال مادر. بررسی‌ها نشان داد که چهار متغیر اول رابطه‌ی معنادار با ترس از موفقیت دارند (نمودار ۱).

نمودار ۱- ارتباط مؤلفه‌های سنت‌گرایی خانواده با ترس از موفقیت



شرح مفصل مؤلفه‌های سنت‌گرایی خانواده که با ترس از موفقیت رابطه نشان داد چنین است:

۱- در بین زنانی که پدرشان سلطه‌گرا بوده، ۷۳/۳ درصد ترس زیاد و ۲۶/۷ درصد ترس کم داشته‌اند. در بین زنانی که پدر خانواده سلطه‌گرا نبوده، ۲۶ درصد ترس زیاد و ۷۴ درصد ترس کم داشته‌اند. در گروهی که وضعیت سلطه‌گرایی پدر را اعلام نکرده‌اند، ۵۰ درصد ترس زیاد و ۵۰ درصد ترس کم داشته‌اند (جدول ۱).

میانگین نمره‌ی ترس از موفقیت در گروه دارای پدر سلطه‌گرا ۲/۷۹، در گروه بدون پدر سلطه‌گرا ۲/۱۲، و در گروه بی‌نظر ۲/۷۴ برآورد شده‌است (جدول ۱). بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که تفاوت میانگین‌ها در این سه گروه معنادار است (جدول ۲) و نمره‌ی ترس از موفقیت گروه بدون پدر سلطه‌گرا به‌روشنی کم‌تر از دو گروه دیگر است (جدول ۳).

جدول ۱- رابطه بین ترس از موفقیت با مؤلفه‌های سنت‌گرایی خانواده

χ^2	ترس از موفقیت					مؤلفه‌های سنت‌گرایی خانواده	
	میانگین نمره	زیاد		کم			
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۱۹/۷۲*	۲/۷۹	۷۳/۳	۱۱	۲۶/۷	۴	بله	سلطه‌گرایی پدر
	۲/۷۴	۵۰	۱۳	۵۰	۱۳	نظری ندارم	
	۲/۱۲	۲۶	۶۰	۷۴	۱۷۱	نه	
۲۸/۴*	۲/۸۲	۷۶	۱۹	۲۴	۶	زیاد	پیش‌رفت شخصی
	۲/۷۳	۳۱/۵	۳۹	۶۸/۵	۸۵	متوسط	
	۲/۷۴	۲۲	۲۸	۷۸	۹۹	کم	
۱۲/۳*	۲/۸۰	۷۵	۹	۲۵	۳	زیاد	پیش‌رفت اجتماعی
	۲/۷۶	۲۹/۳	۴۳	۷۰/۷	۱۰۴	متوسط	
	۲/۰۷	۲۶/۴	۲۹	۷۳/۶	۸۱	کم	
۱۱/۳*	۲/۵	۴۲/۹	۳	۵۷/۱	۴	زیاد	اعتماد به نفس
	۲/۷۶	۳۷/۲	۶۴	۶۲/۸	۱۰۸	متوسط	
	۲/۸۵	۱۷/۹	۱۷	۸۲/۱	۷۸	کم	

$\alpha < 0/01$ و $df = 2$

۲- در بین افرادی که خانواده‌شان اهمیت زیادی به پیش‌رفت شخصی دختران داده، ۷۶ درصد ترس زیاد و ۲۴ درصد ترس کم داشته‌اند. در بین افرادی که خانواده‌شان اهمیتی در حد متوسط به معیارهای پیش‌رفت شخصی داده، ۳۱/۵ درصد ترس زیاد و ۶۸/۵ درصد ترس کم داشته‌اند. در بین افرادی که خانواده‌ی آن‌ها اهمیت کمی به پیش‌رفت شخصی داده، ۲۲ درصد ترس زیاد و ۷۸ درصد ترس کم داشته‌اند (جدول ۱).

میانگین نمره‌ی ترس از موفقیت در خانواده‌هایی که برای‌شان پیش‌رفت شخصی دختران اهمیت زیادی دارد ۲/۸۲، در خانواده‌هایی که برای‌شان پیش‌رفت شخصی دختران اهمیت متوسط دارد ۲/۷۳، و در خانواده‌هایی که برای‌شان پیش‌رفت شخصی دختران اهمیت کم دارد ۲/۱۴ به دست آمد (جدول ۱). بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که تفاوت میانگین نمره‌ی ترس از موفقیت بر اساس میزان اهمیت پیش‌رفت شخصی دختران در خانواده معنادار است (جدول ۲) و ترس از موفقیت در خانواده‌هایی که اهمیت کم‌تری به معیارهای پیش‌رفت شخصی دختران می‌دهند کم‌تر از سایر خانواده‌ها ست (جدول ۳).

جدول ۲- تفاوت میانگین نمره‌ی ترس از موفقیت در هر یک از سطوح مؤلفه‌های سنت‌گرایی خانواده

σ	F	MS	df	SS	منبع تغییرات	مؤلفه‌های سنت‌گرایی خانواده
.۰۰	۱۰/۸۵	۲/۹۲ ۰/۲۷	۳	۸/۷۵	میان‌گروهی	سلطه‌گرایی پدر
			۲۷۰	۷/۲۶	درون‌گروهی	
			۲۷۳	۸/۲۵	کل	
.۰۰	۹/۰۴	۲/۳۵ ۰/۲۶	۵	۱۱/۸	میان‌گروهی	پیش‌رفت شخصی
			۲۷۲	۷۰/۸	درون‌گروهی	
			۲۷۷	۸۲/۱۶	کل	
.۰۰	۹/۱۳	۲/۴ ۰/۲۷	۴	۹/۷۲	میان‌گروهی	پیش‌رفت اجتماعی
			۲۶۹	۷۱/۶	درون‌گروهی	
			۲۷۳	۸۱/۳	کل	
.۰۰	۷/۷۱	۱/۸۷ ۰/۲۶	۶	۱۱/۲	میان‌گروهی	اعتماد به نفس
			۲۶۹	۷۰/۳	درون‌گروهی	
			۲۷۵	۸۱/۵	کل	

۳- در بین افرادی که معیارهای پیش‌رفت اجتماعی در خانواده‌شان پراهمیت بوده، ۷۵ درصد ترس زیاد و ۲۵ درصد ترس کم داشته‌اند. در بین

افرادی که معیارهای پیشرفت اجتماعی در خانواده‌شان اهمیت متوسط داشته، ۲۹/۳ درصد ترس زیاد و ۷/۷۰ درصد ترس کم داشته‌اند. در بین افرادی که معیارهای پیشرفت اجتماعی در خانواده‌شان کم‌اهمیت بوده، ۴/۲۶ درصد ترس زیاد و ۶/۷۳ درصد ترس کم داشته‌اند (جدول ۱).

میانگین نمره‌ی ترس از موفقیت زنان در خانواده‌هایی که پیشرفت اجتماعی دختران برای‌شان اهمیت زیاد داشته ۸/۲، در خانواده‌هایی که پیشرفت اجتماعی دختران برای‌شان اهمیت متوسط داشته ۶/۲، و در خانواده‌هایی که پیشرفت اجتماعی در آن‌ها کم‌اهمیت بوده، ۷/۰۲ برآورد شده‌است (جدول ۱). تفاوت‌های به‌دست‌آمده از نظر آماری معنادار است (جدول ۲) و نمره‌ی ترس از موفقیت زنانی که پیشرفت اجتماعی دختران برای خانواده‌های‌شان کم‌اهمیت است، کم‌تر از سایر خانواده‌ها ست (جدول ۳).

جدول ۳- نتایج آزمون تعقیبی کی‌دو برای بررسی تفاوت میانگین زیرگروه‌های بررسی‌شده

مؤلفه‌های سنت‌گرایی خانواده	۱	۲	۳
سلطه‌گرایی پدر	۱ بله	۰/۳۱	۰/۶۷*
	۲ نظری ندارم		۰/۳۶*
	۳ نه		
پیشرفت شخصی	۱ کم	۰/۶۰*	۰/۶۸*
	۲ متوسط		۰/۰۸*
	۳ زیاد		
پیشرفت اجتماعی	۱ کم	۰/۰۱	۰/۷۰*
	۲ متوسط		۰/۶۹*
	۳ زیاد		
اعتماد به نفس	۱ کم	۰/۲۱	۰/۷۵*
	۲ متوسط		۰/۵۴*
	۳ زیاد		

* در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

۴- در بین افراد با اعتمادبه‌نفس بالا، ۴۲/۹ درصد ترس زیاد و ۵۷/۱ درصد ترس کم داشته‌اند. در بین افراد با اعتمادبه‌نفس متوسط، ۶۲/۸ درصد ترس زیاد و ۳۷/۲ درصد ترس کم داشته‌اند. در بین افراد با اعتمادبه‌نفس پایین، ۸۲/۱ درصد ترس زیاد و ۱۷/۹ درصد ترس کم داشته‌اند (جدول ۱).
متوسط نمره‌ی ترس از موفقیت در بین افراد با اعتمادبه‌نفس بالا ۲/۵، در بین افراد با اعتمادبه‌نفس متوسط ۲/۷۶، و در بین افراد با اعتمادبه‌نفس پایین ۲/۸۵ برآورد شده‌است (جدول ۱). بررسی تفاوت میانگین‌ها نشان می‌دهد که تفاوت میانگین نمره‌ی این سه گروه از نظر آماری معنادار است (جدول ۲) و گروه با اعتمادبه‌نفس بالا، نمره‌ی ترس از موفقیت بالاتری از دو گروه دیگر دارد (جدول ۳).

ب- الگوی ذهنی خانواده درباره‌ی ناتوانی زنان

برای سنجش الگوی ذهنی خانواده درباره‌ی ناتوانی زنان از شش متغیر استفاده شد: منفعل بودن زنان، عدم ریسک‌پذیری زنان، قانع بودن زنان، نقش مراقبت‌کننده‌گی و یاوری زنان، برتر شناختن پسران در توانایی پیشرفت، و برآوردن نیازهای دیگران. سنجش هر یک از متغیرها و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده نشان داد که هر شش متغیر با ترس از موفقیت زنان رابطه دارد (نمودار ۲).

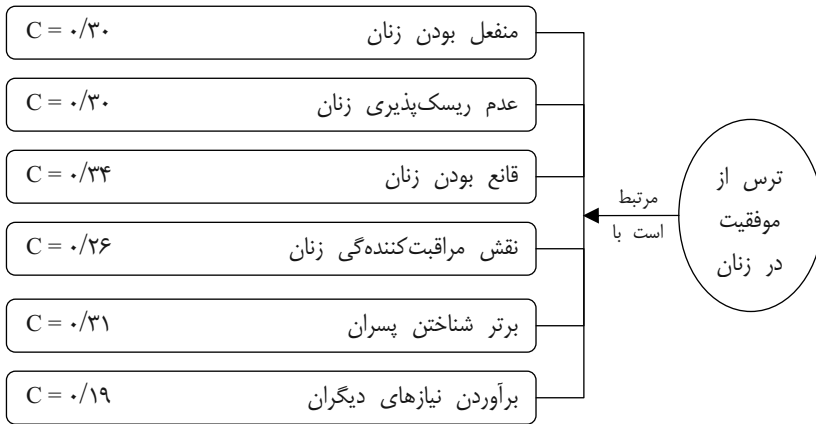
شرح مفصل‌تر وضعیت هر یک از متغیرها چنین است:

۱- در بین افرادی که خانواده‌شان به منفعل بودن زنان اعتقاد داشت، ۲۶/۲ درصد ترس زیاد و ۷۳/۸ درصد ترس کم داشته‌اند. در بین افرادی که خانواده‌شان به منفعل بودن زنان اعتقاد نداشت، ۱۶/۳ درصد ترس زیاد و ۸۳/۷ درصد ترس کم داشته‌اند (جدول ۴).

میانگین نمره‌ی ترس از موفقیت افرادی که باور ذهنی منفعل بودن زنان در خانواده‌شان وجود داشت ۲/۹۱، افرادی که در این مورد نظری نداشتند ۲/۵۳، و افرادی که باور ذهنی منفعل بودن زنان در خانواده‌شان وجود نداشت

۲/۷۴ به دست آمده است (جدول ۴). برآوردهای آماری نشان می‌دهد که این تفاوت‌ها معنادار است (جدول ۵) و ترس از موفقیت گروهی که در این مورد بی‌نظر بوده‌اند از دو گروه دیگر کمتر است (جدول ۶).

نمودار ۲- ارتباط مؤلفه‌های الگوهای ذهنی خانواده با ترس از موفقیت



۲- در بین افرادی که خانواده‌شان به عدم ریسک‌پذیری زنان باور داشت، ۵۸/۵ درصد ترس زیاد و ۴۱/۵ درصد ترس کم داشته‌اند. در بین افرادی که خانواده‌شان به عدم ریسک‌پذیری زنان بی‌اعتقاد بود، ۱۷/۲ درصد ترس زیاد و ۸۲/۸ درصد ترس کم داشته‌اند (جدول ۴).

متوسط نمره‌ی ترس از موفقیت در گروهی که باور عدم ریسک‌پذیری زنان در خانواده‌ی آن‌ها وجود داشت ۲/۹، در گروهی که باور عدم ریسک‌پذیری زنان در خانواده‌شان وجود نداشت ۲/۴ و در گروهی که در این مورد اعلام نظر نکرده‌اند ۲/۷ به دست آمد (جدول ۴). بر اساس نتایج حاصل از آزمون‌های آماری، تفاوت دیده‌شده معنادار است (جدول ۵) و نمره‌ی ترس از موفقیت زنانی که در خانواده‌ی بدون باور ذهنی عدم ریسک‌پذیری زنان زنده‌گی می‌کنند کمتر از دو گروه دیگر است (جدول ۶).

۳- در بین افرادی که خانواده‌شان موافق قانع بودن زنان بود، ۵۹/۶ درصد ترس زیاد و ۴۰/۴ درصد ترس کم داشته‌اند. در بین افرادی که خانواده‌ی آن‌ها موافق قانع بودن زنان نبود، ۱۹/۵ درصد ترس زیاد و ۸۰/۵ درصد ترس کم داشته‌اند (جدول ۴).

جدول ۴- رابطه بین ترس از موفقیت با مؤلفه‌های الگوی ذهنی خانواده

χ^2	ترس از موفقیت					الگوی ذهنی خانواده	
	میانگین نمره	زیاد		کم			
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۲۲/۸*	۲/۹۱	۲۶/۲	۲۲	۷۳/۸	۶۲	موافق ام	منفعل بودن زنان
	۲/۵۳	۴۷/۶	۴۹	۵۲/۴	۵۴	نظری ندارم	
	۲/۷۴	۱۶/۳	۱۴	۸۳/۷	۷۲	مخالف ام	
۳۳/۶*	۲/۹	۵۸/۵	۳۸	۴۱/۵	۲۷	موافق ام	عدم ریسک‌پذیری زنان
	۲/۷	۳۰/۶	۲۶	۶۹/۴	۵۹	نظری ندارم	
	۲/۴	۱۷/۲	۲۱	۸۲/۸	۱۰۱	مخالف ام	
۳۷/۱*	۲/۹	۵۹/۶	۳۴	۴۰/۴	۲۳	موافق ام	قانع بودن زنان
	۲/۵	۴۶/۹	۱۵	۵۳/۱	۱۷	نظری ندارم	
	۲/۴	۱۹/۵	۳۶	۸۰/۵	۱۴۹	مخالف ام	
۲۰/۶*	۲/۸۸	۴۲/۹	۳۶	۵۷/۱	۴۸	موافق ام	مراقبت‌کننده‌گی و یآوری زنان
	۲/۶۲	۴۳/۱	۲۵	۵۶/۹	۳۳	نظری ندارم	
	۲/۵۵	۱۷/۶	۲۳	۸۲/۴	۱۰۸	مخالف ام	
۲۸/۴*	۲/۸۱	۵۰	۱۹	۵۰	۱۹	موافق ام	برترشناختن پسران در توانایی
	۲/۲۲	۶۸	۱۷	۳۲	۸	نظری ندارم	
	۲/۵۵	۲۳/۲	۲/۵۵	۷۶/۸	۱۶۲	مخالف ام	
۱۰/۴*	۲/۹۴	۳۰/۶	۳۷	۶۹/۴	۸۴	موافق ام	برآوردن نیازهای دیگران
	۲/۵۵	۴۱/۶	۳۷	۵۸/۴	۵۲	نظری ندارم	
	۲/۷۳	۱۷/۲	۱۱	۸۲/۸	۵۳	مخالف ام	

$df = 2$ و $\alpha = 0.01$

میانگین نمره‌ی ترس از موفقیت زنان در خانواده‌های با باور ذهنی قانع بودن زنان ۲/۹، در خانواده‌های بدون باور قانع بودن زنان ۲/۴، و در

خانواده‌های بی‌نظر ۲/۵ برآورد شده‌است (جدول ۴). تفاوت میانگین نمره‌ی ترس از موفقیت بر اساس الگوی ذهنی قانع بودن زنان معنادار است (جدول ۵) و نمره در خانواده‌های دارای باور قانع بودن زنان بیشتر از دو گروه دیگر است (جدول ۶).

جدول ۵- تفاوت میانگین نمره‌ی ترس از موفقیت در هر یک از سطوح مؤلفه‌های الگوی ذهنی خانواده

σ	F	MS	df	SS	منبع تغییرات	مؤلفه‌های الگوی ذهنی خانواده
./...	۱۱/۹۶	۳/۳۱ ۰/۲۸	۲	۶/۶۲	میان گروهی	منفعل بودن زنان
			۲۷۲	۷۵/۳	درون گروهی	
			۲۷۴	۸۱/۹۲	کل	
./...	۲۰/۶	۵/۴ ۰/۲۶	۲	۱۰/۸۱	میان گروهی	عدم ریسک‌پذیری زنان
			۲۷۱	۷۰/۹	درون گروهی	
			۲۷۳	۸۱/۷۱	کل	
./...	۲۰/۹۳	۵/۴۵ ۰/۲۶	۲	۱۰/۸۹	میان گروهی	قانع بودن زنان
			۲۷۳	۷۱/۱	درون گروهی	
			۲۷۵	۸۱/۹۹	کل	
./...	۱۱/۶۵	۳/۲۱ ۰/۲۸	۲	۶/۴۳	میان گروهی	مراقبت‌کننده‌گی و یاوری زنان
			۲۷۲	۷۵	درون گروهی	
			۲۷۴	۸۱/۴۳	کل	
./...	۱۷/۸۵	۴/۷۴ ۰/۲۷	۲	۹/۴۸	میان گروهی	برترشناختن پسران در توانایی
			۲۷۳	۷۲/۵	درون گروهی	
			۲۷۵	۸۱/۹۸	کل	
./...	۱۰/۱۶	۲/۸۴ ۰/۲۸	۲	۵/۶۸	میان گروهی	برآوردن نیازهای دیگران
			۲۷۳	۷۶/۳	درون گروهی	
			۲۷۵	۸۱/۹۸	کل	

۴- در بین افرادی که خانواده‌ی آن‌ها به نقش مراقبت‌کننده‌گی و یاوری زنان معتقد بود، ۴۲/۹ درصد ترس زیاد و ۵۷/۳۱ درصد ترس کم داشته‌اند. در

بین افرادی که خانواده‌شان موافق نقش مراقبت‌کننده‌گی و یاوری زنان نبود، ۱۷/۶ درصد ترس زیاد و ۸۲/۴ درصد ترس کم داشته‌اند (جدول ۴).

میانگین نمره‌ی ترس از موفقیت زنان در خانواده‌های معتقد به نقش مراقبت‌کننده‌گی و یاوری زنان ۲/۸۸، در خانواده‌های بی‌نظر ۲/۶۲، و در خانواده‌های مخالف این دیدگاه، ۲/۵۵ محاسبه شده‌است (جدول ۴). بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که تفاوت‌های دیده‌شده معنادار است (جدول ۵) و نمره‌ی ترس از موفقیت در خانواده‌هایی که با نقش مراقبت‌کننده‌گی زنان موافق اند، بیش‌تر از دیگر خانواده‌ها ست (جدول ۶).

۵- در بین افرادی که خانواده‌ی آن‌ها پسران را در توانایی از دختران می‌داند، ۵۰ درصد ترس زیاد و ۵۰ درصد ترس کم داشته‌اند. در بین افرادی که خانواده‌شان پسران را در توانایی برتر از دختران نمی‌داند، ۲۳/۲ درصد ترس زیاد و ۷۶/۸ درصد ترس کم داشته‌اند (جدول ۴).

میانگین نمره‌ی ترس از موفقیت در خانواده‌های معتقد به برتری پسران ۲/۸۱، در خانواده‌های بی‌نظر ۲/۲۲، و در خانواده‌های مخالف برتری پسران ۲/۵۵ محاسبه شده‌است (جدول ۴). تفاوت‌ها از نظر آماری معنادار است (جدول ۵) و نمره‌ی ترس از موفقیت در خانواده‌های معتقد به برتری پسران بیش‌تر از خانواده‌های دیگر است (جدول ۶).

۶- در بین افرادی که خانواده‌شان معتقد است که زنان باید نیازهای دیگر افراد خانواده را برآورده نمایند، ۳۰/۶ درصد ترس زیاد و ۶۹/۴ درصد ترس کم داشته‌اند. در خانواده‌هایی که چنین باوری ندارد ۱۷/۲ درصد ترس زیاد و ۸۲/۸ درصد ترس کم داشته‌اند (جدول ۴).

میانگین نمره‌ی ترس از موفقیت در خانواده‌هایی با این باور که زنان باید نیازهای دیگر افراد خانواده را برآورده سازند ۲/۹۴، در خانواده‌های بی‌نظر ۲/۵۵ و در خانواده‌های مخالف این اعتقاد ۲/۷۳ برآورد شده‌است (جدول ۴). بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که تفاوت‌های دیده‌شده معنادار است (جدول ۵)

و نمره‌ی ترس از موفقیت در خانواده‌های معتقد به برآورده ساختن نیازهای دیگران توسط زنان، بیش‌تر از سایر خانواده‌ها ست (جدول ۶).

جدول ۶- نتایج آزمون تعقیبی کی‌دو برای بررسی تفاوت میانگین زیرگروه‌های بررسی‌شده

۳	۲	۱		مؤلفه‌های الگوی ذهنی خانواده
۰/۱۷ ۰/۲۱	۰/۳۸*	۱	موافق ام	منفعل بودن زنان
		۲	نظری ندارم	
		۳	مخالف ام	
۰/۵* ۰/۲۹	۰/۲۱*	۱	موافق ام	عدم ریسک‌پذیری زنان
		۲	نظری ندارم	
		۳	مخالف ام	
۰/۴۶* ۰/۱۴	۰/۳۲*	۱	موافق ام	قانع بودن زنان
		۲	نظری ندارم	
		۳	مخالف ام	
۰/۳۳* ۰/۰۷	۰/۲۶*	۱	موافق ام	مراقبت‌کننده‌گی و یآوری زنان
		۲	نظری ندارم	
		۳	مخالف ام	
۰/۲۶* ۰/۳۴	۰/۵۹*	۱	موافق ام	برترشناختن پسران در توانایی
		۲	نظری ندارم	
		۳	مخالف ام	
۰/۲۱* ۰/۱۸	۰/۳۹*	۱	موافق ام	برآوردن نیازهای دیگران
		۲	نظری ندارم	
		۳	مخالف ام	

* در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

در یک نگاه تلفیقی به عوامل بررسی‌شده و با کمک رگرسیون چندمتغیره می‌توان گفت که هفت متغیر، به گونه‌ئی معنادار در پیش‌بینی نمره‌ی ترس از موفقیت نقش دارند و در مجموع می‌توانند ۰/۲۶ از واریانس نمره‌ی ترس از

موفقیت را توجیه کنند. این متغیرها که نقش آن‌ها در پیش‌بینی نمره‌ی ترس از موفقیت متفاوت است، عبارت‌اند از:

- برتر شناختن پسران در توانایی پیش‌رفت (A₁)
- معیارهای پیش‌رفت شخصی (A₂)
- معیارهای پیش‌رفت اجتماعی (A₃)
- منفعل بودن زنان (A₄)
- قانع بودن زنان (A₅)
- سلطه‌گرایی پدر (A₆)
- عدم ریسک‌پذیری زنان (A₇)

بر پایه‌ی عوامل گفته‌شده، معادله‌ی زیر برای پیش‌بینی نمره‌ی ترس از موفقیت زنان شاغل معرفی می‌شود:

$$Y = 5.90 - 0.23A_1 - 0.11A_2 - 0.82A_3 - 0.17A_4 - 0.40A_5 + 0.53A_6 + 0.26A_7$$

بحث و بررسی نتایج

بر اساس یافته‌های تحقیق، حدود یک سوم (۳۱/۸ درصد) از زنان شاغل در سطوح مختلف فعالیت‌های سازمانی، ترس از موفقیت زیاد و ۶۴/۲ درصد، ترس متوسط دارند. با توجه به این که حدود ۴ درصد از جمعیت مورد بررسی ترس از موفقیت نداشته‌اند (یعنی نمره‌ی به دست آورده‌اند که می‌توان آن را نادیده گرفت)، می‌توان گفت که زنان شاغل به نسبت‌های متفاوت، ترس از موفقیت دارند. پس طرح این پرسش درست است که ترس از موفقیت زنان شاغل با چه عواملی مرتبط است؟

پژوهش انجام‌شده نشان می‌دهد که ۲/۵ درصد از زنان شاغل در سطوح مختلف پست‌های سازمانی، اعتمادبه‌نفس بالا دارند. این زنان در خانواده‌هایی زنده‌گی می‌کنند که اندکی از آن‌ها به معیارهای پیش‌رفت اجتماعی (۴/۵ درصد)

و معیارهای پیشرفت شخصی (۹/۱ درصد) توجه دارند. گر چه گزارش زنان مورد بررسی نشان می‌دهد که تعداد اندکی از آنان (۵/۵ درصد) پدران سلطه‌گرا در خانواده داشته‌اند، اما الگوی ذهنی حاکم بر خانواده‌شان محدودیت‌هایی برای زنان پدید می‌آورد. در چارچوب این الگوی ذهنی، خانواده از زنان انتظار دارد که به رفع نیازهای دیگران همت گمارند (۴۴/۵ درصد)، پذیرای دیدگاه‌ها و احکام دیگران باشند (۳۰/۹ درصد)، نقش مراقبت‌کننده‌گی و یابوری را بر عهده گیرند (۳۰/۹ درصد)، از خطر کردن دوری کنند (۲۳/۹ درصد)، قانع باشند (۲۱ درصد) و پسران را در دستیابی به پیشرفت سزاوارتر از خود بدانند (۱۴ درصد). بدین ترتیب، فرهنگی بر زنان حاکم می‌شود که موفقیت را مخالف نقش خود قلمداد نمایند و چنان که هورنر (به نقل از بناب، ۱۳۷۵) بیان داشته، نقش خود را به صورت «سنتی، منفعل و به دور از هر گونه تحرک و پیشرفت در زمینه‌ی اجتماعی و شغلی» تعریف و تعیین کنند. این امر، تردید و ترس از موفقیت را در پی دارد و هر گونه پیش‌رفتی را که در رشد شخصی و سلامت روحی وجود داشته‌باشد، از بین می‌برد (می‌سنا، ۲۰۰۰). این وضعیت، نوعی وابستگی شخصیتی را نشان می‌دهد که شغل مستقل، نیازمند رهایی از آن، ولی فرهنگ حاکم مؤید و مروج آن است. در چنین وضعیتی چه رخ می‌دهد؟ احتمالاً یکی از پی‌آمدهای این شرایط تعارض‌آور، ترس از موفقیت است. بروز رفتارهای نامناسب عاطفی، اختلال در روابط خانواده‌گی و اطاعت اداری نیز ممکن است مرتبط با شرایط یادشده باشد. بروکز^۲ (۲۰۰۱) بر این باور است که ترس از موفقیت با عدم اعتمادبه‌نفس و عزت نفس پایین آمیخته است و افراد دارای این ویژه‌گی‌ها مستقیماً به شکلی در می‌آیند که دیگران انتظار دارند. اینان خود را بر اساس خواست غیر خود دگرگون می‌کنند تا رضایت آن‌ها را جلب نمایند. به همین رو، آرامش نداشتن، جزء جدایی‌ناپذیر زنده‌گی آن‌ها می‌شود و احساس ناتوانی، آن‌ها را نیازمند اتکا به دیگران می‌سازد. در شرایطی که اتکا به دیگران مبنای حفظ خویشتن می‌شود، نگرانی

1. Messina
2. Brooks

از جلب رضایت آنان محور اصلی نگرانی مدام می‌گردد. این تردید و آشفته‌گی، حرکت را متوقف و فرصت‌ها را نابود می‌کند. حتا فرد ممکن است ناخودآگاه خود را تنبیه کند (لازاریس، ۱۹۹۵). توجه به این موضوع سودمند است که ترس از موفقیت زنان مورد بررسی، ربطی به سطح تحصیلات ($\chi^2 = 0/73$, $P = 0/73$, $df = 2$) و شغل فرد ($\chi^2 = 0/75$, $P = 0/75$, $df = 2$) و $\chi^2 = 0/57$) نداشته‌است. به عبارت دیگر، فرهنگ حاکم، پدیدآورنده‌ی باورها، انتظارات و نگرش‌هایی بوده که دانش برآمده از تحصیلات و تجربه‌ی برآمده از فعالیت در سطوح مختلف فعالیت سازمانی به آن خدشه‌ئی وارد نساخته‌است.

موفقیت، به‌تنهایی ترس‌ناک نیست؛ بلکه به خاطر احساس وابسته به آن که علت و خاستگاه‌اش شرایط تربیتی ویژه‌ی فرد است این ویژه‌گی به آن افزوده می‌شود. بیش‌تر زنان فکر می‌کنند که بین موفقیت و زن بودن دوگانه‌گی وجود دارد و این، یکی از دلالتی است که ترس از موفقیت را در آن‌ها پدید می‌آورد. دلیل دیگر این که موفقیت را با خشونت‌ورزی همراه می‌دانند و آن را با ویژه‌گی‌های زنانه‌گی ناهم‌گون می‌پندارند (هاید، ۱۳۷۷). پیام‌های مبهم و دوگانه‌ئی که جامعه و سازمان برای زنان می‌فرستد آن‌ها را به نوعی احساس گناه دچار می‌سازد؛ چرا که از آنان انتظار می‌رود که در زنده‌گی کاری هم‌چون پدر، و در خانه همانند مادرشان باشند (دالبوم هال، ۱۳۷۵). از این رو، بدین دلیل است که پاداش‌های توفیق در زنان سبب شکل‌گیری اضطراب می‌شود.

ترس از موفقیت، ریشه در شرایط درونی خود شخص دارد و به واسطه‌ی درآمیختن با ترس‌های واقعی که ناگزیر است به نحوی گسترده فرد را به استیصال می‌کشاند. در چنین وضعی، فرد احساس ناخوش‌آیند، گنگ و مبهمی دارد که از ریشه و محرک آن آگاه نیست. برخی، گاه احساس خسته‌گی، کسالت، بی‌حوصله‌گی، بی‌کفایتی و ناتوانی دارند، بی آن که بدانند ریشه‌ی تمام این موارد، اضطراب درهم‌پیچیده‌ئی است که در ژرفای وجودشان نهفته است.

معمولاً شخص نمی‌داند چرا ناراحت است و نمی‌تواند حالت خود را بازگو کند. این حالت ناخوش‌آیند تهدیدی به امنیت فرد به شمار می‌آید (مانفردا و کرامپتیز، ۱۳۶۹). در چنین شرایطی، نیاز و تمایل اصلی شخص، مناسب‌سازی محیط برای خود و سازگاری وی با محیط است. البته طبیعت اشخاص مختلف، تفاوت‌هایی گسترده و هر یک ظرفیت‌های اساسی خود را دارد که بر اساس آن چیزهایی که باید تحقق یابد و چه‌گونه‌گی تحقق یافتن آن‌ها را تعیین می‌نماید. روسو^۱ معتقد است که زنان بیش از مردان دست‌خوش اضطراب می‌شوند. برای بسیاری از دختران، عامل ایجاد اضطراب این است که آیا با استانداردهای فرهنگی جامعه درباره‌ی موفقیت همانندی دارند یا خیر (هاید، ۱۳۷۷). شاید این امر به کلیشه‌های جنسیتی بازگردد که بر اساس آن، مردان بلندپروازتر و کم‌تر پی‌رو احساسات‌اند، در حالی که زنان، بیش‌تر برای پرستاری و پرورش، مناسب‌اند. این نقش‌های کلیشه‌ئی تعیین می‌کند که زنان و مردان چه رفتاری باید داشته‌باشند. این کلیشه‌ها از افراد انتظار دارند که رفتارهای جنسیتی سنتی داشته‌باشند که بر اساس آن مردان نباید بترسند و اضطراب خویش را آشکار سازند (میلکوویچ و بودرو،^۲ ۱۹۹۸). البته این موضوع ادعائی بیش نیست ولی قابل تأمل می‌باشد.

به هر رو، به نظر می‌رسد که ترس از موفقیت برای همه زنان مصداق ندارد، بلکه این متغیر روان‌شناختی، تنها در برخی موارد دیده‌می‌شود. عامل اصلی برای زنان، ظاهراً درجه‌ئی است که زمینه‌ی خانواده‌گی آنان ماهیت سنت‌گرایانه دارد. اگر چنین باشد، ترس از موفقیت در آنان پدید می‌آید؛ و گر نه، ظاهراً چنین ترسی در آن‌ها پدید نخواهد آمد (کورمن، ۱۳۷۶).

در فرآیند جامعه‌پذیری، در سال‌های حساس اولیه‌ی زنده‌گی و در ارتباط با والدین، هویت فردی شکل می‌گیرد. سنت‌گرایی خانواده، در ساخت روحیه‌ی جمعی متأثر از پذیرش اصول اخلاقی افراد صاحب اقتدار در شکل‌گیری وابسته‌گی‌های عاطفی، نقش دارد. فرزندان، به‌ویژه دختران، در چنین محیط‌هایی

1. Russo

2. Milkovich and Boudreau

می‌آموزند که مطیع پدری مقتدر، تصمیم‌گیرنده و حاکم بر اعمال و رفتار اعضای خانواده باشند که با خانواده‌ی خود مشورت نمی‌کند و فقط باورها و ارزش‌های خود را به دیگران تحمیل می‌نماید. این باورها و ارزش‌ها، اندک‌اندک مجموعه‌ئی از نقش‌های اجتماعی، روانی و رفتاری در فرد پدید می‌آورد که شالوده‌ی هویت در توالی زنجیره‌ی رشد است. تداوم و پیوسته‌گی احساس هویت، از واکنش‌های والدین، محیط اجتماعی و فرهنگی در برابر الگوی روان-رفتاری مورد انتظار جامعه درباره‌ی جنسیت شکل می‌گیرد. بنابراین، مرکزی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین عنصر هویت انسانی، مفهوم اجتماعی زنانه‌گی و مردانه‌گی است که این مفهوم در فرآیند جامعه‌پذیری شکل می‌یابد. عوامل زیست‌شناسانه و اجتماعی در ایجاد شخصیت مداخله می‌کند. نگرش‌ها، باورها و ارزش‌ها به عنوان شناسه‌های فرهنگی-اجتماعی، تعیین‌کننده‌های اساسی. ویژه‌گی‌های شخصیتی. مشترک در یک فرهنگ است؛ به گونه‌ئی که همه‌ی افرادی که در شرایط پرورشی و نظام فرهنگی یک‌سان زنده‌گی می‌کنند، مشکلات و رفتاری‌های کم و بیش یک‌سان دارند. بنابراین، اگر در جامعه، شخصیت ایده‌آل و شایسته‌ی زن، خانه‌دار، مادر و کدبانوی خوب بودن است، بر مبنای عرف اجتماعی و از طریق فرآیندی که شخص ارزش‌های جامعه‌ی خود را جزو شخصیت خود می‌سازد، موفقیت در زمینه‌ی شغلی برای زنان به معنای شکست در زنده‌گی خانواده‌گی است که صحنه‌ی اصلی فعالیت آنان به شمار می‌آید، و چنین محلی برای بسیاری، موقعیت اضطراب‌برانگیز. عدم تأیید اجتماعی یا احساس گناه است. جذب نگرش‌های فرهنگی جامعه و برخورد خواست‌ها، نیازها و باورهای فرد با دیگران، دوگانه‌گی‌هایی پدید می‌آورد که نوع، گسترده‌گی و شدت آن‌ها بسته‌گی به محیطی دارد که فرد در آن زنده‌گی می‌کند. این دوگانه‌گی‌ها به منزله‌ی عدم مطابقت با استانداردهای فرهنگی جامعه و زمینه‌ساز اضطراب است.

به عبارت دیگر، از آنجایی که انسان در قالب اجتماعی توسعه می‌یابد، احساس رانده‌شده‌گی اجتماعی به خاطر عدم توجه به نقش‌های اجتماعی، روانی

و رفتاری، همیشه به اضطراب می‌انجامد. بر این اساس، منطقی است که موفقیت در زمینه‌ی شغلی، به مفهوم شیوه‌ی رفتاری‌ئی خلاف الگوها و نمونه‌های رفتاری قراردادی سنخ‌بندی جنسیتی در جامعه، و پدیدآورنده‌ی اضطراب ترس از موفقیت در فرد باشد. این اضطراب، با گسترش روابط فرد با اطرافیان و جامعه، ژرف‌تر و گسترده‌تر می‌شود و شخصیت را در بر می‌گیرد. از این رو، جامعه‌پذیری در ایجاد و شکل‌گیری اضطراب، و جامعه‌پذیری بر پایه‌ی جنسیت در ایجاد اضطراب ترس از موفقیت در زنان شاغل نقش مهمی دارد.

با توجه به این که زنان نیمی از نیروی کار امروز و بخشی عمده از استعدادهای بالقوه مدیریتی آینده را تشکیل می‌دهند، اگر موانع پیش‌رفت آن‌ها در موقعیت‌های مدیریتی، به‌ویژه در سطوح عالی، نادیده انگاشته‌شود، بسیاری از سازمان‌ها با تهدیدی جدی روبه‌رو می‌شوند و در عرصه‌ی رقابتی فعالیت، آسیب خواهند دید.

منابع

- ۱- بناب، مهدی محی‌الدین. ۱۳۷۵. روان‌شناسی انگیزش و هیجان. تهران، نشر دانا.
- ۲- دالبوم هال، باربارا. ۱۳۷۵. زنان مدیر. ترجمه‌ی زهره قاینی. تهران، انتشارات بانو.
- ۳- کوپر، گاری. ۱۳۷۰. زنده‌گانی با اضطراب. ترجمه‌ی ماشاءالله مدیحی. تهران، انتشارات یادآوران.
- ۴- کورمن، ک. آبراهام. ۱۳۷۶. روان‌شناسی صنعتی و سازمانی. ترجمه‌ی حسین شکرکن. تهران، انتشارات رشد.
- ۵- مانفرد، ل. مارگریت؛ کرامتینز، د. سیدنی. ۱۳۶۹. روان‌پرستاری، ترجمه‌ی طلعت شهرباری؛ رقیه گلاب؛ اقدس دواجی و حشمت عبدالله‌پور. تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۶- میشل، آندر. ۱۳۷۶. پیکار با تبعیض جنسی. ترجمه‌ی محمدجعفر پوینده. تهران، انتشارات نگاه.
- ۷- هاید، ژانت. ۱۳۷۷. روان‌شناسی زنان. ترجمه‌ی بهزاد رحمتی. تهران، انتشارات جیحون.
- 8- Brooks, Takeshia. 2001. **Understanding the Fear of Success.** <http://www.black-collegian-com/news/fearofsuccess501.shtml>
- 9- Lazaris. 1995. **Working with the Fear of Success.** <http://www.lazaris.com/publibrary/pubfear.cfm>
- 10- Messina, James J.; Messina, Constance M. 2001. **Tools for Personal Growth, Handling Fear of Success.** <http://www.divatribe.com/articles/fearsuccess.shtml>
- 11- Milkovich, George T.; Boudreau, John W. 1998. **Human Resource Management.** 8th Ed. McGraw Hill. U.S.A.

دکتر سعید رضایی شریف‌آبادی*

پژوهش کیفی به کمک اینترنت: روش‌ها و چالش‌ها

* استادیار و عضو هیئت علمی گروه کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی
دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا
srezaei@alzahra.ac.ir

چکیده

روش‌های پژوهش را می‌توان به اشکال مختلف طبقه‌بندی و تفکیک کرد، اما معمولاً به دو گروه عمده‌ی روش کمی و روش کیفی تقسیم می‌شوند.

پژوهش‌گران مطالعات زنان و خانواده، از جمله افرادی هستند که برای انجام پژوهش‌های خود افزون بر روش‌های کمی، از روش‌های کیفی به‌ویژه مصاحبه‌ی عمیق استفاده می‌کنند. با گسترش فن‌آوری شبکه و اینترنت، این پژوهش‌گران در سال‌های اخیر به جمع‌آوری داده‌های کیفی به کمک اینترنت روی آورده‌اند.

در این مقاله، ضمن برشمردن روش‌های به‌کارگرفته‌شده در پژوهش کیفی، از جمله مصاحبه‌ی عمیق و مشاهده، به نقش اینترنت در گردآوری داده‌های پربار، گویا و مستند اشاره خواهد شد. در ادامه، درباره‌ی چالش‌های موجود در استفاده از فن‌آوری اینترنت برای انجام پژوهش کیفی، نظیر مسائل اخلاقی، رازداری، مشکلات امنیتی و حقوقی کندوکاو خواهیم‌نمود. علاوه بر این، در مقاله‌ی حاضر، به چالش‌های نظری حاکم بر داده‌های گردآوری‌شده در یک محیط مجازی بررسی خواهیم‌پرداخت.

کلیدواژه‌ها

اینترنت؛ پژوهش کیفی؛ جمع‌آوری داده‌ها؛ مصاحبه‌ی عمیق؛ ارتباط به کمک رایانه؛ محیط مجازی؛

مقدمه

فن‌آوری‌های جدید، می‌رود تا چه‌گونه‌گی انجام پژوهش توسط دانشمندان علوم اجتماعی را دگرگون کند. این پژوهش‌گران، به طور فزاینده‌ئی برای جمع‌آوری داده‌های پربار و مورد نیاز خود از مصاحبه‌ی عمیق که از ابزارهای اصلی روش کیفی است استفاده می‌کنند. همان‌گونه که *کراتول*^۱ بیان می‌کند: «هر جا که تمایلی به کشف درون باشد، برای کسب دانش درباره‌ی برداشت شخص، احساسات و انگیزه‌های او، و یا مطالعه‌ی رفتارهای شخصی و یا اجتماعی پیچیده‌ی او، انجام نوعی مصاحبه مفید خواهد بود» (کراتول، ۱۹۹۸). شماری از پژوهش‌گران حوزه‌ی مطالعات زنان نیز معتقد اند که با به‌کارگیری ابزارهایی مانند مصاحبه‌ی عمیق می‌توان به داده‌هایی غنی و پربار دست یافت که با روش‌های کمی امکان‌پذیر نیست (گراهام،^۲ ۱۹۹۴). ویلکینسون^۳ (۱۹۹۸) فایده‌ی اصلی مصاحبه‌ی گروهی، به‌ویژه در حوزه‌ی مطالعات زنان را جمع‌آوری داده‌های تعاملی با کیفیت بالا در مورد مسائل اخلاقی آنان می‌داند.

به طور کلی، در انجام پژوهش‌های کیفی می‌توان داده‌های مورد نیاز را از راه‌های مختلفی جمع‌آوری کرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از:

۱. **مشارکت در تحقیق** - از ارکان اصلی پژوهش کیفی به شمار می‌آید و

بیش‌تر در انسان‌شناسی فرهنگی و جامعه‌شناسی کیفی به کار می‌رود.

۲. **مشاهده‌ی مستقیم** - یکی از روش‌های اصلی، اصولی، زیربنایی و

سرنوشت‌ساز محسوب می‌شود. در این روش، پژوهش‌گر کیفی تلاش می‌کند تا روابط بسیار پیچیده را در زمینه‌ی اجتماعی و واقعی کشف نماید.

۳. **مصاحبه‌ی عمیق (جامع)** - به عنوان استراتژی کلی برای جمع‌آوری

داده‌های کیفی به کار می‌رود. در مصاحبه‌ی عمیق، جامع یا آزاد، پژوهش‌گر

1. Krathwohl

2. Graham

3. Wilkinson

ضمن احترام به ساختار عقاید پاسخ‌دهنده در پی کشف پاسخ برای چند پرسش اصلی برمی‌آید.

۴. بررسی اسناد و مدارک- برای تکمیل مصاحبه، مشاهده و مشاهده‌ی مشارکتی، پژوهش‌گر به جمع‌آوری، بررسی، و تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک مرتبط می‌پردازد (مارشال و راس‌من، ۱۳۷۷).

در مقاله‌ی حاضر، محور بحث درباره‌ی جمع‌آوری داده‌های کیفی، موضوع ارتباط به کمک رایانه^۱ است. این روش، در مقایسه با ارتباط یا تعامل رودررو^۲ مطرح می‌شود. موضوع اصلی این مقاله، تأثیر ارتباط به کمک رایانه بر فرآیند پژوهش کیفی، تحلیل امکانات و محدودیت‌های متفاوتی است که به‌وسیله‌ی این نوع ارتباط و ارتباط رودررو برای پژوهش کیفی فراهم می‌شود.

در حال حاضر، اشکال مختلفی از ارتباط اینترنتی وجود دارد. از مهم‌ترین این روش‌ها، ارتباط هم‌زمان به کمک رایانه است که به مبادله‌ی پیام‌ها بین دو یا چند کاربر که به طور هم‌زمان به پایانه‌های رایانه‌ی متفاوت وصل شده‌اند، گفته می‌شود. ارتباط غیرهم‌زمان یا تاخیری، که دربرگیرنده‌ی بیش‌تر نظام‌های پست الکترونیکی می‌شود، به کاربران فرصت می‌دهد تا پیام‌های تشریحی خود را تایپ و ارسال کنند. سپس، گیرنده‌گان پیام می‌توانند به هنگام فراغت آن‌ها را بخوانند، پاسخ گویند، چاپ کنند، برای دیگران ارسال کنند، یا بایگانی نمایند.

منظور از پژوهش کیفی چیست؟

پژوهش کیفی، برای افراد و حوزه‌های مختلف علوم، شکل‌های متفاوتی به خود می‌گیرد، معانی گوناگونی پیدا می‌کند و با اسامی متعدد نام برده می‌شود (سیلورمن، ۱۳۷۸). یک بررسی جامع از روش‌شناسی‌های کیفی که در آغاز گسترش استفاده‌ی عمومی از اینترنت انتشار یافت، به این نتیجه رسید که «هرگز این

1. Computer-Mediated Communication (CMC)

2. Face to Face Communication / Interaction (FTF)

اندازه اصول نظری، راهبردهای پژوهشی یا روش‌های تجزیه و تحلیل برای استفاده و نتیجه‌گیری در هیچ رشته‌ی دیگری وجود نداشته‌است» (دنزین^۱، ۱۹۹۴). روش کیفی، علی‌رغم قدمت آن، تنها در دو دهه‌ی اخیر به طور مؤثر مورد استقبال و استفاده‌ی پژوهش‌گران حوزه‌های علوم اجتماعی و علوم رفتاری قرار گرفته‌است (منادی، ۱۳۸۰). پژوهش‌گران کیفی، از روش‌های چندگانه‌ی برای گردآوری داده‌های پربار، گویا و مستند برای شناسایی تجربه‌ی انسانی یا روابط موجود در درون یک نظام یا فرهنگ استفاده می‌کنند (سیلورمن^۲، ۱۹۹۹). سپس فرآیند تحلیل استقرائی از داده‌ها ممکن است به تدوین و توضیح فرضیه‌های ساده، یا استفاده از روش‌های مدون، مانند ارائه‌ی نظریه‌ی زمینه‌ی^۳ و ابداع نظریه‌های پیچیده بیانجامد.

از جمله مهم‌ترین مباحث مورد بررسی در این مقاله، موضوع نحوه‌ی انطباق اینترنت با روش‌های کیفی گردآوری و تحلیل داده‌ها است. البته شکی نیست که این فن‌آوری نیز همانند دیگر فن‌آوری‌های موجود محدودیت‌هایی دارد. برای نمونه، ابتکارات نوین در زمینه‌ی کنفرانس‌های ویدئویی، علی‌رغم ارائه‌ی روش‌های نوآورانه‌ی مشاهده، در حال حاضر بسیار گران‌قیمت است. همین مشکل، استفاده‌ی فراگیر از این روش را به تأخیر انداخته‌است (کندی^۴، ۲۰۰۰). ارتباطات صوتی از طریق اینترنت، امکان نسبتاً جدید دیگری است که امروزه به عنوان ابزاری پژوهشی از آن استفاده می‌شود. اما پژوهش‌گر برای بهره‌ی بیشتر از آن، به فن‌آوری پیش‌رفته‌تری از آنچه که هم‌اکنون موجود است، نیاز دارد. به هر حال، گرچه در حال حاضر اینترنت امکانات محدودی برای پژوهش کیفی رفتارهای انسانی در اختیار پژوهش‌گر می‌گذارد، اما کنار گذاشتن داده‌های گردآوری‌شده از اینترنت، به صرف این‌که در بیش‌تر اوقات تنها نوشتاری هستند، عاقلانه به نظر نمی‌رسد. به طور کلی، ارتباط اینترنتی

1. Denzin

2. Silverman

3. Grounded Theory

4. Kennedy

دارای ویژه‌گی‌هایی است که با روش‌های سنتی‌تر گردآوری داده‌ها سازگاری ندارد و ضروری است که به بررسی و مطالعه‌ی آن پرداخت.

بررسی اینترنت

اینترنت، فن‌آوری، پدیده و یا به عبارتی فرهنگی روبه‌رشد و تکامل است که امروزه بخشی از نیازهای اولیه‌ی جوامع مختلف شده‌است. اینترنت، شبکه‌ی رایانه‌ئی جهانی است که از شبکه‌ی نظامی آمریکایی به نام آرپانت^۱ پایه گرفته‌است. هسته‌ی اصلی و محور کار اینترنت، مجموعه‌ئی از پروتکل‌ها یا قراردادهای نرم‌افزاری است که به تمام رایانه‌های متصل به اینترنت امکان می‌دهد که با یکدیگر ارتباط برقرار کنند (رضایی شریف‌آبادی، ۱۳۷۳). برای نمونه، قرارداد یا پروتکل انتقال فرامتن^۲ به کاربر اینترنت کمک می‌کند تا به میلیاردها صفحه‌ی موجود در محیط چندرسانه‌ئی وب دسترسی داشته‌باشد، و یا به کمک سایر قراردادها با دیگران به‌وسیله‌ی پست الکترونیکی پیام رد و بدل کند، و یا فایل‌های مورد نیاز خود را از مکان‌های دور و نزدیک به رایانه‌ی خود منتقل کند. اینترنت دارای خدمات گوناگونی است که در انجام پژوهش کیفی کاربرد مؤثر و مستقیم دارد. البته امروزه با توجه به پیشرفت سریع وب، می‌توان چنین ادعا کرد که تقریباً تمام خدمات اینترنت با استفاده از فن‌آوری وب در دسترس است. در این بخش، تنها شماری از خدمات اصلی اینترنت نام برده و در پی آن، درباره‌ی ارتباط اینترنتی که از محورهای اساسی مقاله‌ی حاضر است بحث خواهد شد. شماری از خدمات اصلی اینترنت عبارت است از: تار گسترده‌ی جهانی یا وب^۳، پست الکترونیکی^۴، گپ اینترنتی^۵، کنفرانس اینترنتی^۶، فهرست‌های پستی^۷، گروه‌های خبری^۸، محیط‌های تعاملی^۹.

1. ARPAnet

2. HyperText Transmission Protocol (HTTP)

3. World Wide Web

4. Electronic Mail (Email)

5. Internet Relay Chat (IRC)

6. Internet Conferencing

7. LISTSERV

8. Usenet

9. MU*

در سال‌های اخیر مطالب فراوانی درباره‌ی اینترنت منتشر شده‌است. افزون بر این، منابع و پژوهش‌های چندی درباره‌ی ارتباط اینترنتی هم‌اکنون در نشریات موجود بر روی وب یافت می‌شود. موضوع ارتباط اینترنتی، هم‌چنین موضوع بحثی مستمر در گروه‌های بحث الکترونیکی^۱ است. در این گروه‌ها، میزان شناخت کاربران اینترنت از چه‌گونه‌گی تعامل متقابل زبان، جامعه و فن‌آوری اینترنت به بحث گذاشته می‌شود. علاوه بر این، شرکت‌کننده‌گان در این بحث‌ها به موضوعاتی مانند تاریخچه‌ی اینترنت، پی‌آمدهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و حقوقی استفاده از اینترنت، و طیف وسیعی از مسائل فنی مربوط به نظام‌های اطلاع‌رسانی و بسته‌های نرم‌افزاری مفید برای ارتباط اینترنتی می‌پردازند. هم‌چنین، آشنایی با متون و ادبیات فرارشته‌ئی که به بحث درباره‌ی جنبه‌های گوناگون ارتباط اینترنتی و رفتار انسانی در محیط اینترنت می‌پردازد، برای پژوهش‌گر اینترنتی بسیار ضروری است (رضایی شریف‌آبادی، ۱۳۷۷)، زیرا نظام‌های شبکه‌ئی، امکان مطالعه‌ی رفتار و اعمال کاربران خود را به پژوهش‌گران می‌دهد. برای نمونه، نظریه‌پردازان ارتباطات در مورد وضعیت زبانی و خصوصیات شکل‌های هم‌زمان و ناهم‌زمان ارتباط اینترنتی بحث‌های فراوانی مطرح کرده‌اند (دیویس و برور^۲، ۱۹۹۷).

برخی از پژوهش‌گران به مطالعه‌ی تأثیر ارتباط اینترنتی بر تعامل اجتماعی و فواید ابراز وجود در اینترنت پرداخته‌اند. در این مطالعات، چه‌گونه‌گی کنش و واکنش افراد در محیط‌های اداری، سازمانی و آموزشی به هنگام انجام فعالیت‌هایی هم‌چون مبادله‌ی اطلاعات و فرآیندهای تصمیم‌گیری بررسی شده‌است. پژوهش‌گران برای انجام این گونه مطالعات بیش‌تر از روش کیفی بهره برده‌اند. البته تعیین میزان صحت و اعتبار این ادعا که ارتباط اینترنتی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی فرآیند ارتباطات را دگرگون خواهدکرد نیازمند انجام پژوهش‌هایی عمیق‌تر و گسترده‌تر است (والاس^۳، ۱۹۹۹).

1. Electronic Discussion Groups
2. Davis and Brewer
3. Wallace

از پژوهش درباره‌ی اینترنت تا پژوهش اینترنتی

در مورد این که اینترنت تا چه اندازه برای انجام پژوهش مناسب است، مطالعات چندانی صورت نگرفته است (رضایی شریف‌آبادی، ۱۳۷۸). مقالات و مطالعات محدودی در مورد استفاده از اینترنت برای انجام پژوهش کمی، به‌ویژه برای گردآوری داده‌ها وجود دارد (کاملی، ۱۹۹۶)، اما متأسفانه تا کنون مطالعه‌ی مدون و منسجمی درباره‌ی چه‌گونه‌گی سازگارسازی اینترنت با روش‌های پژوهش کیفی و تأثیر آن بر این گونه پژوهش‌ها انجام نشده است (مان و استوارت، ۲۰۰۰).

از سویی، باید توجه داشت که پژوهش اینترنتی فقط به مطالعه‌ی رفتار افراد در محیط‌های مجازی محدود نمی‌شود، بلکه این نوع پژوهش باید استفاده از شبکه‌ی اینترنت برای بررسی رفتار انسانی در محیط‌های واقعی را نیز پوشش دهد. بعضی از نمونه‌های این گونه پژوهش عبارت است از: مطالعه‌ی استوارت، اکرمان و زو^۳ (۱۹۹۸) در مورد خطرات تهدیدکننده‌ی بهداشت جوانان، مطالعه‌ی بین‌المللی آندرز^۴ (۲۰۰۰) درباره‌ی مسائلی که زنان معلول در آموزش عالی با آن روبه‌رو هستند، مطالعه‌ی مونولسکو و شيفتر^۵ (۲۰۰۰) درباره‌ی ارزیابی تجربه‌ی دانشجویان در گذراندن دروس از طریق شبکه، مطالعه‌ی باستانی^۶ (۲۰۰۰) درباره‌ی تعامل زنان مسلمان به کمک اینترنت، مطالعه‌ی کالورت^۷ و همکارانش (۲۰۰۱) درباره‌ی استفاده‌ی کودکان از برنامه‌های آموزشی و اطلاعاتی تله‌ویزیون، مطالعه‌ی ال‌ادوانی و پال‌ویا^۸ (۲۰۰۲) درباره‌ی ابزارهای مناسب برای اندازه‌گیری استفاده‌ی کیفی کاربران از وب، و بالأخره، مطالعه‌ی کمپبل^۹ (۲۰۰۲) در مورد استفاده‌ی زنان عضو هیئت علمی از فن‌آوری‌های نوین

-
1. Comley
 2. Mann and Stewart
 3. Stewart, Eckermann and Zhou
 4. Anders
 5. Monolescu and Schifter
 6. Bastani
 7. Calvert
 8. Aladwani and Palvia
 9. Campbell

در آموزش و تأثیر ارتباط به کمک رایانه در فرآیند آموزش. در این مطالعات، ارتباط اینترنتی، محدودیت‌های زمانی و مکانی را به حداقل رساند. ارتباط اینترنتی از یک سو به پژوهش‌گران امکان مصاحبه‌ی عمیق با شرکت‌کنندگان در قاره‌های مختلف را می‌دهد و از سوی دیگر، ارتباط با دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات آموزش عالی را در سطح جهانی آسان می‌نماید. به طور کلی، ارتباط اینترنتی زمینه‌ی مشارکت گسترده را برای انجام یک پژوهش امکان‌پذیر می‌کند که در غیر این صورت به خاطر محدودیت‌هایی مانند تعداد پژوهش‌گران درگیر، محدودیت‌های مالی، زبانی و فاصله‌ی مکانی، چنین مشارکتی تقریباً ناممکن است. از جمله مزایای ارتباط و مصاحبه‌ی اینترنتی، مزیت گم‌نام ماندن و شناخته نشدن مصاحبه‌شونده در دنیای مجازی است. چنین مزیتی، به‌ویژه، هنگام دسترسی به نظرات گروه‌های مطرود و به‌حاشیه‌رفته‌ی اجتماع مانند افراد معتاد و منحرف (دون^۱، ۱۹۹۹) و یا مخاطب‌هایی که به هر دلیل ممکن است از نظر اخلاقی و عاطفی از گفت‌وگوی رودررو گریزان باشند، اهمیت دارد (بنت^۲، ۱۹۹۸).

به سوی روش‌های اینترنتی

اینترنت پدیده‌ی تکنولوژیکی و در عین حال فرهنگی است. پژوهش‌گر کیفی نباید فقط به اثبات و تشریح مزایای تکنولوژیکی که به کمک اینترنت به دست می‌آورد بسنده کند. در واقع، اینترنت محیط و یا فرهنگی کاملاً جدید و ساخت‌یافته با سنت‌ها و آداب خاص خود است. پژوهش‌گر کیفی، قبل از گام برداشتن به سوی روش‌های اینترنتی، نخست باید به سوالاتی این‌چنین پاسخ دهد:

- آیا داده‌های مستند به‌دست‌آمده از اینترنت با داده‌های گردآوری‌شده به روش‌های دیگر تفاوت دارد؟

1. Dunne
2. Bennett

یا به عبارت دیگر:

- آیا داده‌های گردآوری‌شده به این روش، دارای کیفیتی متفاوت با داده‌های گردآوری‌شده از طریق شفاهی، دست‌نوشته یا چاپی است؟ و از این‌ها مهم‌تر این که:
- آیا می‌توان ادعا کرد که اینترنت به پژوهش‌گر امکان ابداع شکل‌های جدیدی از پژوهش می‌دهد و تأثیری تعیین‌کننده بر نظریه و عمل پژوهش کیفی می‌گذارد؟

مزایا و چالش‌های به‌کارگیری اینترنت

برای پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و ادعاهای مطرح شده در بالا، باید نخست به مزایا و چالش‌های به‌کارگیری روش اینترنتی برای انجام پژوهش کیفی در مقایسه با روش‌های رودررو اشاره شود. روش‌های مورد تأکید در بحث حاضر، برای گردآوری داده‌های کیفی شامل مصاحبه‌ی عمیق، مشاهده‌ی جوامع مجازی، گردآوری اسناد شخصی و مصاحبه‌ی متمرکز بر گروه است.

مزایای به‌کارگیری اینترنت

مهم‌ترین مزایای عملی استفاده از اینترنت در انجام پژوهش کیفی چنین است:

افزایش سطح دسترسی به شرکت‌کننده‌گان

با فرض آن که شرکت‌کننده‌گان بالقوه به فن‌آوری مناسب دسترسی داشته‌باشند، اینترنت به پژوهش‌گران امکان می‌دهد از توانایی این رسانه برای عبور از موانع مکانی و زمانی که ممکن است پژوهش رودررو را محدود نماید، استفاده کنند. با استفاده از اینترنت، گزینه‌های زیر امکان‌پذیر می‌شود:

دسترسی گسترده‌ی جغرافیایی - اینترنت روشی عملی برای انجام مصاحبه، یا گردآوری گزارش‌ها، سرگذشت‌ها و توضیحات افراد یا گروه‌هایی است که از

نظر جغرافیایی در دوردست اند. این رسانه، همچنین همکاری بین پژوهش‌گرانی را که ممکن است در کشورها و حتا قاره‌های مختلف ساکن باشند آسان می‌کند. در واقع، اینترنت نظام جهانی دسترسی به گروه‌های خبری محلی در کشورهای متعدد با زبان‌های گوناگون است که امکان مطالعه و مقایسه‌ی فرافرهنگی مسائل را فراهم می‌کند (کومبر، ۱۹۹۷).

جمعیت‌هایی که دسترسی به آن‌ها دشوار است. اینترنت به پژوهش‌گران این امکان را می‌دهد که با جمعیت‌هایی تماس برقرار کنند که ممکن است کار کردن در روش رودررو با آن‌ها دشوار باشد. برای نمونه، مادران خانه‌داری که دارای کودکان خردسال هستند، کارگران شیفتی، افراد گریزان از فضای باز، معتادان به رایانه و یا افراد معلول.

مکان‌های با دسترسی محدود. اینترنت وسیله‌ئی است ممکن برای دسترسی به افرادی که در مکان‌های بسته یا با دسترسی محدود به سر می‌برند (مانند سازمان‌های دولتی، بیمارستان‌ها، زندان‌ها، ارتش و مدارس).

طرح مسائل شخصی حساس. برخی از مسائل شخصی به قدری حساس است که شرکت‌کننده‌گان ممکن است از مطرح کردن آن‌ها با یک پژوهش‌گر به طور رودررو اکراه داشته‌باشند. اینترنت نه تنها دارای توان بالقوه برای برطرف کردن شرمندگی و خجالتی است که ممکن است در گفت‌وگوی نفر به نفر حضور وجود داشته‌باشد، بلکه به هنگام انجام روش‌هایی مانند مصاحبه‌ی متمرکز بر گروه، به گروه‌ها امکان می‌دهد تا درباره‌ی مسائل حساس با آزادی و صراحت بیش‌تر و بدون ترس از قضاوت یا خجالت که از ویژه‌گی‌های گروه‌های بحث رودررو است، صحبت کنند.

دسترسی به سایت‌های خطرناک یا از نظر سیاسی حساس

اینترنت ابزاری است برای گسترش امکانات اجرای پژوهش در محیط‌های خطرناک یا از نظر سیاسی حساس. فاصله‌ی فیزیکی و امکان گم‌نام ماندن، هم برای پژوهش‌گران و هم برای شرکت‌کننده‌گان ایجاد مصونیت می‌کند. با

استفاده از اینترنت پژوهش‌گران می‌توانند به داده‌های حساس سانسور شده و یا از نظر سیاسی یا نظامی حساس دست یابند، بی آن که نیازی به حضور فیزیکی در محل داشته‌باشند. پژوهش‌گران می‌توانند از این راه، با افرادی که در مناطق جنگی به زنده‌گی یا کار مشغول اند یا محل‌هایی که بیماری‌های واگیردار در آن شایع است مصاحبه کنند، بدون این که نیاز باشد خود را با خطر و یا بوروکراسی بازدید از محل روبه‌رو کنند.

مقاومت در برابر وضع موجود

اینترنت امکان مقاومت در برابر وضع موجود را بدون ریسک زیاد فراهم می‌کند (چون امکان ارتباط گم‌نام برای افراد وجود دارد و گاهی پیدا کردن افراد درگیر در امر پژوهش از طریق اینترنت بسیار دشوار است). گاهی ممکن است یک پژوهش‌گر اینترنتی فرصتی برای افشای فساد مالی یا فعالیت‌های مجرمانه پیدا کند. در کشورهایی مانند چین یا مکزیک، مقاومت سیاسی از طریق شبکه، به عبارت‌هایی مثل جنگ اینترنتی منجر شده‌است. پژوهش‌گران کیفی می‌توانند به کمک اینترنت مسائل مهم مربوط به فرآیندهای مقاومت را بررسی کنند.

صرفه‌جویی در وقت و هزینه

مسئله‌ی کاهش هزینه‌ها یکی از مهم‌ترین مزایای کاربرد اینترنت برای پژوهش‌گران کیفی است. افرادی که دارای دسترسی سازمانی به اینترنت هستند معمولاً هیچ هزینه‌ئی صرف نمی‌کنند. به طور کلی، صرفه‌جویی برای پژوهش‌گر می‌تواند در زمینه‌های زیر هم امکان‌پذیر شود:

وقت و مسافرت. در مصاحبه‌ی متعارف رودررو، هزینه‌های وقت و مسافرت را باید برای پژوهش‌گر و شرکت‌کننده‌گان، هر دو، در نظر گرفت. غالباً این امر به سازش در این مورد می‌انجامد که مصاحبه‌ها کجا و با چه کسانی برگزار شود. بیش‌ترین میزان مشارکت، غالباً به هزینه‌های مسافرت و وقت

شرکت‌کننده‌گان بسته‌گی دارد. این مسائل هنگامی که پژوهش در محدوده‌ی گسترده‌تری انجام گیرد، پیچیده‌تر می‌شود.

اجاره‌ی محل - برای انجام مصاحبه‌های عمیق، محل باید به آسانی برای شرکت‌کننده‌گان فراهم شود. نیازهای پژوهش‌گر و شرکت‌کننده‌گان می‌تواند به صرف وقت برای سازمان‌دهی محل و نیز هزینه‌های اجاره‌ی محل منجر شود. در پژوهش اینترنتی، محل سایت‌هایی است که در آن‌ها امکان ارتباط رایانه‌ئی وجود دارد. در این نوع ارتباط نیز ممکن است هزینه‌های کرایه و ساخت سایت و ملاحظات دیگری تأثیر محیط دسترسی به اینترنت، که می‌تواند از منزل، اداره و یا مکانی عمومی مانند کافه‌نت باشد، مطرح گردد. اما از نظر عملی، بسیاری از دشواری‌ها و ملاحظات مالی ترتیب دادن محیط‌های رودرورا ندارد.

هزینه‌های ضبط، تولید و پیاده‌سازی نوار - در مصاحبه‌های رودرورا، یک ضبط صوت با کیفیت خوب و مقدار کافی نوار و باتری مورد نیاز است. برای انجام مصاحبه‌ی متمرکز بر گروه و سایر مصاحبه‌های جمعی، خرید و تهیه‌ی وسایل مورد نیاز برای ضبط برنامه می‌تواند دربرگیرنده‌ی بخش مهمی از هزینه در بودجه‌ی کلی پژوهش باشد. تقریباً در تمام موارد، مطالب ضبط‌شده باید روی کاغذ پیاده شود (این در حالی است که معمولاً پیاده‌سازی یک نوار ۹۰ دقیقه‌ئی حدود ۴ تا ۶ ساعت طول می‌کشد). اما در پژوهش اینترنتی، تعامل یا مصاحبه به تولید آنی یک فایل متنی منجر می‌شود. بنابراین، نیازی به تخصیص بودجه برای خرید ضبط صوت، وسایل پیاده‌سازی یا هزینه‌های پیاده‌سازی نیست.

رفع تعصبات پیاده‌سازی نوار

بسیاری از پژوهشگران کیفی معتقد اند که تحلیل داده‌های متنی چنان‌چه متن کل مصاحبه موجود باشد، مؤثرتر و قابل اطمینان‌تر است. *سایدمان*^۱ (۱۹۹۱) مدعی است که افکار شرکت‌کننده‌گان در یک پژوهش در واژه‌هاشان تجسم می‌یابد. با این حال، پیاده‌سازی مصاحبه‌های شفاهی معمولاً پرهزینه است. حتا

اگر پژوهش‌گران خودشان زحمت آن را قبول کنند، خسته‌کننده و طاقت‌فرسا خواهد بود. در یک مصاحبه‌ی رودررو، علاوه بر مطالب زائد و بی‌محتوا، مشکلات لهجه یا نبودن صراحت کافی ممکن است به تأخیر یا اشتباهات سبک نوشتاری منجر شود. ضمناً در مصاحبه‌های گروهی، شرکت‌کننده‌گان غالباً هم‌زمان صحبت می‌کنند که این کار، نوشتن دقیق را دشوارتر می‌کند.

برعکس، در مصاحبه‌ی اینترنتی، آنچه به دست می‌آید متن کامل مصاحبه است. چنین متنی آماده‌ی تجزیه و تحلیل است و برخلاف بیش‌تر مصاحبه‌های رودررو، هیچ چیز از قلم نمی‌افتد. افزون بر این، متن یک پیام الکترونیکی می‌تواند اطلاعات سودمند دیگری مانند زمان ارسال پیام و یا مشخصات کسانی را که به یک کنفرانس رایانه‌ای پیوسته و یا آن را ترک کرده‌اند ارائه دهد.

البته باید به این نکته‌ی مهم توجه داشت که گرچه متن کتبی مصاحبه‌ی الکترونیکی ممکن است مطلوب به نظر برسد، اما تمام وظایف و مسئولیت‌های پژوهش را منتفی نمی‌کند و یا به عبارتی، تمام مسائل پژوهشی را در بر نمی‌گیرد. برای مثال، پژوهش‌گر مجبور است برای دقت یا صراحت بیش‌تر مطالب، متن را ویرایش و یا در مورد کیفیت داده‌های گردآوری‌شده، بررسی و تصمیم‌گیری کند.

پردازش آسان‌تر داده‌ها

در پژوهش کیفی، معمولاً پژوهش‌گر زمان زیادی صرف سازمان‌دهی داده‌ها می‌کند. پی‌گیری اطلاعات شخصی شرکت‌کننده‌گان، مرور ادبیات تحقیقی و نظریات موجود در زمینه‌ی تحقیق، و کنترل داده‌های گردآوری‌شده قبل و در ضمن تجزیه و تحلیل داده‌ها، از جمله مسائل مهم در این مورد است (کرسول^۱، ۱۹۹۸). بسیاری از پژوهش‌گران برای انجام این امور از رایانه استفاده می‌کنند. فیلدینگ با بررسی تعدادی از نرم‌افزارهای مورد استفاده در تجزیه و تحلیل کیفی نتیجه گرفت که این نرم‌افزارها «دارای چند مزیت است: مدیریت

داده‌ها را در مقایسه با روش دستی که پرزحمت و همراه با خطا است آسان‌تر می‌کند؛ فرآیند تجزیه و تحلیل داده‌ها را شفاف‌تر و قابل بررسی‌تر می‌نماید؛ و روش‌های جدید تجزیه و تحلیل را ابداع و پشتیبانی می‌کند» (فیلدینگ، ۱۹۹۹:۹۶).

چالش‌های پژوهش اینترنتی

به‌رغم مزایای متعدد استفاده از اینترنت برای انجام پژوهش کیفی، چالش‌ها و مشکلاتی نیز فراوری پژوهش‌گران اینترنتی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از:

سواد رایانه‌ئی برای پژوهش‌گر

بدیهی است که اجرای یک طرح پژوهشی، به‌ویژه جمع‌آوری داده‌ها به کمک اینترنت نیازمند آشنایی پژوهش‌گر با رایانه و اینترنت و آگاهی داشتن او از آن‌ها است. البته، حتی اگر پژوهش‌گر این آشنایی و تجربه‌ها را پیش‌تر نیز کسب نکرده‌باشد، در بسیاری از موارد می‌تواند به‌ساده‌گی و به‌سرعت آن‌ها را فراگیرد.

آموزش اداره‌کننده‌ی مصاحبه‌ی متمرکز بر گروه

استفاده از گپ هم‌زمان اینترنتی نیازمند این است که مجری یا اداره‌کننده‌ی مصاحبه‌ی متمرکز بر گروه از سرعتی معقول در کار با صفحه‌کلید برخوردار باشد. مهارت‌های خاص برای استفاده از برنامه‌های نرم‌افزاری کاربردی، مانند برنامه‌های مورد نیاز برای پردازش داده‌ها، ممکن است احتیاج به آموزش بیش‌تر داشته‌باشد. مشکل اساسی در این زمینه، تغییر سریع و همیشه‌گی این گونه برنامه‌ها است.

برقراری تماس و ثبت نام به کمک اینترنت

استفاده از اینترنت برای برقراری تماس انفرادی معمولاً نیازمند مبادله‌ی دوجانبه‌ی آدرس‌های پست الکترونیکی بین افراد است. برای ارتباط با گروه‌ها باید فهرستی از آدرس‌های موردنظر تهیه کرد.

انتخاب جامعه‌ی مورد مطالعه از گروه‌های خبری و فهرست‌های اینترنتی هم بدون مشکل نیست. مثلاً در گروه‌های خبری مربوطه، باید به گونه‌ئی از اعضا دعوت به همکاری کرد که اصل خبر برای آن‌ها جاذبه داشته باشد و به اصطلاح، برای جلب همکاری افراد برای مشارکت در مطالعه، تور پهن کرد. برای مثال، کومبر^۱ (۱۹۹۷) از عنوان زیر برای مطالعه درباره‌ی فروشندگان و واسطه‌های مواد مخدر استفاده کرد: «آیا هیچ‌گاه مواد مخدر را به صورت پودر فروخته‌اید؟ اگر پاسخ مثبت است، من به کمک شما نیاز دارم». او همچنین پیشنهاد می‌کند که پیام‌های عضوگیری در چند نوبت و به صورت هفته‌گی فرستاده شود، چون پیام‌های فرستاده شده به گروه‌های خبری، به تدریج محو و توسط پیام‌های جدید جای‌گزین می‌شود. از سویی، دائماً کاربران جدیدی از این سایت‌ها بازدید می‌کنند که در جریان پیام‌های گذشته نیستند.

پیدا کردن آدرس‌های پست الکترونیکی

آسان‌ترین راه پیدا کردن آدرس پست الکترونیکی شخص، پرسیدن از خود اوست. با وجود راهنماهای متعدد در اینترنت، هنوز هیچ راهنمای جامع جهانی یا حتی ملی برای آدرس‌های پست الکترونیکی وجود ندارد. از مشکلات دیگری که در این زمینه وجود دارد، دقیق نبودن آدرس پست الکترونیکی افراد در این گونه راهنماها است. به طور کلی، مشکلات معمول آدرس‌دهی عبارت است از: املائی غلط یا ناقص پست الکترونیکی؛ ارائه‌ی آدرس وبسایت به جای آدرس پست الکترونیکی؛ ارائه‌ی آدرس‌های موهوم و قلبی؛ و بالاخره، سردرگمی و مشکلی که به هنگام تغییر آدرس پست الکترونیکی افراد پیش می‌آید.

تضمین هم‌کاری

به فرض آن که مشکلی در دسترسی به اینترنت و شناسایی آدرس پست الکترونیکی افراد وجود نداشته‌باشد، باید به خاطر سپرد که بسیاری از افراد علاقه‌ئی به اینترنت و ارتباط شبکه‌ئی ندارند. حتی در مورد بسیاری از کسانی که از روی کنج‌کاوی، در شروع کار به هم‌کاری و مشارکت در پژوهش اینترنتی اظهار علاقه می‌کنند، با توجه به مشکلات معمول، هیچ تضمینی برای ادامه‌ی هم‌کاری آن‌ها در یک زمینه‌ی بالقوه پرزحمت مانند پژوهش کیفی وجود ندارد.

یک ملاحظه‌ی مهم در انجام پژوهش، پرداخت دست‌مزد یا پاداش به شرکت‌کننده‌گان در پژوهش است. گر چه این نوع پرداخت‌ها، در پژوهش اینترنتی ناممکن نیست، اما جلب اعتماد شرکت‌کننده‌گان اینترنتی و پرداخت دست‌مزد به آن‌ها می‌تواند بسیار دشوار و پیچیده باشد.

مهارت‌های تعاملی

تا زمانی که استفاده از قابلیت‌های چند رسانه‌ئی اینترنت فراگیر نشود، پژوهش اینترنتی محدود به شرکت‌کننده‌گان با سواد متعارف رایانه‌ئی می‌شود. حتی در محیط‌های دانشگاهی، سواد رایانه‌ئی بسیاری از افراد محدود است. با این حال، حتی اگر پژوهش‌گر و شرکت‌کننده‌گان از سواد متعارف و یا مناسب رایانه‌ئی هم برخوردار باشند، نگرانی‌های مربوط به شیوه‌ی تعامل بین شرکت‌کننده‌گان و پژوهش‌گر پابرجا است. پژوهش‌گر کیفی بر ایجاد ارتباط و احترام متقابل بین خود و شرکت‌کننده‌گان تکیه می‌کند. در پژوهش رودررو، برقراری ارتباط تا حدود زیادی به مهارت‌های ارتباطی هم‌چون پاسخ‌های به‌موقع، استفاده از واژه‌گان مناسب و رموز رفتاری و گفتار شفاهی بسته‌گی دارد (مارشال و راس‌من، ۱۳۷۷). در پژوهش اینترنتی، تنها مهارت تعاملی مؤثر، ارتباط گفتاری/متنی است. این موضوع، پژوهش‌گران و شرکت‌کننده‌گانی را که

از این مهارت برخوردار نیستند و به روش‌های گوناگون، مانند اشاره‌ی دست و صورت، تغییر آهنگ صدا، سکوت و دیگر حرکات و رفتارهای خاص منظور خود را بیان می‌کنند، تهدید می‌کند.

قطع ارتباط

یک چالش کلیدی برای پژوهش‌گر اینترنتی این است که یک ارتباط الکترونیکی پایدار را در تمام دوره‌ی پژوهش با شرکت‌کننده‌گان حفظ کند. فرار یا شکست اینترنتی، اشاره به کسانی است که ابتدا به اینترنت دسترسی دارند و سپس، آن را از دست می‌دهند. در پژوهشی از دانش‌جویان سال آخر دانشگاه /ولستر، گزارش شد که گر چه این دانش‌جویان هنگامی که در دانشگاه بودند، به اینترنت دسترسی رایگان داشتند، اما اکثر کسانی که پس از فارغ‌التحصیلی دانشگاه را ترک کرده و دسترسی به اینترنت را از دست داده بودند، از ادامه‌ی همکاری در پژوهش مورد نظر خودداری کردند (کینگزلی و اندرسون^۱، ۱۹۹۸).

جامعه‌ی پژوهشی بالقوه

مهم‌ترین ملاحظه‌ی عملی برای پژوهش‌گران کیفی که در صدد استفاده از اینترنت به عنوان ابزار اصلی گردآوری داده‌ها هستند، شناسایی جامعه‌ی پژوهشی بالقوه است. در پژوهش متعارف، شناسایی جامعه‌ی پژوهشی کار چندان مشکلی نیست (هر چند که ممکن است مسائل مالی، مسافت و یا تفاوت‌های زبانی در عمل، حوزه‌ی پژوهش و شرکت‌کننده‌گان آن را محدود سازد)، اما برای پژوهش‌گر اینترنتی، شناسایی جامعه‌ی پژوهشی بالقوه کار ساده‌ئی نیست. دشواری اصلی در این زمینه، سرعت فوق‌العاده‌ی استفاده از اینترنت، و در حقیقت، گام شتابان تغییر این فن‌آوری است (کافمن و ادیزکو^۲، ۱۹۹۸).

1. Kingsley and Anderson
2. Coffin and Odlyzko

از سوی دیگر، شاخص دسترسی نداشتن همگی اقشار جامعه به اینترنت، مسئله‌ی مهمی است که به عنوان بزرگ‌ترین مشکل گردآوری داده‌ها مطرح می‌شود. بیل گیتس رئیس شرکت مایکروسافت اعتراف کرده‌است که از نظر اینترنت، مسئله‌ی داراها در برابر ندارها، دارای ابعاد متعددی است: ثروت‌مند در برابر فقیر، شهری در برابر روستایی، جوان در برابر پیر و شاید مهم‌تر از همه، کشورهای روبه‌توسعه در برابر کشورهای توسعه‌یافته. بنابراین، پژوهش‌گر کیفی باید به این نکته واقف باشد که دسترسی به اینترنت فقط مسئله‌ی اقتصاد نیست، بلکه جایگاه انسان در جهان از نظر جنسیت، فرهنگ، قومیت و زبان هم مطرح است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، درباره‌ی نقش اینترنت در انجام پژوهش کیفی، و مزایا و چالش‌های استفاده از این فن‌آوری در امر پژوهش بحث شد. علی‌رغم چالش‌های موجود بر سر راه پژوهش اینترنتی، با توجه به مزایای استفاده از این فن‌آوری نسبتاً جدید در انجام پژوهش، از جمله پژوهش کیفی، ضروری است که مسئولان و سیاست‌گزاران شبکه‌های رایانه‌ای و اطلاع‌رسانی، توجه بیشتری به توسعه‌ی به‌جا و بهینه‌ی آن در جامعه، به‌ویژه محیط‌های دانشگاهی و پژوهشی داشته‌باشند. تشویق و حمایت از پژوهش‌های به‌ظاهر بلندپروازانه، از سویی به مجریان این گونه پژوهش‌ها فرصت تجربه کردن روش‌های جدید را می‌دهد و از سوی دیگر، رشد سریع این فن‌آوری را در مسیر صحیح آن در پی خواهدداشت.

منابع

- ۱- رضایی شریف‌آبادی، سعید. ۱۳۷۳. «شبکه‌ی کامپیوتری اینترنت در خدمت اطلاع‌رسانی». پیام کتابخانه. ۴ (۲۰۱). ۴۶-۵۳.
- ۲- رضایی شریف‌آبادی، سعید. ۱۳۷۷. «تأثیر اینترنت بر ارتباط علمی میان روان‌شناسان دانشگاهی استرالیا». ترجمه‌ی معصومه کربلا آقایی کامران. مجله‌ی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، ویژه‌نامه‌ی کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی. ۸ (۲۸). ۸۳-۹۸.
- ۳- رضایی شریف‌آبادی، سعید. ۱۳۷۸. «تأثیر اینترنت بر فرآیند پژوهش: مروری بر متون و مطالعات انجام‌شده». در *افشار زنجان‌ی و دیگران*. اینترنت، جنبه‌های نظری و کاربردی آن (در کتابخانه‌ها، مراکز آموزشی و تحقیقاتی). تهران، نشر کتابدار. ۴۵-۶۶.
- ۴- سیلورمن، دیوید. ۱۳۷۸. *روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی*. ترجمه‌ی محسن ثلاثی. تهران، مؤسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- ۵- مارشال، کاترین؛ راسمن، گرچن ب. ۱۳۷۷. *روش تحقیق کیفی*. ترجمه‌ی علی پارسائیان و محمد اعرابی. تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۶- منادی، مرتضی. ۱۳۸۰. «روش‌های کیفی و کمی در پژوهش و آموزش». در *هم‌اندیشی و گفت‌وگوی گروهی استادان درباره‌ی پژوهش‌آموزی در دانشگاه‌ها*. تهران، دانشگاه الزهراء، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی. ۱۳۸۰/۱۱/۲۴.
- 7- Aladwani, A.; Palvia, P. 2002. "Developing and Validating an Instrument for Measuring User-Perceived Web Quality". **Information and Management**. 39 (6). 467-476.
- 8- Anders, E. 2000. **Women with Disabilities: Higher Education, Feminism and Social Constructions of Difference**. Ph.D. thesis. Deakin University, Melbourne, Australia.
- 9- Bâstâni, Susan. 2000. "Muslim Women On-line". **Arab World Geographer**. 3 (1). 40-59. [Available Online: <http://www.chass.utoronto.ca/~wellman/publications/muslimwomen/MWN1.PDF>].
- 10- Bennett, C. 1998. **Men Online: Discussing Lived Experiences on the Internet**. Honors Dissertation. James Cook University, Townsville, Australia.
- 11- Calvert, S.; Kotler, J.; Murray, W. et al. 2001. "Children's Online Reports About Educational and Informational Television Programs". **Journal of Applied Developmental Psychology**. 22 (1). 103-117.

- 12- *Campbell, K.* 2002. "Power, Voice and Democratization: Feminist Pedagogy and Assessment in CMC". **Educational Technology & Society**. 5 (3) [Available Online: http://ifets.ieee.org/periodical/vol_3_2002/campbell.html accessed 15 October 2004].
- 13- *Coffman, K.; Odlyzko, K.* 1998. "The Size and Growth Rate of the Internet". **First Monday, A Peer Reviewed Journal on the Internet** [Online]. 3 (10). [Available Online: http://www.firstmonday.dk/issues/issue3_10/coffman/index.html accessed 15 October 2004].
- 14- *Comley, P.* 1996. **The Use of the Internet as a Data Collection Method**. [Available Online: <http://www.sga.co.uk/esomar.html> accessed 15 October 2004].
- 15- *Coomber, R.* 1997. "Using the Internet for Survey Research". **Sociological Research**. [Available Online: <http://www.socresonline.org.uk/socresonline/2/2/2.html> accessed 15 October 2004].
- 16- *Creswell, J.* 1998. **Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing Among Five Traditions**. Thousand Oaks, CA, and London, Sage.
- 17- *Davis, B.; Brewer, J.* 1997. **Electronic Discourse Linguistic Individuals in Virtual Space**. New York, State University of New York Press.
- 18- *Denzin, N.; Lincoln, Y.* 1994. "Introduction: Entering the field of qualitative research". In *N. Denzin and Y. Lincoln* (Eds.), **Handbook of Qualitative Research**. London, Sage.
- 19- *Dunne, G.* 1999. **The Different Dimensions of Gay Fatherhood: Exploding the Myths**. Report to the Economic and Social Research Council. London, London School of Economics.
- 20- *Fielding, N.* 1999. "The Theoretical and Practical Applications of IT in Qualitative Analysis". In *M. Henry* (Ed.), **I.T. in the Social Sciences**. Oxford, Blackwell. 96-112.
- 21- *Graham, Hilary.* 1994. "Surviving by Smoking". In *Sue Wilkinson; Celia Kitzinger* (Eds.), **Women and health: Feminist perspectives**. London, Taylor & Francis. 102-123.
- 22- *Kennedy, A.* 2000. **The Internet and the World Wide Web: The Rough Guide**. London, Penguin.
- 23- *Kingsley, P.; Anderson, T.* 1998. "Facing Life without the Internet". **Internet Research: Electronic Networking Applications and Policy**. 8 (4). 303-312. [Available Online: <http://ceres.emeraldinsight.com/vl=4866984/cl=12/nw=1/rpsv/intr.htm> accessed 15 October 2004].
- 24- *Krathwohl, David R.* 1998. **Methods of Educational and Social Science Research: An Integrated Approach**. New York, Longman.
- 25- *Mann, Chris; Stewart, Fiona.* 2000. **Internet Communication and Qualitative Research; A Handbook for Researching Online**. London, Sage.
- 26- *Monolescu, D.; Schifter, C.* 2000. "Online Focus Group: A Tool to Evaluate Online Students' Course Experience". **The Internet and Higher Education**. 2 (2-3). 171-176.

- 27- *Seidman, I.* 1991. **Interviewing as Qualitative Research.** Columbia University, Teacher's College.
- 28- *Silverman, D.* 1999. **Doing Qualitative Research: A Practical Handbook.** London, Sage.
- 29- *Stewart, F.; Eckermann, E.; Zhou, K.* (1998). "Using the Internet in Qualitative Public Health Research: A Comparison of Chinese and Australian Young Women's Perceptions of Tobacco Use". **Internet Journal of Health Promotion** [Available Online: <http://elecpress.monash.edu.au/IJHP/index.htm> accessed 15 October 2004].
- 30- *Wallace, P.* 1999. **The Psychology of the Internet.** New York, Cambridge University Press.
- 31- *Wilkinson, S.* 1998. "Focus Group in Feminist Research Power, Interaction, and the Co-construction of Meaning". **Women's Studies International Forum.** 21 (1). 111-125.

دکتر حسین اسکندری *

زهرا شکرایی **

بررسی و مقایسه‌ی پایگاه‌های هویت در میان دختران و پسران دانش‌جو

* استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی،

دانشگاه علامه طباطبایی

e_eskandari@yahoo.com

** کارشناس ارشد روان‌شناسی

چکیده

موضوع هویت، از مهم‌ترین مسائل مربوط به زنده‌گی انسان است. نخستین بار، این مسئله توسط اریکسون مورد توجه قرار گرفت. مارشیا پایگاه‌های هویتی را مطرح کرد و پس از آن تلاش‌های محققان به ایجاد ابزاری تازه برای بررسی پایگاه‌های هویتی منجر شد. پژوهش حاضر، به بررسی و مقایسه‌ی دانش‌جویان زن و مرد از نظر قرارگیری در پایگاه‌های هویتی می‌پردازد.

روش مطالعه، روش علی-مقایسه‌ئی، و جامعه‌ی مورد پژوهش، همه‌ی دانش‌جویان دانشگاه‌های وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی در شهر تهران است. نمونه‌ی انتخابی، ۵۰۰ نفر از دانش‌جویان مقطع کارشناسی است، که از میان ۵ دانشگاه انتخابی، بر اساس آمار پذیرفته‌شده‌گان سال تحصیلی ۷۸-۷۷، با در نظر گرفتن نسبت دانش‌جویان دختر و پسر و ظرفیت پذیرش هر دانشگاه، دربرگیرنده‌ی ۱۵۸ مرد و ۲۴۷ زن است.

ابزار پژوهش، پرسش‌نامه‌ی سنجش علی منزلت هویت من (EOM-ELS2) است که در مورد دانش‌جویان ایرانی اجرا شده و ضریب اعتبار آن به دست آمده‌است. علاوه بر شاخص‌های آمار توصیفی مربوط به جنس، سن، رشته‌ی تحصیلی، دانشگاه، و محل دیپلم گرفتن، برای آزمون فرضیه‌های مربوط به رابطه‌ی جنسیت و سن با پایگاه‌های هویتی، آزمون مجذور کای دوطرفه در سطح ۵ به کار گرفته‌شد. برای آزمون فرضیه‌های مربوط به تفاوت و انواع هویت در هر یک از گروه‌های دختران و پسران به‌تنهایی، از آزمون مجذور کای یک‌طرفه استفاده شد.

تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده، میان جنسیت و انواع هویت، تفاوتی معنادار نشان نداد و فرضیات مبنی بر وجود اختلاف میان دختران و پسران، تأیید نشد. متغیرهای رشته‌ی تحصیلی، محل تحصیل و محل دیپلم گرفتن نیز، با انواع هویت، رابطه‌ئی معنادار نداشت. فرضیه‌ی مربوط به وجود رابطه میان سن و قرارگیری در منزلت‌های هویتی، تنها در حیطةی منزلت‌های هویتی درون‌فردی تأیید شد. افزون بر این، در مقطع سنی ۲۵ تا ۳۰، بیش‌ترین میزان هویت‌یافته‌گی نسبت به دو گروه دیگر وجود داشت.

میان هر یک از گروه‌های دختران و پسران، به تنهایی، تفاوت میان انواع هویت معنادار است. نکته‌ی مهم در هر دو گروه، بالا بودن درصد بحران‌زده‌گی در برابر سایر منزلت‌ها است. میزان هویت‌یافته‌گی نیز از درصد بالایی برخوردار نیست. در میان گروه مردان، میزان دنباله‌روی از دیگر هویت‌ها کم‌تر بود.

کلیدواژه‌ها

زنان؛ هویت؛ منزلت هویتی؛ سردرگمی؛ تبعیت‌جو؛ منزلت هویت بحران‌زده؛ منزلت هویت‌یافته؛

مقدمه

فرآیند کسب هویت که از دوران نوجوانی به طور مشخص نمود پیدا می‌کند، توجه بسیاری از محققان را به خود معطوف داشته‌است. از نظر اریکسون (۱۹۶۸) آنچه هویت من نامیده می‌شود، آن جنبه از من است که پس از ایجاد بحران روانی-اجتماعی گذار از کودکی به بزرگسالی به بررسی، انتخاب و وحدت بخشیدن به تصاویر خود، با توجه به فضای عقیدتی خاص دوره‌ی جوانی می‌پردازد (رحیمی نژاد، ۱۳۷۹).

بیشترین کوشش‌های انجام‌شده برای نتیجه‌گیری، توسعه و اعتبار تجربی مفهوم هویت من/اریکسون مربوط به حالات هویت است که توسط جیمز مارشیا (۱۹۸۰-۱۹۶۶) عنوان شده‌است.

مارشیا (۱۹۶۶)، بر پایه‌ی نظریه‌ی اریکسون، تحول هویت را بررسی و چهار منزلت هویتی مشخص کرده‌است: در بالاترین و پایین‌ترین سطح تحول، منزلت‌های «هویت‌یافته‌گی من» و «سردرگمی هویت»، و در میان این دو، منزلت‌های «دنباله‌روی» و «بحران‌زده‌گی» قرار دارد. این چهار حالت هویتی، مورد اعتبار تجربی، و در جایگاه‌های متنوع فرهنگی، رشد قبلی، ویژه‌گی‌های شخصیتی، سبک روابط بین‌فردی و سیر رشد، مورد بررسی قرار گرفته‌است (مارشیا، ۱۹۸۰). مصاحبه، روشی بود که مارشیا برای بررسی منزلت‌های هویتی در افراد استفاده می‌کرد. پس از آن، تلاش‌هایی برای سنجش عینی هویت من انجام شد که توسط آدامز و هم‌کارانش از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹، در پایان به تنظیم پرسش‌نامه‌ئی برای سنجش هویت من در دو حوزه‌ی مختلف انجامید.

حوزه‌ی نخست، هویت عقیدتی، شامل موضع‌گیری فرد در انتخاب شغل، فلسفه‌ی زنده‌گی، مذهب و امور سیاسی است. حوزه‌ی دوم، هویت بین‌شخصی است و به تنظیم رابطه‌ی فرد با دیگران در انتخاب دوست، تنظیم رفتار در برابر جنس مخالف، تصریح نقش همسری و انتخاب تفریحات توسط فرد را در بر می‌گیرد (آدامز و هم‌کاران، ۱۹۸۹).

بررسی تحول هویت من در دوران دانش‌جویی توسط *واترمن* و *واترمن* (۱۹۷۱)، *واترمن* (۱۹۷۴)، *لووینگر* و هم‌کاران (۱۹۸۵) بیان‌گر این مسئله است که بحران هویت در خلال دوران نوجوانی پایان نیافته و در دوران دانش‌جویی ادامه می‌یابد (همان).

تحقیقات فراوانی هم در این زمینه در خارج از ایران انجام شده‌است. در چند سال اخیر نیز، پژوهش‌هایی در کشورمان صورت گرفته که به دلیل در دسترس نبودن ابزار مناسب، بیش‌تر در زمینه‌ی هویت شغلی بوده‌است (فیض درگاه، ۱۳۷۴؛ حسینی، ۱۳۷۵).

پرسش‌نامه‌ی *سنجش عینی منزلت هویت من (EOM-ELS2)* که نخستین بار توسط آقای *رحیمی‌نژاد* (۱۳۷۹) به کار رفت، ابزاری مناسب برای بررسی هویت در حیطه‌های مختلف عقیدتی و بین‌فردی فراهم آورده‌است. پژوهش‌هایی که در ایران صورت گرفته، تا جایی که بررسی شد، مقایسه‌ئی میان دختران و پسران انجام نداده، بلکه این مقایسه، فقط در زمینه‌ی هویت شغلی بوده‌است.

پژوهش حاضر، تلاشی است برای مقایسه‌ی دختران و پسران دانش‌جو، با استفاده از پرسش‌نامه‌ی *سنجش عینی منزلت من*، و بررسی وضعیت قرارگیری دختران و پسران دانش‌جو در منزلت‌های مختلف هویتی.

پیشینه و ادبیات تحقیق

یکی از موضوعات اصلی نظریه‌ی *اریکسون*، *هویت من*^۱ و رشد آن است. هویت من، احساسی است که هوشیارانه تجربه می‌شود؛ احساسی که از تبادل فرد با واقعیت اجتماعی خویش برمی‌خیزد.

هویت من یک فرد، پیوسته در حال تبدیل و تغییر در پاسخ به تغییرات محیط اجتماعی است. اما، با وجود این تبدیل و تغییر، به دو بعد استمرار یا مداومت فرد در طی زمان، و احساس وحدت و این‌همانی فرد علی‌رغم گذشت

1. Ego Identity

زمان تأکید کرده‌است. /اریکسون معتقد است که ساخت و حفظ احساسی قوی از هویت من، بسیار مهم و از وظایف هر فرد در طول زنده‌گی است، و عدم ساخت چنین احساسی می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌های روانی باشد (اریکسون، ۱۹۷۴ و ۱۹۶۸؛ به نقل از کارور و شی‌یر، ۱۹۹۶).

بیش‌ترین کوشش‌های انجام‌شده برای نتیجه‌گیری، توسعه، و اعتبار تجربی مفهوم هویت خود /اریکسون، مربوط به طرح «حالات هویت» یا «منزلت‌های هویتی» است که توسط جیمز مارشیا (۱۹۸۰-۱۹۹۶) عنوان شد، و به بررسی رشد و هویت در طول دوران نوجوانی می‌پردازد. مارشیا با انطباق دو معیار بحران و تعهد با سه حوزه‌ی عملکرد کلی، یعنی شغل، مسلک و جنسیت افراد، روشی برای سنجش هویت من پدید آورده‌است (۱۹۶۶).

این چهار پایگاه منزلت عبارت است از: سردرگمی، دنباله‌روی، بحران‌زده‌گی و هویت‌یافته‌گی. وجود این پایگاه‌ها اثبات شده و تحقیقاتی هم درباره‌ی چه‌گونه‌گی ایجاد پایگاه‌ها و ارتباط‌های خاصی که با برخی مسائل، از جمله الگوهای تعادل خانواده‌گی و ویژه‌گی‌های شخصیتی دارد، انجام شده‌است.

تا مدت‌ها، شیوه‌ی مصاحبه‌ی مارشیا در سنجش هویت به کار رفت، اما این شیوه، به دلیل مسائلی خاص که همراه داشت، سنجش عینی منزلت‌های هویتی را ممکن نمی‌ساخت.

برای رفع این مشکل، نخستین پرسش‌نامه‌ی سنجش عینی هویت من^۱، در ۱۹۷۹، توسط آدامز^۲، شی^۳ و فیچ^۴، برای سنجش چهار منزلت هویتی سردرگم، دنباله‌رو، بحران‌زده و هویت‌یافته، در سه زمینه‌ی شغل، سیاست و مذهب ساخته‌شد. سپس، در ۱۹۸۴، با جداسازی دو جنبه‌ی عقیدتی و بین‌شخصی، پرسش‌نامه‌ی پیشین گسترش یافت^۵. این پرسش‌نامه هم، در ۱۹۸۶، با ۶۴ سؤال، دوباره بازنگری شد.

1. OM-EIS

2. Adams

3. Shai

4. Fitch, S. A.

5. EOM-EIS1 (The Extended Objective Measure of Ego Identity Status)

مطالعات انجام‌شده درباره‌ی ارتباط میان منزلت‌های هویتی مختلف با متغیرهای روان‌شناختی، نشان داده‌است که می‌توان تغییرات مهم روان‌شناختی را با استفاده از منزلت هویتی افراد نشان داد. برای نمونه، روابطی میان هویت‌یافته‌گی و حرمت خودِ بالا، اضطراب و افسردگی پایین، هدفمند بودن، هم‌کاری، ظرفیت صمیمیتِ بالا و تفکر انتزاعی به دست آمده‌است. در برابر، پژوهش‌هایی هم در مورد رابطه‌ی سردرگمی هویتی با برخی آسیب‌های روان‌شناختی و عدم برخورداری از سلامت روانی مناسب، انجام شده‌است (واترمن، ۱۹۹۲؛ به نقل از رحیمی‌نژاد). درباره‌ی پژوهش‌های انجام‌شده در رابطه با پایگاه‌های هویت در ایران، باید گفت که بیش‌تر پژوهش‌های انجام‌شده در سال‌های اخیر، به دلیل در دسترس نبودن ابزار مناسب، اغلب در زمینه‌ی هویت شغلی بوده‌است (فیض درگاه، ۱۳۷۴؛ حسینی، ۱۳۷۵).

اساساً، پیش از ۱۹۸۰، دستیابی به هویت در میان مردان و زنان، جداگانه بررسی می‌شد، زیرا گمان بر این بود که هر جنس به گونه‌ئی متفاوت به هویت دست می‌یابد. اما، از ۱۹۸۰، پژوهش‌ها به مطالعه‌ی مشترک هر دو جنس بیش‌تر توجه داشته، و افزون بر مطالعه و بررسی شباهت‌های میان دو جنس، به واگویی تفاوت‌های آن‌ها پرداخته‌اند:

آ- در مردان، هویت، بر جدایی و استقلال متمرکز است؛ اما در زنان، بر وابسته‌گی. هویت مردانه به وسیله‌ی تعلق تهدید می‌شود، ولی هویت زنانه به وسیله‌ی جدایی (براون^۱، ۱۹۸۷؛ اشتین‌برگ^۲، ۱۹۹۶).

از سوی دیگر، در یک دسته‌بندی از صفات، آن را به دو دسته‌ی صفات ابزاری و صفات بیان‌گر بخش‌بندی نموده‌اند. مطالعات نشان داده‌است که صفات ابزاری (استقلال و رقابت)، با حالات هویتی بالا (بحران و هویت‌یافته‌گی) در حوزه‌ی شغل برای هر دو جنس، در حوزه‌ی مذهب برای زنان، و در حوزه‌ی نقش جنسی برای زنان ارتباط داشته‌است. مطالعات دیگر، نشان‌دهنده‌ی وجود رابطه میان حالات هویتی بالا در حوزه‌های بین‌فردی و نقش جنسی، با

1. Browne
2. Steinberg

ویژه‌گی‌های بیان‌گر مهربانی و حساسیت در مردان، بوده‌است. هر چه فرد در سطوح بالاتر. ویژه‌گی‌های ابزاری و بیان‌گر باشد، در مراحل بالاتر. حالات هویتی قرار دارد (میشیگان، ۱۹۸۷).

ب- در تحقیقی برای بررسی تأثیر زمینه‌ی تاریخی بر تحول هویت و عوامل مؤثر بر آن، تغییراتی در طول یک دوره‌ی ۶ساله (۱۹۹۰-۱۹۸۴) دیده‌شده‌است.

بیش‌تر زنان و مردان، شغل را نخستین عامل مهم در تعریف خود عنوان کرده‌اند. مردان، مذهب و زنان، سیاست را کم‌ترین عامل مهم در تعریف خود دانسته‌اند. یافته‌ی دیگر کاهش اهمیت ارزش‌های نقش جنسی، افزایش اهمیت نقش شغل برای زنان، و افزایش حالت ممانعت در زنان را نشان داده‌است (جان کروگر، ۱۹۹۳).

ج- آنچه انواع مختلف حالات هویتی را از هم جدا می‌سازد، مسئله‌ی تعهد است. انسان معمولاً به چیزی تعهد می‌سپارد که نسبت به آن دانش و بینش داشته‌باشد و این دو نیز از آگاهی و تجربه سرچشمه می‌گیرد. قاعدتاً، هر چه دانش و بینش انسان به چیزی بیش‌تر باشد، در تعهد خود استوارتر است. با توجه به این نکته، این سؤال مطرح می‌شود که اگر بخواهیم به کمک پرسش‌نامه‌ی سنجش عینی منزلت هویت من، به بررسی و مقایسه‌ی وضعیت دختران و پسران دانش‌جو بپردازیم، آیا تفاوت یا تفاوت‌های معنادار بین این دو گروه خواهیم یافت؟ و آیا اساساً تفاوت معناداری وجود دارد یا نه؟

باید یادآور شویم که پژوهش‌های انجام‌شده، تفاوت‌های معناداری در توزیع حالات هویتی میان زنان و مردان نشان نداده‌است. گفته‌شده که تفاوت‌های جنسیتی، در برخی موارد در شکل‌گیری هویت اثر می‌گذارد؛ مثلاً به خاطر برخی شرایط فرهنگی و ... ممکن است شکل‌گیری هویت در دختران دردناک‌تر از پسران باشد، یا شکل‌گیری منزلت هویت‌یافته‌گی دختران و پسران متفاوت باشد.

بر پایه‌ی مفاهیمی که از تفاوت‌های میان زنان و مردان در جریان شکل‌گیری هویت، شناخته شده، و از آن‌جا که در ایران مقایسه‌ی میان دختران و پسران دانش‌جو با توجه به پرسش‌نامه‌ی EOM-EIS2 انجام نشده‌است، به طرح فرضیات و آزمون آن‌ها می‌پردازیم.

بیان فرضیه‌های پژوهش

۱- میان منزلت هویتی افراد و سن آنان رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.
 ۲- جنسیت افراد بر تحول منزلت هویتی افراد تأثیر مستقیم دارد.
 جامعه‌ی آماری پژوهش، تمامی دانش‌جویان دختر و پسر مقطع کارشناسی از دانشگاه‌های وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی در شهر تهران است. برای بررسی پایگاه هویتی افراد از پرسش‌نامه‌ی EOM-EIS2 استفاده شد. نخستین پرسش‌نامه‌ی سنجش عینی هویت من OM-EIS در ۱۹۷۹ توسط آدامز، شی و فیچ برای سنجش ۴ منزلت هویتی (سردرگم، دنباله‌رو، بحران‌زده و هویت‌یافته)، در سه زمینه‌ی شغل، سیاست و مذهب ساخته‌شد. شمار پرسش‌ها، با توجه به طراحی ۲ سؤال در هر زمینه، در جمع، ۶ سؤال برای هر منزلت هویتی و ۲۴ سؤال برای پرسش‌نامه‌ی سنجش عینی هویت است (رحیمی نژاد، ۱۳۷۹).

متغیر مستقل در این پژوهش، سن و جنسیت، و متغیر وابسته، پایگاه‌های هویتی است.

از شاخص‌های آمار توصیفی، برای تعیین درصد و فراوانی، هم در مورد متغیرها و هم در مورد انواع پایگاه‌های هویتی در میان دختران و پسران استفاده شده‌است.

برای بررسی روابط بین متغیرها و انواع پایگاه‌های هویتی، آزمون مجذور کای دوطرفه در سطح معناداری $\alpha = 0/05$ و برای آزمون معنادار بودن تفاوت در انواع هویت در میان گروه دختران و گروه پسران به طور جداگانه، آزمون مجذور کای یک‌طرفه به کار گرفته‌شد.

یافته‌های تحقیق

در جدول ۱، نتایج آزمون مجذور کای دوطرفه، در مورد تفاوت میان دانش‌جویان مقاطع سنی مختلف از نظر انواع هویت درون‌فردی آمده‌است. بر اساس داده‌های این جدول، چون مقدار کای به‌دست‌آمده ($\chi^2 = ۱۲/۱۰۴$) با درجه‌ی آزادی ۶ تقریباً با مقدار مجذور کای جدول (۱۲/۵۹) برابر است، بنابراین فرض صفر تأیید نشده و در بین دانش‌جویان مقاطع سنی مختلف از نظر هویت درون‌فردی تفاوت وجود دارد.

جدول ۱- آزمون مجذور کای دوطرفه
برای سنجش رابطه‌ی سن و انواع هویت درون‌فردی

مجموع	هویت‌یافته‌گی درون‌فردی	بحران‌زده‌گی درون‌فردی	دنباله‌روی درون‌فردی	سردرگمی درون‌فردی	انواع هویت مقاطع سنی
۱۶۶	۲۰	۱۰۸	۲۱	۱۷	۱۷ تا ۲۰
%۴۳/۱	%۱۲/۰	%۶۵/۱	%۱۲/۷	%۱۰/۲	
۱۸۶	۱۹	۱۰۷	۲۱	۳۹	۲۱ تا ۲۴
%۴۸/۳	%۱۰/۲	%۵۷/۵	%۱۱/۳	%۲۱/۰	
۲۳	۶	۱۶	۷	۴	۲۵ تا ۳۰
%۸/۶	%۱۸/۲	%۴۸/۵	%۲۱/۲	%۱۲/۱	
۳۸۵	۴۵	۲۳۱	۴۹	۶۰	مجموع
%۱۰۰/۰	%۱۱/۷	%۶۰/۰	%۱۲/۷	%۱۵/۶	

$$\chi^2 = ۱۲/۱۰۴۸۶$$

$$df = ۶$$

$$P < ۰/۰۵۹۶۷$$

$$\alpha = ۰/۰۵$$

در جدول ۲، نتایج آزمون مجذور کای دوطرفه، در مورد تفاوت میان دانش‌جویان مقاطع سنی مختلف از نظر انواع هویت بین‌فردی آمده‌است. بر اساس داده‌های این جدول، چون مقدار کای محاسبه‌شده ($\chi^2 = ۱۰۹/۴۸$) با درجه‌ی آزادی ۶ تقریباً با مقدار مجذور کای جدول (۱۲/۵۹) برابر است، پس

فرض صفر تأیید شده و در بین دانش‌جویان مقاطع سنی مختلف از نظر هویت بین‌فردی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۲- آزمون مجذور کای دوطرفه برای سنجش رابطه‌ی سن و انواع هویت بین‌فردی

انواع هویت / مقاطع سنی	سردرگمی بین‌فردی	دنباله‌روی بین‌فردی	بحران‌زده‌گی بین‌فردی	هویت‌یافته‌گی بین‌فردی	مجموع
۱۷ تا ۲۰	۲۴ ٪۱۴/۶	۲۱ ٪۱۲/۸	۱۰۳ ٪۶۲/۸	۱۶ ٪۹/۸	۱۶۴ ٪۴۲/۸
۲۱ تا ۲۴	۲۹ ٪۱۵/۶	۱۱ ٪۵/۹	۱۳۴ ٪۷۲/۰	۱۲ ٪۶/۵	۱۸۶ ٪۴۸/۶
۲۵ تا ۳۰	۴ ٪۱۲/۱	۳ ٪۹/۱	۲۰ ٪۶۰/۶	۶ ٪۱۸/۲	۳۳ ٪۸/۶
مجموع	۵۷ ٪۱۴/۹	۳۵ ٪۹/۱	۲۵۷ ٪۶۷/۱	۳۴ ٪۸/۹	۳۸۳ ٪۱۰۰/۰

$$\chi^2 = ۱۰۹/۴۸$$

$$df = ۶$$

$$P < ۰/۰۰۰۱$$

$$\alpha = ۰/۰۵$$

در جدول ۳، نتایج آزمون مجذور کای یک‌طرفه، در مورد دانش‌جویان مرد گروه نمونه، با توجه به انواع هویت درون‌فردی آمده‌است.

جدول ۳- آزمون مجذور کای یک‌طرفه بین انواع هویت درون‌فردی دانش‌جویان مرد

انواع هویت / شاخص‌های آماری	سردرگمی	دنباله‌روی	بحران‌زده‌گی	هویت‌یافته‌گی
فراوانی مشاهده‌شده	۲۸ ٪۱۷/۹	۱۶ ٪۱۰/۳	۹۵ ٪۶۰/۹	۱۷ ٪۱۰/۹
فراوانی مورد انتظار	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹
باقی‌مانده	-۱۱	-۲۳	۵۶	-۲۲

$$\chi^2 = ۱۰۹/۴۸$$

$$df = ۳$$

$$P < ۰/۰۹۸۲۱$$

$$\alpha = ۰/۰۵$$

بر اساس نتایج، چون مقدار مجذور کای محاسبه‌شده ($\chi^2 = ۱۰۹/۴۸$) با درجه‌ی آزادی ۳، از مقدار مجذور کای جدول (۷/۸۱) بزرگ‌تر است، بنابراین فرض صفر تأیید نشده و بین دانش‌جویان مرد از نظر قرار داشتن در انواع هویت درون‌فردی تفاوت معنادار وجود دارد.

در جدول ۴، نتایج آزمون مجذور کای یک‌طرفه، در مورد دانش‌جویان مرد گروه نمونه، با توجه به انواع هویت بین‌فردی آمده‌است. بر اساس این نتایج، چون مقدار مجذور کای محاسبه‌شده ($\chi^2 = ۱۳۳/۷۲۶$) با درجه‌ی آزادی ۳، از مقدار مجذور کای جدول (۷/۸۱) بزرگ‌تر است، بنابراین فرض صفر تأیید نشده و بین دانش‌جویان مرد از نظر قرار داشتن در انواع هویت بین‌فردی تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۴- آزمون مجذور کای یک‌طرفه
بین انواع هویت بین‌فردی دانش‌جویان مرد

انواع هویت / شاخص‌های آماری	سردرگمی	دنباله‌روی	بحران زده‌گی	هویت یافته‌گی
فراوانی مشاهده‌شده	۲۹	۱۲	۱۰۱	۱۵
	٪۱۸/۵	٪۷/۶	٪۶۴/۳	٪۹/۶
فراوانی مورد انتظار	۳۹/۲۵	۳۹/۲۵	۳۹/۲۵	۳۹/۲۵
باقی‌مانده	-۱۰/۲۵	-۲۷/۲۵	۶۱/۷۵	-۲۴/۲۵

$$\chi^2 = ۱۳۳/۷۲۶$$

$$df = ۳$$

$$P < ۰/۰۰۰۱$$

$$\alpha = ۰/۰۵$$

در جدول ۵، نتایج آزمون مجذور کای یک‌طرفه، در مورد دانش‌جویان زن گروه نمونه، با توجه به انواع هویت درون‌فردی آمده‌است. بر اساس این نتایج، چون مقدار مجذور کای محاسبه‌شده ($\chi^2 = ۱۶۴/۷۷۳$) با درجه‌ی آزادی ۳، از مقدار مجذور کای جدول (۷/۸۱) بزرگ‌تر است، بنابراین فرض صفر تأیید نشده و بین دانش‌جویان زن از نظر قرار داشتن در انواع هویت درون‌فردی تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۵- آزمون مجذور کای یک طرفه
بین انواع هویت درون فردی دانش جویان زن

انواع هویت / شاخص های آماری	سردرگمی	دنباله روی	بحران زده گی	هویت یافته گی
فراوانی مشاهده شده	۳۳	۳۶	۱۴۹	۲۹
	٪۱۳/۴	٪۱۴/۶	٪۶۰/۳	٪۱۱/۷
فراوانی مورد انتظار	۶۱/۷۵	۶۱/۷۵	۶۱/۷۵	۶۱/۷۵
باقی مانده	-۲۸/۷۵	-۲۵/۷۵	۸۷/۲۵	-۳۲/۷۵

$$\chi^2 = ۱۶۴/۷۷۳$$

$$df = ۳$$

$$P < ۰/۰۰۰۱$$

$$\alpha = ۰/۰۵$$

در جدول ۶ نتایج آزمون مجذور کای یک طرفه، در مورد دانش جویان زن گروه نمونه، با توجه به انواع هویت فردی آمده است. بر اساس این نتایج، چون مقدار مجذور کای محاسبه شده ($\chi^2 = ۲۵۸/۴۶۱$) با درجه ی آزادی ۳، از مقدار مجذور کای جدول (۷/۸۱) بزرگ تر است، بنابراین فرض صفر تأیید نشده و بین دانش جویان زن از نظر قرار داشتن در انواع هویت بین فردی تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۶- آزمون مجذور کای یک طرفه
بین انواع هویت بین فردی دانش جویان زن

انواع هویت / شاخص های آماری	سردرگمی	دنباله روی	بحران زده گی	هویت یافته گی
فراوانی مشاهده شده	۳۱	۲۴	۱۷۰	۲۰
	٪۱۲/۷	٪۹/۸	٪۶۹/۴	٪۸/۲
فراوانی مورد انتظار	۶۱/۷۵	۶۱/۷۵	۶۱/۷۵	۶۱/۷۵
باقی مانده	-۳۰/۷۵	-۳۷/۷۵	۱۰۸/۲۵	-۴۱/۷۵

$$\chi^2 = ۲۵۸/۴۶۱$$

$$df = ۳$$

$$P < ۰/۰۰۰۱$$

$$\alpha = ۰/۰۵$$

تحلیل نتایج پژوهش

۱- یافته‌های مربوط به رابطه‌ی جنسیت با پایگاه‌های هویتی

فرضیه‌ی ۱: درصد بیش‌تری از دختران نسبت به پسران در منزلت هویتی دنباله‌رو قرار دارند.

فرضیه‌ی ۲: درصد بیش‌تری از پسران نسبت به دختران در منزلت هویت‌یافته‌گی قرار دارند.

در رابطه با ۲ فرضیه‌ی بالا، نتایج به‌دست‌آمده از آزمون مجذور کای دوطرفه، در دو حوزه‌ی عقیدتی و بین‌فردی رابطه‌ئی بامعنا نشان نداد و بین جنسیت و قرارگیری در پایگاه‌های مختلف هویتی، رابطه‌ئی به دست نیامد. تحقیقات پیشین هم، عمدتاً نشان‌دهنده‌ی عدم تفاوت میان دختران و پسران بوده‌است.

روتمن (۱۹۷۷؛ نقل از حسینی، ۱۳۷۵) تحقیقی در مورد تفاوت میان زنان و مردان در هویت‌یابی و حل بحران‌های روانی-اجتماعی انجام داد. او دریافت که زنان و مردانی که در منزلت هویت‌یافته‌گی یا هویت موفق بودند، در حل اغلب بحران‌های روانی-اجتماعی تفاوت چندانی با هم نداشتند. در پژوهشی دیگر (طباطبایی، ۱۳۷۷)، بین دختران و پسران در رسیدن به پایگاه‌های هویت، تفاوت معناداری به دست نیامد.

مارشیا و فریدمن (۱۹۷۰)، اشاره کرده‌اند که آزمودنی‌های پسر در هویت موفق هویت‌یافته‌گی و دیررس بحران‌زده‌گی شباهت دارند؛ و دختران در هویت موفق و زودرس دنباله‌رو بیش‌تر شبیه‌اند. اما در مجموع، تفاوت قابل ملاحظه‌ئی به نظر نمی‌رسد. اما در پژوهشی دیگری (فیض‌درگاه، ۱۳۷۴)، نشان داده‌شده که در دختران، هویت زودرس شبیه منتشر و دیررس شبیه موفق بوده‌است.

در تحقیق حسینی (۱۳۷۵)، بین دانش‌جویان دختر و پسر از لحاظ رسیدن به هویت شغلی موفق، تفاوت معناداری به دست نیامد. اما مقایسه‌ی دو گروه نشان داد که در هویت شغلی موفق میانگین دانش‌جویان پسر بیش‌تر از دختران است.

ب- رابطه‌ی سن و انواع پایگاه‌های هویتی

فرضیه‌ی ۴: بین سن و انواع پایگاه‌های هویتی رابطه وجود دارد.

نتایج به‌دست‌آمده در حوزه‌ی هویت درون‌فردی نشان‌گر رابطه‌ی بامعنا بود و در حیطه‌ی بین‌فردی، رابطه‌ی به دست نداد.

وایزرز، باروکس و موسن‌بک (۱۹۹۴)، با استفاده از مقیاس ارزش‌یابی سبک‌های هویت بر اساس مصاحبه‌ی مارشیا، سطوح چهارگانه‌ی هویتی را در ۱۹۷ نوجوان بررسی کردند. روند هویت، با گذشت زمان و عامل رشد مرتبط است. در سنین بالاتر، هویت موفق بین افراد بیش‌تر دیده‌می‌شود.

هاسن در تحقیق خود (۱۹۹۳) مشاهده کرد که زنان با الگوی هویتی موفق زودرس در سال‌های میانی بیش‌ترین فراوانی را داشتند.

فقط ۱۵ درصد از دانش‌آموزان مقطع دبیرستان دارای هویت شغلی موفق هستند؛ در حالی که در پایان دانشگاه این مقدار به ۳۹/۷ درصد می‌رسد. در ایران هم در پژوهشی (فیض درگاه، ۱۳۷۴) نشان داده‌شده که در دبیرستان ۱۷ درصد هویت شغلی موفق وجود داشته، در صورتی که در تحقیقی دیگر (حسینی، ۱۳۷۵) در مورد دانش‌جویان به ۲۶ درصد افزایش یافته‌است.

در پژوهشی دیگری (طباطبایی، ۱۳۷۷) در دبیرستان، هویت موفق ۸/۴۷ درصد بوده که در سال‌های آغاز دانشگاه به ۱۳/۰۷ درصد افزایش یافته‌است.

هویت معشوش، وضعیت معکوس داشته‌است. میزان آن از ۲۷/۵۶ درصد در آخر نوجوانی، به ۱۸/۷۲ درصد در آغاز جوانی کاهش یافته‌است. در تحقیق و/ترمن (۱۹۸۵)، هویت زودرس و منتشر، رشد معکوس خود را از ۳۶ درصد و

۲۹ درصد به ۲۶ درصد و ۲۳ درصد نشان می‌دهد. در تحقیق فیض درگاه و حسینی در ایران نیز، کاهش هویت مغشوش را از ۳۶ درصد به ۳۴ درصد مشاهده می‌کنیم.

در تحقیق حاضر هم، بیش‌ترین میزان هویت‌یافته‌گی در مقطع سنی ۲۵ تا ۳۰ دارای بیش‌ترین فراوانی است. به عبارتی، در رابطه با منزلت سردرگمی، ابتدا افزایش و سپس کاهش فراوانی داشته‌ایم. این یافته‌ها در زمینه‌ی دنباله‌روی، نخست کاهش و سپس افزایش نشان داده، به طوری که بیش‌ترین میزان دنباله‌روی در مقطع سنی ۲۵ تا ۳۰ بوده‌است.

در زمینه‌ی بحران‌زده‌گی، با افزایش سن، کاهش فراوانی داشته‌ایم. ولی در هر سه گروه سنی، بحران‌زده‌گی بیش‌ترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌است. این مسئله که با افزایش سن، کاهش بحران‌زده‌گی داشته‌باشیم، منطقی به نظر می‌رسد، چون به هر حال با افزایش سن، فرد به احتمال زیاد به بسیاری از سوالات اساسی خود ناگزیر باید پاسخ بدهد تا بتواند مسئولیت‌های زنده‌گی را بر عهده گیرد؛ ولی این که حتی در مقطع سنی ۲۵ تا ۳۰ بیش‌ترین فراوانی مربوط به بحران‌زده‌گی است، برآمده از نیاز روزافزون جوانان امروز به کسب هویت و به تأخیر افتادن شرایط زمینه‌ساز آن است.

بحث و نتیجه‌گیری

رشد هویت زنانه را بیش‌تر بر اساس وابسته‌گی و تعلق، و در مورد پسران، بر اساس استقلال و رقابت دانسته‌اند. دختران هویت‌شان را پیرامون روابط اجتماعی، شکل می‌دهند. روابط عاطفی آن‌ها با خانواده و اطرافیان بیش‌تر و محکم‌تر است؛ از این رو، بیش‌تر پذیرای آرا و تصمیم‌های خانواده و اطرافیان هستند.

از سوی دیگر، در پژوهش حسینی (۱۳۷۵)، تفاوت فاحشی میان عزت نفس دختران و پسران دیده‌شد. در هر سن، پسران نمرات بالاتری به دست

می‌آورند. دخترانی که عزت نفس بالا داشتند، دوست داشتند با دیگران ارتباط داشته باشند و ابراز صمیمیت می‌کردند؛ در حالی که پسران با عزت نفس بالا، توجه‌شان به خودشان معطوف بود تا دیگران. بنابراین، اجتماعی شدن زنان بیش‌تر برای کنار آمدن با دیگران است، در حالی که، اجتماعی شدن مردان بیش‌تر برای پیش‌رفت می‌باشد.

بر اساس مفاهیم ارائه‌شده، به نظر رسید که منزلت **دنباله‌روی** در میان دانش‌جویان زن به طور معناداری بیش‌تر از مردان باشد، که این فرضیه مورد تأیید قرار نگرفت. علت آن را می‌توان شرایط کنونی جوامع دانست که در بسیاری از زمینه‌ها از جمله امکانات و شرایط تربیتی، تا حدی تفاوت‌های جنسیتی کم‌رنگ شده و این امر بر تفاوت‌های میان دختران و پسران تأثیرگذار بوده‌است.

البته علی‌رغم این که تفاوت معناداری بین دو گروه به دست نیامد، اما با نگرش به نسبت‌ها ملاحظه می‌شود که تعداد بیش‌تری از دختران نسبت به پسران در منزلت **دنباله‌روی** قرار دارند (۱۴/۵ درصد در برابر ۱۰/۲ درصد).

از جمله تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده، تحقیق حسینی (۱۳۷۵) است که در آن، هویت شغلی منتشر (منزلت سردرگمی) در هر دو گروه دختران و پسران، دارای بیش‌ترین فراوانی بوده و هویت شغلی منتشر، در دانش‌جویان پسر با فراوانی بیش‌تری همراه بوده‌است. علت افزایش فراوانی هویت منتشر در مردان، می‌تواند اهمیت بیش‌تر شغل برای آنان باشد و این که دستیابی به شغل مناسب با توجه به شرایط جامعه‌ی ما کار چندان ساده‌ئی نیست.

در پژوهش حاضر، هر چند بیش‌ترین میزان فراوانی در هر دو گروه مربوط به منزلت **بحران‌زده‌گی** بوده، اما منزلت سردرگمی در پسران بیش از دختران بوده‌است (۱۳/۳ درصد در برابر ۱۸/۴ درصد).

هویت‌یافته‌گی در کمترین میزان فراوانی نسبت به سایر منزلت‌ها قرار گرفته‌است. تنها تفاوت موجود میان زنان و مردان در این زمینه، این است

که در زنان، هویت‌یافته‌گی از نظر فراوانی در آخرین رتبه قرار گرفته، یعنی نسبت به سایر منزلت‌ها از فراوانی کم‌تری برخوردار است؛ اما در مردان، در مرتبه‌ی سوم قرار گرفته و فراوانی آن بیش از دنباله‌روی است که به معنای تأیید تفاوت رشد هویت در مردان و زنان (استقلال - وابسته‌گی) می‌باشد.

در تحقیقاتی که توسط *مارشیا* در مورد دانش‌جویان انجام شد، منزلت‌های هویتی سردرگم و بحران‌زده بیش‌تر دیده‌شده‌است تا منزلت‌های هویتی دنباله‌روی و هویت‌یافته‌گی.

در تحقیق حسینی (۱۳۷۵) نیز، در هویت شغلی موفق هویت‌یافته‌گی، میانگین دانش‌جویان پسر بیش از دختران است.

آرشر (۱۹۹۲)، بیان داشته که فرآیند شکل‌گیری هویت شغلی، برای زنان مشکل است، زیرا آنان موانع بیرونی زیادی برای پیش‌رفت سر راه خود می‌بینند. یک حیطة‌ی عمده در این زمینه تقدم و برتری شغل-خانواده است. مردان، اغلب بین شغل و مسائل خانواده‌گی ارتباط نمی‌بینند. آنها تسهیل شرایط برای پیش‌رفت همسر، نگه‌داری از فرزند و ... را در نظر ندارند. در حالی که این موضوع، تعارضی ویژه در دختران ایجاد می‌کند. گر چه درصد زیادی از زنان وارد بازار کار شده‌اند، اما اغلب، این اشتغالات ذهنی را دارند. چون زنان مسئولیت مالی خانواده را کم‌تر بر عهده دارند و جامعه نیز از ایجاد ساختاری که به آنها کمک کند تا با این مسائل دشوار روبرو شوند کوتاهی می‌کند، سعی در انتخاب مشاغلی دارند که به آنان اجازه دهد فرصتی بیش‌تر برای رسیده‌گی به فعالیت‌های خانواده داشته باشند.

عامل دیگر در مورد زنان، ترس است. تحقیقات کینزل نشان داده که ترس از شکست، بهترین عامل برای پیش‌رفت شغلی-تحصیلی در دختران است. از عمده‌ترین عوامل پدیدآورنده‌ی این ترس، همان تقدم و تأخر شغل-خانواده است که به آن اشاره شد. این مشکل در همه‌ی جوامع وجود دارد، ولی در جامعه‌ی ما به دلیل قوی‌تر بودن پیوسته‌گی‌های عاطفی و سنتی و پذیرش

تأهل، جو آرام و منضبط خانواده‌گی به عنوان ملاک درجه‌بندی ارزش برای زنان، مشهودتر است.

بحران‌زده‌گی در هر دو جنس، در بالاترین میزان فراوانی نسبت به سه منزلت دیگر است. فرانکنشتین^۱ (۱۹۶۰)، بیان داشته که منزلت بحران‌زده‌گی پدیده‌ی طبقه‌ی متوسط بوده و تنها در فرهنگ و جامعه‌ی غرب دیده می‌شود. کودکی که با فقر رشد می‌کند و فردی که در فرهنگ شرق تربیت می‌شود نمی‌تواند این هویت را تجربه کند. در چنین موقعیت‌هایی، نوجوانی ادامه‌ی کودکی و ورود به بزرگسالی نیست؛ افراد فرصتی برای بررسی مشاغل ندارند و پیش از این که در جست‌وجوی هویت شغلی باشند، بزرگسالی و به دنبال آن، تأمین نیازهای مادی آنان را در بر می‌گیرد.

این گفته ممکن است در دهه‌ی ۶۰ تا حدی درست بوده‌باشد، ولی پژوهش حاضر و پژوهش دیگر انجام‌شده نشان‌گر این است که نه تنها بحران‌زده‌گی وجود دارد، بلکه در بالاترین میزان نسبت به سایر منزلت‌ها است.

بررسی علل بالا بودن میزان بحران‌زده‌گی و کاهش هویت‌یافته‌گی

در تفسیر درصدهای قابل توجه بحران‌زده‌گی، میوس (۱۹۹۶) با اشاره به دیدگاه مارشیا، بیان کرده‌است که تعلق به گروه بحران‌زده و هویت‌یافته، به معنای فاصله گرفتن از کودکی و قرارگیری در سطح بزرگسالی است؛ به‌ویژه که ورود به بحران‌زده‌گی را می‌توان پیش‌درآمد ورود به هویت‌یافته‌گی دانست، اما نباید این را هم از نظر دور داشت که درصد زیادی از بحران‌زده‌گی، گویای عدم موفقیت در حل بحران هویت و ورود به هویت‌یافته‌گی، و در واقع، نوعی رکود در تحول هویت من است.

اریکسون (۱۹۶۸) بیان داشته که خطر اصلی، تداوم مهلت‌خواهی، عدم تصمیم‌گیری در زمینه‌های مهم و دست نیافتن به ظرفیت‌ها و توان‌مندی‌های روان‌شناختی خود است. تداوم این منزلت، سلامت روانی فرد را تهدید کرده و

موجب بروز واکنش‌های بیمارگونه می‌شود. اغلب، مشکل پراکنده‌گی نقش بر اساس تردیدهای جدی در زمینه‌ی هویت جنسی در زمینه‌های بزه‌کاری در سابقه‌ی نوجوانان گزارش شده‌است. عدم حل تعارض‌های مراحل قبلی می‌تواند به عنوان عاملی مؤثر، تشدیدکننده‌ی پراکنده‌گی نقش به جای هویت‌یابی باشد. در برخی از تحقیقات انجام‌شده، افراد در منزلت بحران‌زده‌گی از بالاترین میزان اضطراب نسبت به سایر منزلت‌ها برخوردار اند. حسینی (۱۳۷۵) در بررسی میزان افسرده‌گی در هویت‌های چهارگانه، نشان می‌دهد که گرچه فقط تفاوت موجود بین میزان افسرده‌گی منتشر و موفق معنادار است، اما تفاوت میانگین افسرده‌گی در هویت‌های دیررس و زودرس نیز، فاصله‌ی چندانی با هویت منتشر ندارد. گفت‌وگو با دانش‌جویان نیز، نشان داد که صرف نظر از انواع هویت، آن‌ها اغلب نگران آینده و اوضاع اجتماعی-اقتصادی هستند.

از سوی دیگر، در برخی مطالعات به نقش هویت مذهبی و هویت قومی و ملی اشاره شده‌است. در پژوهش رحیمی‌نژاد (۱۳۷۹)، نفی هویت مذهبی و نفی هویت ملی، که بیان‌گر طرد فرهنگ خودی است با دو منزلت هویتی-سردرگمی و بحران‌زده‌گی هم‌بسته‌گی مثبت، با حالت اضطراب هم‌بسته‌گی مثبت، و با حرمت به خود هم‌بسته‌گی منفی دارد. کاهش میانگین هویت مذهبی در دانش‌جویان سال چهارم نیز، در پژوهش ذکرشده به دست آمده‌است. بسیاری از نویسندگان و محققان نیز به نقش مذهب و هویت قومی در مفهوم خود و کنش‌وری روان‌شناختی افراد اشاره کرده‌اند. مذهب به افراد کمک می‌کند تا بتوانند به سوالات خود در مورد چه‌گونه‌گی راه‌بردهای اساسی زنده‌گی به پاسخی روشن برسند.

پژوهش مارک ایشتروم، آدامز و هم‌کاران (۱۹۹۴)، نشان‌گر هم‌بسته‌گی مثبت بین شرکت در مراسم کلیسا و هویت‌یافته‌گی و دنباله‌روی بوده‌است. فولتن (۱۹۹۷) نیز، رابطه‌ی مثبت جهت‌گیری درونی مذهبی و هویت‌یافته‌گی، و رابطه‌ی منفی جهت‌گیری درونی مذهبی و بحران‌زده‌گی و سردرگمی را نشان داده‌است.

هویت ملی یا قومی، به معنای میزان تعلق یک شهروند به نهادهای اجتماعی، به عنوان عناصر ارزشمند مهم یک نظام ملی و اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. عوامل فرهنگی در منزلت هویتی اثر می‌گذارد و منزلت هویتی نیز به نوبه‌ی خود، در حرمت خود و اضطراب که می‌توان آن‌ها را در شمار شاخص‌های سلامت روانی در نظر گرفت، مؤثر است.

طبق تحقیق رحیمی‌نژاد (۱۳۷۹)، با افزایش سال‌های تحصیل در دانشگاه، میزان مذهبی بودن دانشجویان افزوده نمی‌شود و حتی کاهش معنادار در میزان مذهبی بودن دانشجویان سال چهارم نسبت به سال‌های اول و دوم دیده شده است. تحصیل در دانشگاه بر افزایش یا کاهش هویت ملی تأثیری نداشته است. در واقع، به نظر می‌رسد که دو عامل مهم در هویت‌یافته‌گی که همان هویت مذهبی و ملی است، در فرآیند هویت‌یابی جوانان دانش‌جو کم‌رنگ است.

از دیگر عوامل مؤثر بر هویت، زمینه‌ی تاریخی است. مطالعات مارشیا (۱۹۸۹) تأثیر تغییرات تاریخی، اقتصادی و سیاسی را در عادات و سنت‌ها و افزایش هویت سردرگمی مؤثر دانسته است.

در پژوهش حاضر هم دیده شد که پس از بحران زده‌گی، بیش‌ترین فراوانی از آن سردرگمی است. همچنین، در پژوهشی دیگر (حسینی، ۱۳۷۵)، هویت شغلی منتشر سردرگم دارای بیش‌ترین فراوانی بوده است. در شرایط جامعه‌ی ما که جامعه‌ئی در حال توسعه است، میزان بالای منزلت سردرگمی پس از بحران زده‌گی توجیه‌پذیر است.

کروگر، به رابطه‌ی سردرگمی هویتی و حرمت به خود پایین، استقلال پایین، پایین بودن سطح قضاوت اخلاقی (اخلاق پیش از قراردادی یا قراردادی)، استفاده از سبک‌های شناختی کم‌تر پیچیده در مقایسه با بحران زده‌گی و هویت‌یافته‌گی، سطح بالای ناامیدی، فاصله گرفتن از دیگران و انزوای اشاره می‌کند. با توجه به این که برخورداری از حرمت خود بالا و اضطراب پایین به عنوان دو شاخص مهم سلامت روانی مطرح است، مسئله‌ی

آسیب‌پذیر بودن گروه قرارگرفته در منزلت سردرگمی، که پس از بحران‌زده‌گی بیش‌ترین فراوانی را در نمونه‌ی پژوهش داشته، (بیش از ۱۴ درصد) قابل توجه است.

در تحقیق رحیمی‌نژاد (۱۳۷۹) نیز، افزایش سردرگمی در دانش‌جویان سال دوم و چهارم، نسبت به دانش‌جویان سال اول و سوم مشخص است. علاوه بر این، در پژوهش یادشده، بیش‌ترین میزان اضطراب در گروه سردرگم به دست آمد که به طور معناداری از منزلت‌های دیگر بیش‌تر بوده‌است. هویت‌یافته‌گی در کم‌ترین میزان نسبت به سه منزلت دیگر در گروه نمونه، به چشم می‌خورد (۱۱/۴ درصد). تحقیقات دیگری هم‌چون تحقیقات مارشیا نیز نشان داده بود که دانش‌جویان بیش‌تر در هویت سردرگم و بحران‌زده قرار دارند تا هویت دنباله‌رو و کسب هویت.

در تحقیق رحیمی‌نژاد (۱۳۷۹)، بین افزایش سال‌های تحصیل و افزایش هویت‌یافته‌گی رابطه‌ئی به دست نیامد. از سوی دیگر، میان هویت‌یافته‌گی با حرمت به خود، اضطراب و افسرده‌گی ضعیف، هدفمند بودن هم‌کاری و کمک به دیگران، صمیمیت فراتر در برخی جنبه‌های تفکر انتزاعی، رابطه‌ئی به دست آمد.

با توجه به اهمیت حرمت خود، در سلامت درونی و کنش‌وری بهینه‌ی سازمان روانی فرد، مطالعات مختلفی برای بررسی رابطه‌ی منزلت‌های هویتی چهارگانه و حرمت انجام شده‌است.

کابین، در مطالعه‌ئی درباره‌ی دانش‌جویان، به توصیف توان‌مندی بیش‌تر دانش‌جویان دارای سطح بالای هویت من، هنگام قرارگیری در موقعیت‌های مهم اجتماعی، در مقایسه با دانش‌جویان دارای سطح پایین‌تر هویت من اشاره کرده‌است.

از آنچه گفته‌شد، این نکته به دست می‌آید که هویت در کنار سایر استعدادها و فاکتورهای هوشی، در کسب موفقیت دخالت دارد و حتا بدون آن شاید بتوان گفت که سلامت و رضایت زنده‌گی کامل نیست. علی‌رغم نقش

مهمی که هویت‌یافته‌گی در سلامت و شخصیت افراد دارد، دیده‌شد که با میزان مناسبی از فراوانی این منزلت روبه‌رو نیستیم. البته این احتمال نیز وجود دارد که تعدادی از افرادی که در منزلت بحران‌زده‌گی قرار دارند به منزلت هویت‌یافته‌گی برسند. اما این که چرا میزان هویت‌یافته‌گی پایین است، نیاز به بررسی و تعمق دارد. از جمله عوامل مهم، می‌توان به نبود شرایط زمینه‌ساز این منزلت اشاره کرد. مهم‌تر از همه، این که در جهان امروز، شرایط متحول شده‌است و اساساً دستیابی به زمینه‌هایی که به هویت‌یافته‌گی کمک کند با تأخیر بیش‌تری صورت می‌گیرد.

منابع

- ۱- احدی، حسن؛ محسنی، نیک‌چهره. ۱۳۷۸. روان‌شناسی رشد. تهران، شرکت پردیس.
- ۲- ماسن، پاول هنری و دیگران. ۱۳۷۰. رشد شخصیت کودک. ترجمه‌ی مهشید یاسایی. تهران، نشر مرکز.
- ۳- محسنی، نیک‌چهره. ۱۳۷۵. ادراک خود از کودکی تا بزرگسالی. تهران، انتشارات بعثت.
- ۴- برجعلی، احمد. ۱۳۸۰. تحول شخصیت در نوجوان. تهران، انتشارات ورای دانش.
- ۵- شی‌یر، مایکل؛ کارور، چارلز. ۱۳۷۵. نظریه‌های شخصیت. ترجمه‌ی احمد رضوانی. مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۶- سیف نراقی، مریم؛ نادری، عزت‌الله. ۱۳۷۰. روش‌های تحقیق و چه‌گونه‌گی ارزش‌یابی آن در علوم انسانی. تهران، انتشارات بدر.
- ۷- ایزک، استفان. ۱۳۷۶. راهنمای تحقیق و ارزش‌یابی در روان‌شناسی و علوم تربیتی. ترجمه‌ی علی دلاور. تهران، ارسباران.
- ۸- دلاور، علی. ۱۳۷۶. مبانی نظری-عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران، انتشارات رشد.
- ۹- دلاور، علی. ۱۳۷۸. احتمالات و آمار کاربردی در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران، انتشارات رشد.
- ۱۰- کوهن، لوئیس؛ هالیدی، میشل. ۱۳۷۸. آمار در علوم تربیتی و تربیت بدنی. ترجمه‌ی علی دلاور. تهران، انتشارات رشد.
- ۱۱- اتکینسون، ریتال و دیگران. ۱۳۶۹. زمینه‌ی روان‌شناسی. جلد اول. ترجمه‌ی رضا براهنی و دیگران. تهران، انتشارات رشد.
- ۱۲- کاپلان، سادوک. ۱۳۷۲. خلاصه‌ی روان‌پزشکی. جلد چهارم. ترجمه‌ی نصرت‌الله پورافکاری. تبریز، انتشارات ذوقی.
- ۱۳- آزاد، حسین. ۱۳۷۲. آسیب‌شناسی روانی ۱. تهران، انتشارات بعثت.
- ۱۴- رحیمی‌نژاد، عباس. ۱۳۷۹. بررسی تحولی هویت و رابطه‌ی آن با حرمت خود و حالت اضطراب در دانشجویان دوره‌ی کارشناسی. پایان‌نامه‌ی دکترا. دانشگاه تربیت مدرس.

- ۱۵- فیض درگاه، لیلا. ۱۳۷۴. بررسی رشد هویت در دختران نوجوان با تأکید بر هویت شغلی در اواخر نوجوانی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا.
- ۱۶- حسینی، فوزیه. ۱۳۷۴. بررسی ارتباط بین پایگاه‌های هویت و سبک‌های مقابله با بحران در نوجوانان و جوانان مشهد. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا.
- ۱۷- حسینی، منیر. ۱۳۷۵. بررسی هویت با تأکید بر هویت شغلی و ارتباط آن با افسردگی در دانش‌جویان پزشکی و فنی-مهندسی دانشگاه رازی و علوم پزشکی کرمانشاه. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا.

- 18- *Aura, G. de Haan*. 1988. "The Relation of Individual and Family Factors to the Psychological Well-being of Junior High School Student Living in Urban Poverty". **Adolescence**. Spring 1988.
- 19- *Krueger, Jane*. 1993. "The Role of Historical Content in the Identity Formation Process of Late Adolescence". **Youth & Society**. June 1993. Vol. 24.
- 20- *Markstorm, Adams, Coral and Melanie Smith*. 1996. "Identity Formation and Religious Orientation among High School Students, from the United States and Canada". **Journal of Adolescence**. Vol. 19. pp. 247-261.
- 21- *Ringer, Mark David*. 1995. **The Relationship between Private Religious Behavior, Religious Identity and Self-esteem among Latter-day Saint Adolescents in the Context of Familial and Religious Socialization**. Ph.D. Thesis. Brigham Young University.
- 22- *Fulton, Robyn*. Ego Identity and Self-esteem in Biracial Young Adults". Pacific Union College.
- 23- *Steinberg*. 1996. **Adolescence: Change & Continuity**.
- 24- *Suterman, Jack Robert*. 1987. **Identity Status, Sex Role, and Gender Identity in Late Adolescent, Males and Females**. Ph.D. Thesis. The University of Michigan.
- 25- *Dollinger, Stephen and Stephanie; Clancy, M*. 1997. "Individuality and Identity Exploration". **Journal of Research in Personality**. Vol. 31. pp. 337-354.
- 26- *Purdie, Nola; Tripcony, Penny; ...* 2000. **Positive Self & Shy, Identity for Indigenous Students and its Relationship to School Outcomes**. Queensland University of Technology. July.
- 27- *Muus, R*. 1996. **Theories of Adolescence**. McGraw Hill, New York. pp. 73-75.
- 28- *Steinberg, L*. 1996. **Adolescence**. Edition McGraw Hill, New York. pp. 319-321.

مریم صدارتی*

بررسی میزان اضطراب رقابتی دانش‌جویان دختر در مسابقات قهرمانی

* مربی و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه الزهرا
MaryamSedarati@yahoo.com

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی میزان اضطراب رقابتی دانشجویان دختر شرکت‌کننده در ششمین المپیاد فرهنگی-ورزشی دختران دانشجوی سراسر کشور در سال ۱۳۸۱ در رشته‌های ورزشی انفرادی و گروهی است. آزمودنی‌های تحقیق، ۵۷۳ دانشجوی دختر ورزش‌کار در رشته‌های انفرادی (دو و میدانی، تنیس روی میز، شترنج) و گروهی (بسکت‌بال، والی‌بال، هندبال) دانشگاه‌های مختلف شرکت‌کننده در المپیاد بودند. نتایج این پژوهش نشان داد که بیش‌ترین میانگین عامل شناختی و جسمانی اضطراب به ورزش‌کاران شترنج و کم‌ترین آن به ورزش‌کاران بسکت‌بال تعلق دارد. بیش‌ترین میانگین عامل اعتمادبه‌نفس در ورزش‌کاران والی‌بال و کم‌ترین آن در ورزش‌کاران شترنج دیده‌شد. علاوه بر این، بیش‌ترین میانگین اضطراب رقابتی در ورزش‌کاران شترنج و کم‌ترین آن در ورزش‌کاران بسکت‌بال دیده‌شد.

کلیدواژه‌ها

اضطراب؛ دانشجویان دختر؛ المپیاد فرهنگی ورزشی سراسر کشور؛ رشته‌ی انفرادی؛ رشته‌ی اجتماعی؛

مقدمه

روان‌شناسی ورزش، از زیرمجموعه‌های روان‌شناسی و شاخه‌های وابسته به تربیت بدنی و ورزش است که بیش از سه دهه از عمر آن نمی‌گذرد. از اصلی‌ترین محورهای مطرح‌شده در روان‌شناسی ورزش که در عمل‌کرد ورزش‌کاران، به‌ویژه در سطوح قهرمانی اثر می‌گذارد، میزان اضطراب قبل از مسابقه و اثر آن بر حالات روانی و مهارت‌های حرکتی ورزش‌کاران است (صنعت‌کاران، ۱۳۷۶).

عموماً ورزش‌کاران به دلایل مختلف از جمله اهمیت کسب موفقیت ورزشی و یا تفاوت میان توانایی‌های خود و قابلیت مورد نیاز اجرای ورزشی مضطرب می‌شوند که عموماً نیز به عنوان یک عامل منفی در عمل‌کرد آنان دخالت می‌کند. نتیجه‌ی تحقیقات بسیار، نشان از تأثیر هیجان و برانگیخته‌گی بر عمل‌کرد ورزش‌کاران دارد که این خود‌گویای اهمیت هیجان و به‌ویژه اضطراب است (مارتنز، ۱۳۷۲).

اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش بررسی میزان اضطراب رقابتی دانش‌جویان دختر شرکت‌کننده در ششمین دوره‌ی مسابقات قهرمانی دانشگاه‌های سراسر کشور در سال ۱۳۸۱ است.

اهداف اختصاصی پژوهش چنین است:

- تعیین میزان اضطراب رقابتی ورزش‌کاران هر یک از رشته‌های دو و میدانی، تنیس روی میز، شترنج، والی‌بال، هندبال، بسکت‌بال.
- تعیین میزان اضطراب رقابتی ورزش‌کاران رشته‌های انفرادی.
- تعیین میزان اضطراب رقابتی ورزش‌کاران رشته‌های گروهی.
- مقایسه‌ی میزان اضطراب رقابتی ورزش‌کاران رشته‌های مختلف.

بیان مسئله و ضرورت پژوهش

با توجه به گسترده‌گی ورزش دانشجویان سراسر کشور در رشته‌های مختلف انفرادی و گروهی، میزان اضطراب رقابتی در دانش‌جویان رشته‌های مختلف بررسی و نتایج آن از یک سو با یک‌دیگر و از سوی دیگر با نتایج تحقیقات مشابه در کشورهای پیشرفته به لحاظ ورزشی مقایسه می‌شود.

اثر اضطراب قبل از مسابقه بر حالات روانی و مهارت‌های ورزشی ورزش‌کاران، زمینه‌ئی اساسی در بررسی عمل‌کرد ورزش‌کاران است. ممکن است ورزش‌کاری از همه‌ی عوامل و امکانات فیزیکی مورد نیاز برای موفقیت در ورزش برخوردار و از نظر تکنیکی و تاکتیکی آموزش‌های لازم را دیده و وضعیت و آمادگی جسمانی لازم را داشته‌باشد، ولی نتواند بر فشارهای رقابتی در ورزش غلبه کند. تمرکز حواس، داشتن اعتمادبه‌نفس لازم، هدف‌چینی، تصمیم‌گیری سریع و پیش‌بینی‌های مناسب در برابر حرکات حریف از نیازهای کسب موفقیت در بسیاری از رشته‌های ورزشی است. به بیان دیگر، توان کنترل اضطراب و ایجاد آرامش روانی ممکن است قدرت و توانی فوق‌العاده به ورزش‌کار ببخشد و او را از نظر جسمانی آماده‌ی رویارویی با حریف سازد (هوشمند، ۱۳۶۸). علاوه بر این، بیش‌تر یافته‌های تحقیقات نشان می‌دهد ورزش‌کارانی که مهارت بیش‌تری دارند دارای اضطرابی کم‌تر هستند (فرخی، حکاک، ۱۳۷۹).

با توجه به مسابقات بین‌المللی ورزشی، درمی‌یابیم که نقش عوامل روانی در قابلیت‌های ورزشی بسیار مهم و قابل توجه است (Roberts, Dawnce, 2001). از این رو، جوامعی که همراه با افزایش قابلیت‌های جسمانی به ایجاد توانایی روانی ورزش‌کاران اهتمام می‌ورزند، هم در صحنه‌های رقابت بین‌المللی و هم در سالم‌سازی جامعه‌ی ورزشی خود موفقیت قابل ملاحظه‌ئی کسب کرده‌اند. در دهه‌ی اخیر، تحقیقات گسترده، رابطه‌ی منطقی بین اجرای مسابقه و سطح اضطراب حالتی ورزش‌کاران رشته‌های مختلف را نشان می‌دهد. با توجه

به پیش‌رفت ورزش قهرمانی زنان و عدم موفقیت زنان کشور در رقابت‌های بین‌المللی که در پاره‌ئی اوقات از تأثیر اضطراب و هیجان منفی ناشی می‌شود، انجام تحقیق در زمینه‌ی بررسی ورزش‌کاران زن در ارتباط با میزان اضطراب حالتی ضروری به نظر می‌رسد.

بررسی میزان اضطراب حالتی دانش‌جویان ورزش‌کار و مقایسه‌ی آن با میزان اضطراب دیگر ورزش‌کاران، زمینه‌ئی مناسب برای برنامه‌ریزی‌های لازم کوتاه‌مدت و بلندمدت برای آرام‌سازی روانی ورزش‌کاران فراهم خواهد کرد که می‌تواند در کاهش اضطراب به طور چشم‌گیری مؤثر باشد.

ادبیات موضوع

اضطراب یکی از حالات ناخوش‌آیند هیجانی است که میزان اندک آن در دستیابی به موفقیت مؤثر و بیش از حد آن مخرب است (۱۵). اضطراب در مقوله‌ی روان‌شناسی به احساس تشویش، ناراحتی، هیجان، فشار روحی یا وحشت اطلاق می‌شود (۱۷).

به طور کلی، می‌توان انواع اضطراب را چهار گونه دانست:

۱- **اضطراب متعادل:** این اضطراب معیاری مناسب برای کسب آگاهی افراد از حالت‌های مختلف خود است. برای ارزیابی اضطراب خود در برابر حوادث، باید به واکنش‌هایی که نشان می‌دهیم توجه کنیم. چنان‌چه این واکنش‌ها با میزان و شدت خطر متناسب باشد می‌توان گفت دارای اضطراب طبیعی هستیم. بنابراین، اضطراب متعادل برای داشتن یک شخصیت قوی ضروری است (Hammer; Burton, 1995).

۲- **اضطراب شدید:** به اعتقاد رولومی^۱، بر خلاف نوع متعادل، واکنشی است نامتناسب با خطری که انسان با آن روبه‌رو است، و با سازوکارهای دفاعی، تعارض‌ها و علائم غیرطبیعی همراه است (Prapavessis, 1996).

۳- اضطراب حالتی: این اضطراب در طول زمان دگرگون می‌شود و اضطرابی است ناپایدار که فرد آن را در یک لحظه‌ی معین تجربه می‌کند (Spielberger, 1972).

۴- اضطراب صفتی: این اضطراب یک ویژه‌گی شخصیتی ثابت است. افرادی که از این ویژه‌گی برخوردار اند، در معرض شرایط و موقعیت‌های تهدیدکننده‌ی بیش‌تر قرار دارند و پاسخ‌های فیزیولوژیکی شدید نشان می‌دهند (موریس، بال، ۱۳۷۳).

اشپیل‌برگر^۱ (۱۹۹۶) میان اضطراب صفتی و حالتی تمایز قائل است. به گفته‌ی کلانز^۲ (۱۹۸۷): اضطراب حالتی مانند انرژی جنبشی برای اضطراب صفتی، و اضطراب صفتی مانند انرژی پتانسیل با انرژی در دسترس برای عمل، هنگام رویارویی با یک محرک مناسب است (مارتنز^۳، ۱۹۹۰).

۵- اضطراب رقابتی: اضطرابی است که در موقعیت‌های رقابت‌جویانه‌ی ورزشی ایجاد می‌شود (۱۶). یکی از علل عمده‌ی ایجاد اضطراب رقابتی عوامل اجتماعی است. فشار مداوم ناشی از توقع والدین از یک ورزش‌کار جوان می‌تواند اضطراب زیادی تولید کند (شمشیری، ۱۳۷۳).

دوروتی و هاریس^۴ (۱۹۷۸) علل بروز اضطراب رقابتی را چنین می‌دانند:
- باورهای غیر واقعی از اجرایی معین در فردی که فکر می‌کند عمل‌کردی ضعیف خواهدداشت.

- اگر فرد حدس بزند که مضطرب خواهدشد.

- اجرای پائین‌تر از سطح انتظار در مسابقه‌ی قبلی.

- مشغولیت ذهنی فرد با فشارها، مصائب و مشکلات قبلی.

- اعتقاد به این‌که شخصیت افراد به اجرای مهارت ورزشی وابسته است.

کرو^۵ (۱۹۷۹) کسالت جسمی، ترس از شکست، احساس بی‌کفایتی، از دست

دادن کنترل و احساس گناه را عوامل بروز اضطراب پیش از رقابت می‌داند.

1. Spielberger

2. Clanse

3. Martenze

4. Dorothy and Harise

5. Kroll

برین^۱ (۱۹۸۹) سه عامل شخصی، عدم احساس امنیت، تنش زیاد و عدم احساس ثبات را در ایجاد اضطراب مؤثر می‌داند. معمولاً این اضطراب، دلهره‌ی پیش از رقابت و یا ناآرامی قبل از مسابقه نامیده، و به عنوان بخشی از رقابت پذیرفته می‌شود.

به طور کلی، ارتباط میان اضطراب و نحوه‌ی عمل‌کرد ورزش‌کار توسط نظریه‌های سائق (تحریک) و فرضیه‌ی **LI** و **ارونه** بیان می‌شود. بر پایه‌ی نظریه‌ی سائق که از کوشش‌های مشترک **هال**^۲ (۱۹۴۳) و اسپنس^۳ (۱۹۵۶) شکل گرفته، بین سطح اضطراب و اجرای ورزشی ارتباطی خطی وجود دارد؛ بدین معنا که با افزایش اضطراب، سطح عمل‌کرد متناسب با آن افزایش می‌یابد.

نظریه‌ی **LI** و **ارونه** که توسط **یرکیس** و **دلسون** ارائه شده به این معنا است که عمل‌کرد، هم‌زمان با حالت برانگیخته‌گی تسهیل می‌شود و تا سطح مطلوب ادامه می‌یابد (برد، ۱۳۷۰).

پیشینه‌ی تحقیق

مطالعات متعددی در زمینه‌ی اضطراب زنان ورزش‌کار در ایران و دیگر کشورهای جهان انجام شده که هر یک به ابعادی از مسئله‌ی اضطراب توجه داشته‌است:

پسند (۱۳۷۵) میزان اضطراب حالتی ورزش‌کاران رشته‌های انفرادی و گروهی دختران را در دومین المپیاد ورزشی دانش‌جویان دختر سراسر کشور بررسی کرد و به این نتیجه رسید که بین اضطراب قبل از مسابقه‌ی بازی‌کنان شنا و دو و میدانی، در عوامل شناختی و جسمانی اضطراب، تفاوت معنادار وجود ندارد؛ اما در عامل اعتمادبه‌نفس، اختلاف معنادار است. همچنین، میان اضطراب قبل از مسابقه‌ی ورزش‌کاران رشته‌های والی‌بال و بسکت‌بال در

1. Brain
2. Hall
3. Spence

هر سه عامل اضطراب، تفاوت معنادار بود؛ ولی میان اضطراب قبل از مسابقه‌ی ورزش‌کاران رشته‌های انفرادی و گروهی تفاوت معنادار دیده‌نشد.

ترابی (۱۳۷۶) ارتباط میان اضطراب صفتی و یادگیری شنا را در زنان مبتدی بررسی کرد و نتایج این تحقیق نشان داد که میان اضطراب و نمره‌ی یادگیری، رابطه‌ی معنادار با نسبت معکوس وجود دارد.

شمسیری (۱۳۷۳) در تحقیق درباره‌ی دانش‌آموزان شرکت‌کننده در چهارمین المپیاد ورزشی کشور نتیجه گرفت که عامل جسمانی اضطراب رقابتی در ورزش‌های انفرادی بیش از ورزش‌های گروهی است؛ در حالی که ورزش‌کاران رشته‌های انفرادی، از ورزش‌کاران رشته‌های گروهی اعتمادبه‌نفس کم‌تری دارند.

کرو گراهام^۱ (۱۹۹۵) در تحقیق خود بر ۲۳۵ زن و مرد ورزش‌کار نتیجه گرفت که زنان نسبت به مردان از لحاظ عاطفی، اجتماعی و اعتمادبه‌نفس ضعیف‌تر اند و افکار منفی و اضطراب شناختی بیش‌تری نسبت به مردان دارند. پراپاولیز^۲ (۱۹۹۶) با تحقیق بر روی ۱۱۰ ورزش‌کار دریافت که هر چه اتحاد و هم‌بستگی بازی‌کنان بیش‌تر باشد، میزان اضطراب حالتی رقابتی آنان کم‌تر است.

رابرتر داون^۳ (۲۰۰۱) از ۵۲ دهنده‌ی آماتور که در یک مسابقه‌ی خیابانی شرکت کرده‌بودند خواست پرسش‌نامه‌ی را درباره‌ی استفاده از استراتژی خود برای مقابله با اضطراب و تلقی آن‌ها از میزان اثربخشی این استراتژی و نیز ابعاد اضطراب خود پر کنند. یافته‌های تحقیق نشان داد که همه‌ی آن‌ها، دست‌کم از یک استراتژی برای مقابله با اضطراب خود استفاده کرده‌اند.

هنتون و کنافتون^۴ (۲۰۰۲) دریافتند که سطوح بالای اعتمادبه‌نفس میزان اضطراب را کاهش و عمل‌کرد ورزشی را بهبود می‌بخشد. بر اساس تحقیق جروم و ویلیامز^۵ (۲۰۰۰)، بین اضطراب شناختی و اجرا، ارتباطی به شکل Uای وارونه وجود دارد.

1. Kero-graham

2. Perapavliz

3. Raberter Down

4. Hanton and Connaughton

5. Jerome and Williams

افزایش میزان اضطراب، گاه به بهبود سطح عمل‌کرد، و در برخی موارد به کاهش سطح عمل‌کرد ورزش‌کاران می‌انجامد. همچنین، نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که ورزش‌کاران نخبه نسبت به مبتدیان اضطراب کم‌تری دارند، و از سویی، اضطراب، عامل و محرک تسهیل‌کننده برای اجرای بهتر است؛ در حالی که در ورزش‌کاران نیمه‌ماهر و مبتدی، اضطراب، عامل تضعیف عمل‌کرد است و تمرین می‌تواند در کاهش اضطراب مؤثر باشد.

با توجه به پیش‌رفت ورزش قهرمانی زنان کشور و عدم موفقیت آنان در رقابت‌های بین‌المللی که در پاره‌ئی مواقع از تأثیر اضطراب و هیجان منفی ناشی می‌شود، انجام تحقیق در زمینه‌ی بررسی ورزش‌کاران زن در ارتباط با میزان اضطرابِ حالتی ضروری به نظر می‌رسد. بررسی میزان اضطرابِ حالتی دانش‌جویان ورزش‌کار و مقایسه‌ی آن با میزان اضطراب دیگر ورزش‌کاران، زمینه‌ئی مناسب برای برنامه‌ریزی‌های لازم کوتاه‌مدت و بلندمدت برای آرام‌سازی روانی ورزش‌کاران فراهم خواهد نمود که می‌تواند در کاهش اضطراب به طور چشم‌گیر مؤثر باشد.

سوالات پژوهش

- آیا بین اضطراب رقابتی ورزش‌کاران رشته‌های مختلفِ انفرادی تفاوتی معنادار وجود دارد؟
- آیا بین اضطراب رقابتی ورزش‌کاران رشته‌های مختلفِ گروهی تفاوتی معنادار وجود دارد؟
- آیا بین اضطراب رقابتی ورزش‌کاران رشته‌های مختلف (انفرادی و گروهی) تفاوتی معنادار وجود دارد؟
- آیا بین اضطراب رقابتی ورزش‌کاران رشته‌های انفرادی و گروهی تفاوتی معنادار وجود دارد؟

روش پژوهش

این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی است که به بررسی و مقایسه‌ی میزان اضطراب رقابتی ورزش‌کاران رشته‌های مختلف ورزشی می‌پردازد.

جامعه‌ی آماری پژوهش، ورزش‌کاران شرکت‌کننده در رشته‌های ورزشی در ششمین دوره‌ی مسابقات قهرمانی کشور دانش‌جویان دختر در سال ۱۳۸۱ در شهر مشهد است.

نمونه‌ی آماری پژوهش حاضر، دربرگیرنده‌ی ۵۷۳ نفر از دانش‌جویان شرکت‌کننده در مسابقات قهرمانی کشور است که به صورت سرشماری در رشته‌های انفرادی (دو و میدانی، تنیس روی میز، شترنج) و گروهی (بسکت‌بال، والی‌بال و هندبال) انتخاب شدند.

ابزار اندازه‌گیری در این تحقیق، پرسش‌نامه‌ی اضطراب‌سنج مارتنز (۱) است که ۲۷ سؤال دارد و به سه عامل تقسیم می‌شود:

۱- عامل شناختی: به تعبیر موریس، دیویس و هاچینگز^۱ این عامل در ورزش مربوط به انتظارات منفی ورزش‌کار در مورد عملکردش و در نتیجه ارزیابی منفی در مورد خود است.

۲- عامل جسمانی: این عامل به عناصر فیزیولوژیکی اضطراب که از برانگیخته‌گی مستقیم عصبی نشأت می‌گیرد مربوط است (مارتنز و هم‌کاران، ۱۹۹۰). بازتاب این پاسخ‌های فیزیولوژیک به صورت تپش قلب، کوتاه شدن تنفس، عرق کردن دست‌ها، سفتی عضلات و ... آشکار می‌شود.

۳- عامل اعتمادبه‌نفس: به درجه‌ی باور و اطمینان ورزش‌کار نسبت به توانایی‌ها و عمل‌کرد خود در خلال مسابقه گفته می‌شود (همان).

مارتنز و هم‌کاران در ۱۹۷۰ پرسش‌نامه‌ی مخصوص ورزش را که منحصر به محیط‌های ورزشی است یعنی پرسش‌نامه‌ی اضطراب حالتی رقابتی ورزشی (CSAI) و در ۱۹۹۰ پرسش‌نامه‌ی اضطراب حالتی رقابتی (CASI-2)

را تهیه و تنظیم کردند که این فرم، آخرین نمونه‌ی تجدیدنظرشده‌ی اضطراب حالتی رقابتی است.

روایی و پایایی این پرسش‌نامه در تحقیقات متعدد داخلی و خارجی تأیید شده‌است. مارتنز و هم‌کاران (۱۹۹۰) پایایی این پرسش‌نامه را با ضریب آلفای کرون‌باخ ارزیابی و دامنه‌ی ضرائب را ۷۹٪ تا ۹۰٪ گزارش کردند. روایی این پرسش‌نامه نیز با استفاده از روایی هم‌زمان محاسبه‌شد.

در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها، در محاسبه‌ی میانگین، فراوانی، درصد و مانند آن، از روش‌های آمار توصیفی و برای بررسی و مقایسه میان میزان اضطراب ورزش‌کاران رشته‌های مختلف، از روش‌های آمار استنباطی (تحلیل واریانس و آزمون t مستقل) استفاده شد. آزمون‌های فرضیه در سطح معناداری $\alpha = 0/05$ انجام گرفته‌است.

یافته‌های پژوهش

در میان ورزش‌کاران رشته‌های انفرادی، ورزش‌کاران شترنج دارای میانگین بالاتری در عامل شناختی اضطراب بوده‌اند (جدول ۱).

جدول ۱- مقایسه‌ی میانگین اضطراب ورزش‌کاران به تفکیک رشته‌ی ورزشی و عوامل سه‌گانه

کل	اعتمادبه‌نفس	جسمانی	شناختی	عامل رشته
۵۶/۱	۲۲/۷	۱۵/۷	۱۷/۷	دو و میدانی
۶۰/۴	۲۱/۸	۱۷/۰	۲۱/۶	شترنج
۵۸/۸	۲۲/۹	۱۶/۳	۱۹/۶	تنیس روی میز
۵۶/۹	۲۶/۳	۱۳/۸	۱۶/۸	والی‌بال
۵۵/۱	۲۵/۵	۱۳/۱	۱۶/۵	بسکت‌بال
۵۷/۴	۲۴/۶	۱۵/۰	۱۷/۸	هندبال
۵۸/۹	۲۲/۳	۱۶/۵	۲۰/۱	رشته‌های انفرادی
۵۶/۴	۲۵/۵	۱۳/۹	۱۷/۰	رشته‌های گروهی
۵۷/۳	۲۴/۴	۱۴/۸	۱۸/۱	مجموع رشته‌ها

بدین معنا، ورزش کاران رشته‌ی شترنج بیش‌تر از ورزش کاران رشته‌های تنیس روی میز و دو و میدانی، قبل از مسابقه عمل‌کرد خود را منفی ارزیابی کرده‌اند ($P = ۰/۰۰۰$)؛ در حالی که در دو عامل اعتمادبه‌نفس و جسمانی تفاوت معناداری میان ورزش کاران رشته‌های انفرادی دیده‌نشد. در ورزش کاران رشته‌های فردی، تفاوت معناداری میان میزان اضطراب رقابتی ورزش کاران شترنج با ورزش کاران رشته‌های تنیس روی میز و دو و میدانی دیده‌شد ($P = ۰/۰۴$)، (جدول ۲).

جدول ۲- جدول آزمون تعقیبی کی‌دو

دو و میدانی	شترنج	تنیس روی میز
دو و میدانی		
شترنج	-۴/۱۹	
تنیس روی میز	-۲/۳۶	۱/۸۳

در ورزش کاران رشته‌های گروهی، تفاوت معناداری میان عامل جسمانی اضطراب در ورزش کاران رشته‌ی هندبال با ورزش کاران رشته‌های والی‌بال و بسکت‌بال دیده‌شد. بدین معنا که واکنش‌های فیزیکی قبل از مسابقه مانند تپش قلب، کوتاه شدن تنفس و عرق کردن دست‌ها در ورزش کاران هندبال از ورزش کاران دو رشته‌ی دیگر بیش‌تر بوده‌است. هم‌چنین، ورزش کاران رشته‌ی والی‌بال به طور معنادار اعتمادبه‌نفس بیش‌تری نسبت به ورزش کاران رشته‌ی هندبال و بسکت‌بال داشته‌اند. در مجموع، میان اضطراب رقابتی ورزش کاران رشته‌های گروهی تفاوت معنادار دیده‌نشد (جدول ۳).

جدول ۳- جدول آزمون تعقیبی کی‌دو

والی‌بال	بسکت‌بال	هندبال
والی‌بال		
بسکت‌بال	-۰/۷۶	
هندبال	-۰/۹۹	۱/۷۵

از یافته‌های قابل توجه در این تحقیق، وجود تفاوت معنادار میان عوامل سه‌گانه‌ی اضطراب رقابتی در بین ورزش‌کاران رشته‌های انفرادی و گروهی است. به عبارت دیگر، این تحقیق نشان داد که ورزش‌کاران رشته‌های انفرادی از اضطراب شناختی و جسمانی بالاتری برخوردار اند و همچنین، اعتمادبه‌نفس کم‌تری نسبت به ورزش‌کاران رشته‌های گروهی دارند (جدول ۴).

جدول ۴- جدول آزمون t نمونه‌های مستقل

رشته	میانگین	واریانس	درجه‌ی آزادی	مقدار t	سطح احتمال
فردی	۲۰/۱	۶/۰۴	۵	۶/۴۷	۰/۰۰۰
گروهی	۱۷/۰	۵/۰۶			

در مجموع، میان میانگین اضطراب حالتی ورزش‌کاران رشته‌های فردی و گروهی تفاوت معنادار وجود دارد (جدول ۵). همان‌گونه که دیده‌می‌شود از مقدار سطح احتمال ($P = ۰/۰۰۲ < \alpha = ۰/۰۵$) نتیجه می‌گیریم که با اطمینان بیش از ۹۵ درصد میان اضطراب حالتی ورزش‌کاران رشته‌های فردی و گروهی تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۵- جدول آزمون t نمونه‌های مستقل

رشته	میانگین	واریانس	درجه‌ی آزادی	مقدار t	سطح احتمال
فردی	۵۸/۹	۱۰/۰۶	۵	۳/۳۴	۰/۰۰۲
گروهی	۵۷/۲	۷/۶۳			

بحث و نتیجه‌گیری

ورزش‌کاران رشته‌های انفرادی به دلیل ماهیت خاص این گونه رشته‌ها، مانند عدم درگیری، عدم وجود همراهان گروهی، و عدم تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها، با اضطراب رقابتی بیش‌تری دست‌به‌گریبان‌اند. می‌توان چنین گفت که در ورزش‌های فردی اضطراب ورزش‌کاران به طور معمول بیش‌تر است، به

دلیل این که در این گونه ورزش‌ها فرد شخصاً مسئول برد یا باخت است و عواملی مانند صدمه و آسیب، توانایی حریف، آماده‌گی انجام مسابقه و ... در آن‌ها بسیار مهم‌تر از ورزش‌های گروهی است که در آن مسئولیت بر عهده‌ی همه‌ی اعضای تیم است.

به طور کلی، نتایج این تحقیق که در خصوص ۵۷۳ نفر از دانش‌جویان ورزش‌کار انجام گرفت، با برخی تحقیقات هم‌سو و با برخی دیگر متفاوت است. شایان ذکر است که تحقیقات انجام‌شده روی جوامع آماری مختلف انجام شد که می‌توان تفاوت‌های موجود را برآمده از تفاوت‌های شخصیتی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی میان جوامع آماری دانست.

نکته‌ی قابل توجه در این تحقیق، وجود اعتمادبه‌نفس بالا در ورزش‌کاران رشته‌ی والی‌بال به نسبت دو رشته‌ی هندبال و بسکت‌بال است. شاید این که ورزش‌کاران والی‌بال درگیری فیزیکی و بدنی با ورزش‌کاران تیم حریف ندارند باعث وجود اعتمادبه‌نفس بالا در این ورزش‌کاران شده‌باشد. نتیجه‌ی این تحقیق با تحقیق شم‌سیری هم‌سویی دارد در حالی که با تحقیق مسیعی هم‌سو نیست. البته، ناگفته نماند که دو تحقیق نام‌برده درباره‌ی پسران بوده‌است و شاید جنسیت آزمون‌شونده‌گان در این باره تأثیرگذار بوده‌باشد.

پیشنهادها

روان‌شناسی ورزش به عنوان علمی نسبتاً نوپا نیاز به انجام یک سلسله پژوهش دارد تا بتواند به انجام خدمات در ورزش بپردازد.

به دلیل اثر غیرقابل‌انکار اضطراب رقابتی بر عملکرد ورزش‌کاران، یافتن روش‌هایی برای کاهش و کنترل آن ضروری است. از این رو، آموزش مربیان برای ایجاد توانایی تشخیص میزان و دلیل اضطراب و ارائه‌ی راهکارهای مناسب می‌تواند از جمله راه‌های مؤثر در کنترل و کاهش اضطراب ورزش‌کاران باشد. افزون بر این، از آن‌جائی که اضطراب قبل از مسابقه یکی

از مهم‌ترین مسائل روان‌شناسی ورزشی است، توصیه می‌شود ابزارهای سنجش اضطراب برای ورزش‌کاران ایرانی هنجاریابی شود.

با توجه به نقش مربیان و سرپرستان در عمل‌کرد ورزش‌کاران، توصیه می‌شود این تحقیق درباره‌ی جامعه‌ی مربیان و سرپرستان برای بررسی اضطراب آن‌ها انجام شود.

پیشنهاد می‌شود عواملی که به بروز افزایش اضطراب در میداین ورزشی می‌انجامد شناسایی شود و تحقیقی مشابه درباره‌ی پسران دانش‌جو انجام و نتیجه‌ی آن با این تحقیق مقایسه گردد.

منابع

- ۱- پسند، فاطمه. ۱۳۷۵. بررسی و مقایسه‌ی میزان اضطراب حالتی رقابتی در رشته‌های انفرادی و گروهی دختران شرکت‌کننده در المپیاد ورزشی تهران. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. تهران، دانشگاه تربیت معلم.
- ۲- ترابی، مرضیه. ۱۳۷۶. بررسی میزان ارتباط بین اضطراب صفتی و یادگیری شنا در زنان مبتدی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. تهران، دانشگاه تربیت معلم.
- ۳- شمشیری، بابک. ۱۳۷۳. بررسی رابطه‌ی جهت‌گیری هدفی و اضطراب حالتی رقابتی در ورزشکاران پسر. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. تهران، دانشگاه تهران.
- ۴- صنعت‌کاران، افسانه. ۱۳۷۶. بررسی تأثیر یک دوره تمرینات آرام‌سازی در میزان اضطراب حالتی رقابتی و نحوه‌ی عملکرد بانوان بسکتبالیست باشگاه‌های تهران. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز.
- ۵- فرخی، احمد؛ حکاک، الهام. ۱۳۷۹. «مقایسه‌ی دو نوع اضطراب صفتی رقابتی و حالتی رقابتی موجود در ورزشکاران مرد داخلی و خارجی شرکت‌کننده در مسابقات بین‌المللی بسکتبال جام ورزش و ملت‌ها». نشریه‌ی حرکت. ۴.
- ۶- مارتنز، رینر. ۱۳۷۲. روان‌شناسی ورزشی راهنمای مربیان و ورزشکاران. ترجمه‌ی فرهاد هتیر.
- ۷- موریس، تونی؛ بال، ج. استفان. ۱۳۷۳. مروری بر آموزش ذهنی در ورزش. ترجمه‌ی شکوه نوابی‌نژاد. تهران، انتشارات کمیته‌ی ملی المپیک.
- ۸- هوشمند ویژه، محمد. ۱۳۶۸. فرهنگ پزشکی دورلند (انگلیسی به فارسی). تهران، انتشارات سروش.
- 9- Hammer Meister, J.; Burtonn, D. 1995. "Anxiety and the Ironman: Investigating the Antecedents and Consequences of Endurance Athletes". **State Anxiety Sport**.
- 10- Peter, R. F. et al. 1995. "Coping by Competitive Athletes with Performance Stress: Gender Differences and Relationships with Affect". **The Sport Psychologist**. No. 1, 19.
- 11- Prapavessis, H. 1996. "The Effect of Group Cohesion of Competitive". **State Anxiety Sport and Exercise Psychology**. Vol. 18.
- 12- Roberts, Dawnce. 2001. "Coping Strategies of Runners: Perceived Effectiveness and Match to Pre-Competitive Anxiety". **Journal of sport behavior**.

- 13- *Spielberger, C. D.* 1972. "Anxiety as an Emotional State". In *D. Spielberger* (Ed.), **Anxiety: Current Trends in Theory and Research**. Vol. 1. New York, Academic Press.
- 14- *Weinberg, R. S.; Gould, D.* 1995. **Foundations of Sport and Exercise Psychology Champion**. IL, Human Kinetics.
- 15- <http://www.rohan.sdsu.edu/dept/coachsci/csa/vol194/jerome.htm>
- 16- <http://www.ausport.gov.au/nsic/basket.html>
- 17- <http://www.rohan.sdsu.edu/dept/coachsci/csa/vol194/hanton.htm>

دکتر سوده مقصودی*

زهرا بستان**

بررسی مشکلات ناشی از هم‌زمانی نقش‌های خانگی و اجتماعی زنان شاغل شهر کرمان

* استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید باهنر کرمان
smaghsoodi@mail.uk.ac.ir

** کارشناس پژوهش‌گری علوم اجتماعی
aria_306@yahoo.com

چکیده

بر اساس تقسیم کار جنسی در خانواده، مردان نان‌آور تلقی می‌شوند، در حالی که زنان باید عهده‌دار اداره‌ی امور درون خانه باشند. پی‌آمدهای عملی این فرضیه، هم‌چنان گریبان‌گیر زنان متأهل است و چنان از بدیهیات عقلی به شمار می‌رود که به‌ندرت مورد تردید یا اعتراض قرار می‌گیرد.

با شروع انقلاب صنعتی، نقش‌های سنتی زنان تا حدودی دگرگون شد، به گونه‌ئی که به جای کار صرفاً خانه‌گی، بخش عمده‌ئی از زنده‌گی آن‌ها صرف فعالیت‌های بیرون از خانه گشت. اما این امر موجب جدایی زن از وظایف طبیعی خود نشد. امروزه، هنوز زنان می‌دانند که پس از سپری کردن آخرین ساعات کار، نقش‌های سنتی و خانه‌داری در انتظارشان است، نقش‌هایی چون کدبانوگری، فرزندداری، همسرداری، تیمارداری و ...

پژوهش‌های متعدد در سراسر جهان نشان می‌دهد که زنان همواره در فعالیت‌های درون و بیرون منزل با تضاد و تعارض نقش روبه‌رو هستند. شناخت این تعارض‌ها برای کاهش مشکلات برآمده از آن، اهمیت پژوهش در موضوعاتی از این دست را نشان می‌دهد. بدین منظور، پژوهش‌گر ۲۶۰ زن متأهل و شاغل در ادارات دولتی شهر کرمان را در سال ۸۲ مورد مطالعه قرار داد. در این پژوهش که به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه انجام گرفت، برای بررسی ارتباط بین متغیرها و شدت و ضعف آن، علاوه بر آزمون کی‌دو از رگرسیون نیز استفاده شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که زنان شاغل مشکلات خود را در رابطه با نگهداری و تربیت فرزندان، تهیه‌ی خوراک خانواده، برقراری نظم و نظافت منزل، کم‌بود وقت برای رفت‌وآمد با خویشاوندان، رسیده‌گی به ظاهر خود و داشتن وقت لازم برای تفریح، گفت‌وگو و تبادل نظر با همسر و ... زیاد ارزیابی کردند. از سویی، بیش‌ترین میزان مشکلات زنان شاغل، نظافت و ایجاد نظم در منزل بود. این پژوهش، هم‌چنین نشان داد که این مشکلات، لزوماً نه به‌تنهایی برآمده از شغل زنان، بلکه از نگرش‌ها و تفکرات سنتی جامعه درباره‌ی نقش زنان است که آن‌ها را وادار می‌کند افزون بر نقش‌های اجتماعی، هم‌زمان به الزامات و مسئولیت‌های نقش‌های خانه‌گی نیز بیاورند. علاوه بر این، یافته‌ها بیان‌گر این مطلب اند که میزان مشکلات زنان با افزایش هم‌کاری همسر در امور منزل، کاهش قابل ملاحظه خواهدداشت. در این مقاله، با توجه به فراوانی‌ها رابطه‌ی چندانی میان شرایط شغلی و مشکلات زنان دیده نشد، بدین معنا که زنان شاغل، با هر پست سازمانی و با هر میزان ساعات کار و درآمد، مشکلات مربوط به نقش‌های خانه‌گی خود را، زیاد ارزیابی کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها

اشتغال؛ مشکلات؛ نقش خانه‌گی؛ زنان؛

مقدمه

حرکت سریع جامعه‌ی ایران به سوی تمدن، افزایش اشتغال زنان را موجب شده‌است؛ اما همراه با این دگرگونی‌ها، نگرش‌های سنتی و کلیشه‌ئی غالب در ارتباط با نقش زنان تغییر نیافته و اشتغال زنان را با مشکلاتی چند روبه‌رو ساخته‌است.

انجام وظایف نهادی‌شده‌ئی چون وظیفه‌ی مادری، خانه‌داری (شامل وظایف گوناگونی همچون رفت‌و‌روب، آش‌پزی، شست‌وشو و ...)، و پرستاری از اعضای خانواده، همواره بر دوش زنان سنگینی می‌کند، به گونه‌ئی که حتا با فاصله گرفتن زن از خانه، نگرانی انجام این وظایف او را رها نمی‌سازد.

پژوهش‌های پیشین نشان داده‌است که زنان شاغل به واسطه‌ی شغل‌شان با مشکلاتی خانواده‌گی دست‌به‌گریبان می‌شوند که بر میزان و کیفیت اشتغال آنان تأثیر می‌گذارد. این امر، انجام چنین پژوهش‌هایی را، توسط پژوهش‌گران رشته‌های مختلف علمی، همچون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد و ... الزامی می‌سازد. از سوی دیگر، تحقیقاتی از این دست، به افزایش آگاهی زنان نسبت به حقوق خود می‌انجامد و زمینه‌های تغییر نگرش مدیران را درباره‌ی نقش‌های زنان فراهم می‌سازد. در واقع، این امر موجب می‌شود که مدیران از مشکلات و محدودیت‌های این بخش جامعه آگاهی یابند و در پی راه‌کارهایی برای حل آن باشند تا بتوان از تمام توانایی‌های افراد جامعه (زن و مرد) برای گام برداشتن در مسیر توسعه استفاده نمود.

بنا به اهمیت موضوع، این مقاله به بررسی مشکلات مربوط به نقش‌های خانگی زنان شاغل در شهر کرمان می‌پردازد. بدین منظور، اطلاعات لازم از ۲۶۰ زن متأهل و شاغل در ادارات دولتی کرمان گردآوری شده‌است.

اهداف تحقیق

مهم‌ترین اهداف این پژوهش چنین است:

- ۱- بررسی میزان مشکلات برآمده از نقش‌های خانگی زنان شاغل کرمان
- ۲- تعیین انواع مشکلات برآمده از نقش‌های خانگی زنان شاغل کرمان
- ۳- مطالعه‌ی تأثیر شرایط شغلی بر مشکلات زنان شاغل

دیدگاه نظری

از دیدگاه جامعه‌شناسی فونکسیونالیست، تنها نقش اساسی زنان در جامعه، برآوردن نیازهای جنسی مردان و فرزندزایی است و به هیچ وجه نباید تغییری در این نقش‌ها ایجاد کرد (مسعودیان، ۱۳۷۸: ۱۲).

پارسونز معتقد است که همانندی کارکردهای زن و مرد در خانواده موجب اختلال نظام خانواده می‌شود. رابرت لین نیز در اثر خود، کتاب سیاسی می‌گوید: «مشارکت زنان در امور سیاسی، یا هر نوع وابسته‌گی بیرون از خانه، به معنای دزدی از فرصت‌های خانواده‌گی است» (همان: ۱۲).

جامعه‌شناسان، زنده‌گی انسان را به سه بخش تقسیم کرده‌اند: کار (اشتغال- درآمدزا)، فراغت (تفریح و سرگرمی) و ضرورت (خواب، خوراک و ...). اما فمینیست‌ها معتقد اند این نگرشی مردانه به دنیا ست، چرا که خدمات بی‌اجر خانگی را کار نمی‌شناسد (آبوت، ۱۳۸۰: ۱۷۱). به‌علاوه، زنان شاغل علی‌رغم ساعات کار زیاد بیرون از خانه، در ساعات فراغت نیز با ضرورت انجام کارهای خانگی روبه‌رو اند. در این بخش، برای درک مشکلات زنان شاغل، به نظریات مربوط به این موضوع اشاره می‌شود.

۱- نقش خانه‌داری (کدبانوگری)

آندره میشل با مطالعات خود در کشورهای مختلف نتیجه می‌گیرد که «حتا اگر زن در بیرون خانه کار کند، سنگین‌ترین وظایف مربوط به کار خانه را بر دوش دارد و شوهرش در کار خانه به او یاری نمی‌رساند. تعدد وظایف، تنها مسئله‌ی زنان امروز نیست، بلکه از دید زنان شاغل، پدیده‌ی خاص عصر حاضر، تنوع و تعارض این وظایف است» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۷۱).

آبوت نیز با تأکید بر نوع تقسیم کار جنسی در خانواده معتقد است که بخشی از بی‌عدالتی در زنانی دیده‌می‌شود که علاوه بر اشتغال در بیرون خانه، همچنان خانه‌داری، آش‌پزی و بچه‌داری را بر عهده دارند و بخش دیگر، بدین علت بی‌عدالتی شمرده‌می‌شود که کارهای خانگی زنان، نسبت به کار همراه با مزد مردان، به مراتب نیازمند ساعات کار بیشتری است.

فمینیست‌ها، اغلب این نکته را خاطرنشان می‌کنند که به طور کلی، مسئولیت کارهای ضروری و تکراری که باید به طور منظم انجام شود با زنان است، در حالی که مردان کارهایی را انجام می‌دهند که به خلاقیت نیاز دارد و می‌توان سر فرصت به آن پرداخت. این تقسیم کار، اغلب وابسته به نگرشی است که استعدادها و قابلیت‌های طبیعی زن و مرد را تعیین می‌کنند. برای نمونه، می‌گویند زنان به طور طبیعی می‌توانند به‌خوبی از عهده‌ی کارهایی مثل نظافت، خیاطی، ظرف‌شویی، خرید روزانه، شست‌وشو، بچه‌داری و آش‌پزی برآیند، در حالی که این توانایی در مردان وجود ندارد (آبوت، ۱۳۸۰: ۱۲۸).

مارتین و رابرتز نیز عنوان می‌کنند که زنان، اغلب مشاغلی اختیار می‌کنند که با وظایف خانواده‌گی‌شان متناسب باشد تا بتوانند همچنان بار کارهای خانه‌گی را به دوش کشند (همان: ۱۲۹).

ج. ک. گالبرایت معتقد است که از اوایل قرن بیستم تا امروز، تنها اقلیت کوچکی از مردم خدمت‌کار استخدام می‌کنند، اما تقریباً برای تمام جمعیت کنونی، همسر خدمت‌کار در زنده‌گی خانواده‌گی موجود است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۵۴۶).

ریتزر نیز به این نکته اشاره دارد که زنان شاغل، بیش از زنانی که خانه‌دار تمام‌وقت هستند، در اوایل شب، و برای ساعات طولانی در تعطیلات آخر هفته، کار خانه‌گی انجام می‌دهند. کار خانه‌گی با ارائه‌ی رایگان خدماتی که بسیاری از جمعیت شاغل به آن وابسته اند بنیه‌ی اقتصاد را تقویت می‌کند (ریتزر، ۱۳۷۸: ۱۹۶).

۲- نقش مادری (فرزندداری)

زنان را به لحاظ نقش مادری‌شان، پرستاران طبیعی به شمار می‌آورند. افزون بر این، فرصت‌های شغلی زنان محدود است، چون کارفرماها معتقد اند مادر بودن در زنده‌گی زنان اساسی‌تر از آینده‌ی شغلی است (آبوت، ۱۳۸۰: ۱۳۴).

به عقیده‌ی آبوت و سپسفورد، چیزی که زنان را در قلمرو خانه‌گی محصور می‌کند، یا دست‌کم رقابت با مردان را در بازار کار و سازمان‌های سیاسی برای زنان، به‌ویژه زنان متأهل دشوار می‌سازد، تأثیر متقابل ایده‌ئولوژی‌های موجود درباره‌ی مادری و نقش زنان است (همان: ۲۵۶).

بلاد نیز در زمینه‌ی مشکلات زنان در ارتباط با فرزندداری معتقد است که زنان برای این‌که بتوانند بیرون‌خانه کار کنند، ناچار باید کودکان خود را به مادر بزرگ یا خویشان دیگر بسپارند که در جوامع امروزی به علت پراکنده‌گی اقوام چنین امکانی میسر نیست؛ در نتیجه، فرزندان را در قبال پرداخت دست‌مزد به دیگران یا پرورشگاه می‌سپارند، یا در خانه می‌گذارند که در این صورت، کودکان خودسر بار می‌آیند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۶۸ و ۱۶۹).

آبوت نیز به ترک بازار کار توسط زنان شاغلی اشاره می‌کند که کودکان خردسال دارند یا دوران بارداری و زایمان را سپری می‌کنند. گر چه با تخصیص امکاناتی چند، ترک بازار توسط این زنان روز به روز کمتر می‌شود، اما به دلیل مسئولیت‌های خانه‌گی، همچنان شمار مادرانی که شغل تمام‌وقت دائمی دارند، بسیار اندک است (آبوت، ۱۳۸۰: ۱۸۶ و ۱۸۷).

مارتین و رابرت نیز داشتن فرزند کوچک را دلیل اصلی کناره‌گیری زنان از بازار کار می‌دانند و مشاغل پاره‌وقت را مشاغلی ایده‌آل برای این گونه زنان به شمار می‌آورند (همان: ۵۴ و ۵۵).

گرت بیان می‌کند که مادر شاغل را اغلب خودخواه و مهم‌تر از همه، بد می‌داند، زیرا چنین تصور می‌شود که او نسبت به فرزند خود قصور و کوتاهی می‌کند. کودکی که مادر شاغل دارد، رهاشده انگاشته می‌شود و ادعا می‌شود که غیبت مادر ممکن است بر ثبات شخصیت آینده‌ی او اثر منفی بگذارد. جنبه‌ی دیگر چنین رویکردی این است که مادر نمی‌تواند به عنوان یک زن به رضایتی حقیقی دست یابد، مگر آن که وقت خود را صرف مراقبت از کودکی که خود به دنیا آورده، یعنی فرزند تنی‌اش کند (گرت، ۱۳۸۰: ۶۷ و ۶۸). اشتغال زن موجب دوری او از خانه می‌شود و بنابراین، ساعت‌ها از فرزند و دیگر اعضای خانواده بی‌اطلاع می‌ماند. این امر، اضطراب و نگرانی را در میان زنان شاغل شهری ایجاد می‌کند.

بیرون‌بیوم (۱۹۷۱) معتقد است که احساس گناه، نگرانی و اضطراب این دسته از زنان بیش‌تر از زنان خانه‌دار است (جمشیدی، ۱۳۸۱: ۴۶).

۳- نقش تیمارداری

فینچ و گروز عقیده دارند هر چند افزایش مهد-کودک، آسایش‌گاه، پرستار-خانه‌گی و مانند آن، تحمل بار گران تیمارداری خویشاوندان وابسته را برای زن آسان‌تر خواهد کرد، ولی نه او را از حصار بسته‌ی خانه‌گی آزاد می‌کند و نه مسئولیت‌های خطیر تیمارداری را از دوش او بر خواهد داشت.

آبوت نیز به‌هنجارسازی زنده‌گی را برای کودک عقب‌مانده‌ی ذهنی، با از هنجار درآمدن مادر برابر می‌داند. الزام‌های جسمی و روانی نقش تیمارداری با این توقع در هم آمیخته که تیماردار در صورت نیاز تمامی شبانه‌روز را در طول هفته صرف این کار کند (آبوت، ۱۳۸۰: ۱۸۳).

نیسل و بونرزیه با تحقیق بر روی ۴۴ زوج که نگره‌داری از خویشان سال‌مند را به عهده داشتند به این نتیجه رسیدند که «زنان، اعم از این که شاغل باشند یا نباشند، به طور میانگین، روزی دو تا سه ساعت برای مراقبت‌های ضروری خویشاوندان خود، وقت صرف می‌کنند (همان: ۱۸۲).

۴- نقش همسری

با توجه به تعدد وظایف زنان شاغل، حمایت همسر کلید موفقیت خانواده‌هایی است که زن و شوهر هر دو شاغل اند. حق‌شناسی و رضایت خاطر شوهران از شاغل بودن همسر خود، به میزان مشارکت آنان در امور خانواده و ادراکات آنها از رضایت شغلی و خانواده‌گی بسته‌گی دارد.

گروهی بر این باور اند که زنان شاغل، به علت وقتی که بیرون از خانه صرف می‌کنند، وقت کم‌تری برای گفت‌وگو و تبادل نظر با همسرشان دارند. از سویی بسیاری از مردان دوست ندارند اعتماد به نفس همسرشان از آنها بیشتر باشد. زنان هم از عدم حمایت شوهرشان گله دارند. بنابراین، اولین چیزی که در این بین آسیب می‌بیند رابطه‌ی زن و شوهر است، زیرا هر یک با این تصور زنده‌گی می‌کند که دیگری او را درک نمی‌کند (بی نام، حیات نو، ۱۳۸۱).

۵- نقش عروس در خانواده‌ی خود و همسر

کار زنان در درون و بیرون خانه موجب ارتباط کم‌تر با دوستان و خویشاوندان می‌شود. این در حالی است که نزدیکان خود زن یا همسرش از او انتظاراتی خاص دارند. بر این اساس، زنان ممکن است تنها به انتظارات آنها جامعه‌ی عمل بپوشند که در این صورت به سایر نقش‌های خانه‌گی و شغلی خود نمی‌رسند و یا در نوع رفت‌وآمد با خانواده‌ی خود و یا خانواده‌ی همسرشان نوعی ارجحیت قائل شوند، به گونه‌ئی که ارتباط با خویشاوندان خود را در اولویت قرار دهند و ارتباط کم‌تری با خویشان همسر داشته‌باشند، که البته این

امر نیز بر مشکلات و کشمکش‌های روحی و روانی‌شان خواهد افزود. در نهایت، باید گفت که زنان شاغل به دلیل گوناگونی نقش‌ها و وظایف، و مشکلات ناشی از آن، حتی برای رسیده‌گی به امور شخصی خود (مانند آراسته‌گی ظاهر، تقویت جسم، و تفریح و سرگرمی) نیز وقت کمی دارند که این امر نیز به خودی خود مسائلی را به همراه خواهد داشت.

۶- نقش کارمندی

محیط کار و شرایط کاری نیز نقش مهمی در بروز مشکلات زنان متأهل-شاغل دارد. ساعات کار، نوع کار، رابطه با مدیران و هم‌کاران، محیطی که فرد در آن مشغول به کار است، دست‌مزد و امکانات رفاهی سازمان، همه و همه بر رضایت شغلی او اثر می‌گذارد. میزان رضایت شغلی فرد نیز با میزان مشکلات ناشی از نقش‌های خانگی مرتبط است. تحقیقات گذشته ثابت کرده که زنانی که در خارج از خانه مشاغل سخت و درازمدت را تجربه می‌کنند در ایفای نقش‌های خانگی احساس خسته‌گی و بی‌حوصله‌گی بیشتری نسبت به زنان خانه‌دار دارند. این مسئله، زنان شاغل را بیش از پیش دچار مشکلات روحی می‌سازد (بی نام، خراسان، ۱۳۸۰).

هافمن و نای (۱۹۷۴) نیز از تحقیق بر روی مادران شاغل نتیجه گرفتند که «اکثر مادران شاغلی که از شغل خود راضی بودند، احساس گناه نمی‌کردند و در انجام امور خانه نیز شایسته‌گی داشتند و به خوبی مادران خانه‌دار و یا [حتی] بهتر از آنان عمل می‌کردند» (کرباسی، ۱۳۸۱: ۱۱۶).

جدول ۱- استفاده از چهارچوب نظری برای طرح فرضیات

متغیر	نظریه پرداز	نظریه	فرضیه
خانه‌داری	آندره میشل	انجام سنگین‌ترین وظایف مربوط به منزل، حتا زمانی که زن شاغل است، بر عهده‌ی او ست.	بین نقش خانه‌داری (کدبانوگری) زن شاغل و میزان مشکلات برآمده از نقش‌های خانه‌گی او رابطه وجود دارد.
	آبوت	بر اساس تصور قابلیت طبیعی زن، کار خانه‌گی جزو وظایف زنان قلمداد می‌شود و انجام آن بیش از زمان کار همراه با مزد مردان به طول می‌انجامد.	
	مارتین و رابرتز	زنان مشاغل را انتخاب می‌کنند که بتوانند به وظایف خانه‌گی خود نیز بپردازند.	
	گالبرایت	زنان در خانه همواره همسر خدمت‌کار تلقی می‌شوند.	
	ریتزر	ساعاتی که زنان شاغل به کار خانه‌گی در اوایل شب و تعطیلات آخر هفته اختصاص می‌دهند، بیش از زنان خانه‌دار است.	
تیمارداری	فینچ و گروز	با وجود مراکز نگهداری از بیماران و سال‌مندان، مسئولیت تیمارداری بر دوش زنان است.	بین نقش پرستاری زن شاغل و میزان مشکلات برآمده از نقش‌های خانه‌گی او رابطه وجود دارد.
	آبوت	الزام‌های جسمی و روانی نقش تیمارداری با مراقبت شبانه‌روزی تیماردار درآمیخته است.	
	نیسل و بونرژیه	زنان شاغل یا غیرشاغل، روزی دو تا سه ساعت برای مراقبت‌های ضروری خویشاوندان خود وقت صرف می‌کنند.	
فرزندداری	آبوت و سپس‌فورد	ایده‌نولوژی‌های موجود درباره‌ی مادری و نقش زنان، رقابت زنان با مردان را در بازار کار و سازمان‌های سیاسی دشوار می‌سازد.	بین نقش مادری (فرزندداری) زن شاغل و میزان مشکلات برآمده از نقش‌های خانه‌گی او رابطه وجود دارد.
	بلاد	زنان برای این که بتوانند درخارج از خانه کار کنند ناچار اند فرزندان خود را به دیگران بسپارند و از این بابت دچار مشکل می‌شوند.	
	آبوت	ترک بازار کار توسط زنان در دوره‌ی بارداری، زایمان یا زمانی که فرزندان کوچک دارند، از جمله مشکلات زنان شاغل است.	
	مارتین و رابرتز	داشتن فرزندان کوچک، گاه موجب کناره‌گیری زن از بازار کار و یا موجب فعالیت در مشاغل پاره‌وقت می‌شود.	
	گرت	غیبت مادران شاغل ممکن است بر ثبات و شخصیت آینده‌ی کودک اثر منفی داشته‌باشد.	
	بیرون بیوم	زنان شاغل به خاطر دور شدن از فرزندان و خانواده احساس گناه، نگرانی و اضطراب می‌کنند.	

فرضیات

فرضیات این تحقیق به دو بخش کلی و جزئی تقسیم می‌شود:

فرضیات کلی

به نظر می‌رسد که بین میزان مشکلات برآمده از نقش‌های خانگی زن شاغل با هر کدام از نقش‌های زیر رابطه وجود دارد:

- ۱- نقش خانهداری
- ۲- نقش مادری
- ۳- نقش تیمارداری
- ۴- نقش همسررداری
- ۵- نقش کارمندی
- ۶- نقش عروس در خانواده‌ی خود و همسر

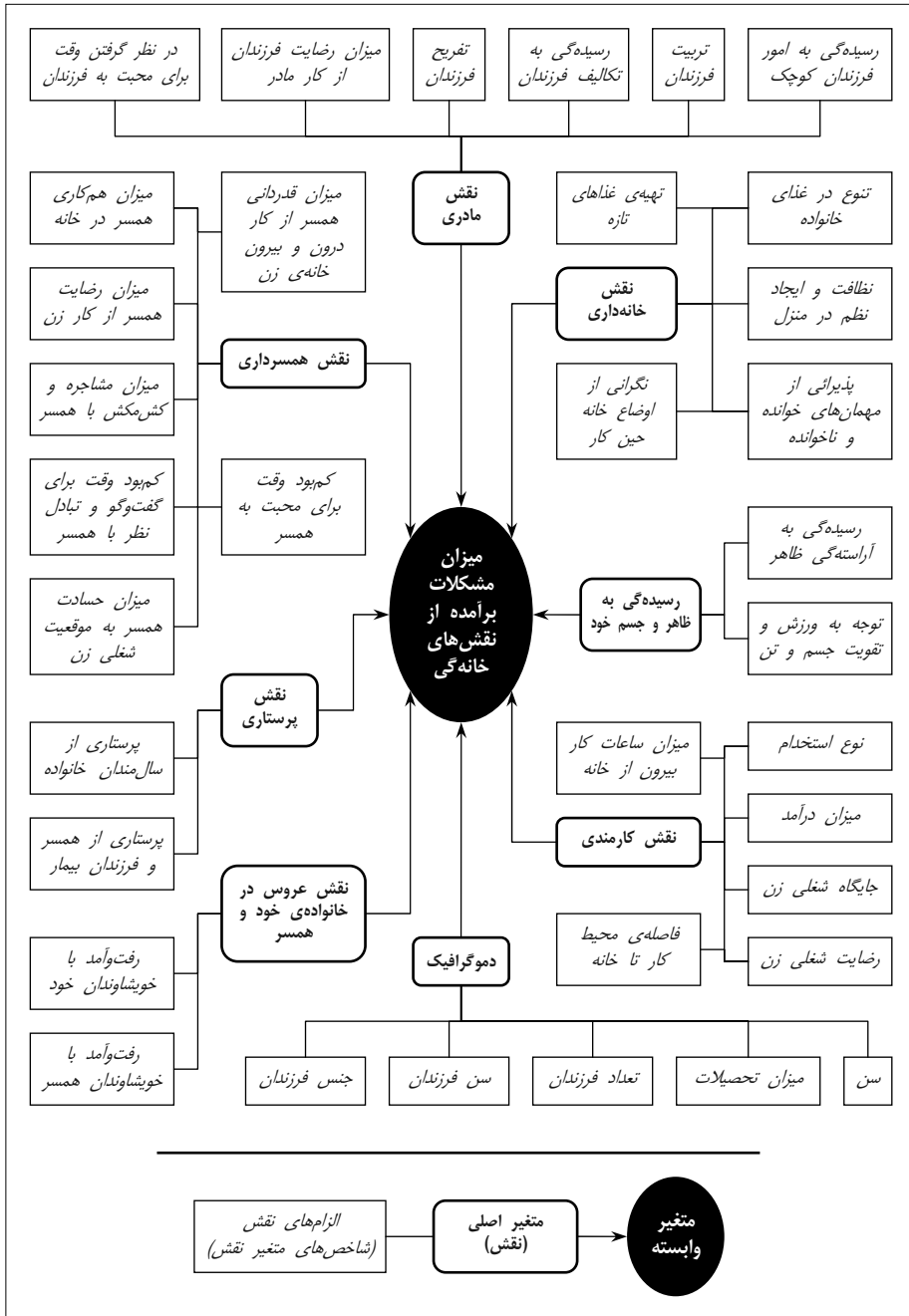
فرضیات جزئی

فرضیات جزئی پژوهش در رابطه با متغیرهای اساسی تحقیق تعریف می‌شود. به این ترتیب که در رابطه با هر متغیر شاخص‌هایی در نظر گرفته شده که خود این شاخص‌ها به عنوان متغیر مستقل ارتباطشان با متغیر وابسته (میزان مشکلات برآمده از نقش‌های خانگی) آزمون شده است:

شاخص‌های متغیر نقش خانهداری: الزام در تهیه‌ی غذاهای تازه برای خانواده؛ تنوع در غذای خانواده؛ نظافت و ایجاد نظم در منزل؛ پذیرایی از مهمان‌های خوانده و ناخوانده؛ احساس نگرانی از اوضاع خانه حین کار.

شاخص‌های متغیر نقش مادری: الزام در رسیده‌گی به امور فرزندان کوچک؛ تربیت فرزندان؛ رسیده‌گی به تکالیف فرزندان؛ تفریح فرزندان؛ میزان رضایت فرزندان از کار مادر؛ در نظر گرفتن اوقاتی خاص برای محبت به فرزندان و گفت‌وگو با آنان.

نمودار ۱- متغیرهای پژوهش



شاخص‌های متغیر نقش پرستاری: الزام در پرستاری از همسر و فرزندان بیمار؛ پرستاری از سال‌مندان خانواده.

شاخص‌های متغیر نقش همسر داری: میزان هم‌کاری همسر در کارهای خانه؛ میزان رضایت همسر از اشتغال زن؛ میزان مشاجره و کش‌مکش با همسر؛ کم‌بود وقت برای گفت‌وگو و تبادل نظر با همسر؛ میزان حسادت همسر به موقعیت شغلی زن؛ میزان قدردانی همسر از کار درون و بیرون. خانه‌ی زن؛ کم‌بود وقت برای محبت به همسر.

شاخص‌های متغیر نقش عروس در خانواده‌ی خود و همسر: الزام برای رفت‌وآمد با خویشاوندان زن؛ الزام برای رفت‌وآمد با خویشاوندان مرد. شاخص‌های متغیر نقش کارمندی: میزان ساعات کار بیرون از خانه؛ نوع استخدام؛ فاصله‌ی محیط کار تا خانه؛ جایگاه شغلی زن؛ رضایت شغلی زن؛ میزان درآمد.

شاخص‌های متغیر رسیده‌گی به ظاهر و جسم خود: الزام رسیده‌گی به آراسته‌گی ظاهر خود؛ میزان توجه به ورزش و تقویت جسم و تن. متغیرهای دموگرافیک: سن؛ میزان تحصیلات؛ تعداد فرزندان؛ سن فرزندان؛ جنسیت فرزندان.

متغیر وابسته، میزان مشکلات برآمده از هم‌زمانی نقش‌های خانگی و اجتماعی بوده که چه‌گونه‌گی سنجش آن در نمودار ۱ آمده‌است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، پیمایش است. پیمایش، مجموعه‌ئی است از روش‌های منظم و استاندارد برای گردآوری داده‌ها درباره‌ی افراد، خانواده‌ها و یا مجموعه‌ئی بزرگ‌تر (ادواردز، ۱۳۷۹: ۱۷).

ابزار به‌کارگرفته در این تحقیق، پرسش‌نامه است. بدین شکل، که اطلاعات مربوط به زنان شاغل و متأهل در این پرسش‌نامه‌ها درج و سپس، این اطلاعات با کدگذاری دقیق، استخراج و تجزیه و تحلیل شده‌است.

جامعه‌ی آماری این تحقیق، زنان شاغل در ادارات دولتی شهر کرمان است که در سال ۸۲ مشغول به کار بوده‌اند. این تعداد از زنان بر اساس نمونه‌گیری تصادفی و طبقه‌بندی انتخاب شده‌اند. لازم به ذکر است که تعداد زنان نمونه به تناسب جمعیت زنان متأهل و شاغل در آن سازمان دولتی به دست آمده‌است.

نمونه‌ی آماری این پژوهش، ۲۶۰ نفر از زنان متأهل و شاغل است که در زمان پژوهش با همسران‌شان زنده‌گی می‌کردند. از آن‌جا که جامعه‌ی آماری پژوهش حدود ۴۰۰۰ نفر بود، برای انتخاب نمونه‌ی آماری از فرمول کوکران استفاده شد و این تعداد به تناسب بین ادارات مختلف دولتی شهر کرمان توزیع شده‌اند.

داده‌های تحقیق با برنامه‌ی کامپیوتری SPSS تجزیه و تحلیل شد. از آن‌جا که سطح سنجش متغیرها غالباً اسمی و ترتیبی بود، آزمون کی-دو، و در تعیین ارتباط متغیرها و شدت و ضعف آن، آزمون رگرسیون به کار گرفته‌شد.

یافته‌های تحقیق

- طبق یافته‌های پژوهش، ویژه‌گی‌های اساسی پاسخ‌گویان بدین‌سان بود:
- ۱- بیش‌تر پاسخ‌گویان زنان متأهل ۳۰ تا ۳۹ ساله بودند (۴۶درصد).
 - ۲- زنان کارمند غالباً در ادارات، مشاغل اداری-دفتری داشتند (۶۶درصد).
 - ۳- نوع استخدام پاسخ‌گویان، بیش‌تر استخدام رسمی بود (۶۶درصد).
 - ۴- بیش‌تر زنان تحصیلاتی در حد لیسانس داشتند (۴۵درصد)، در حالی که میزان تحصیلات همسران آن‌ها بیش‌تر در حد دیپلم بود (۳۷درصد).
 - ۵- همسران زنان اغلب کارمند بودند (۷۱درصد) و شغل آزاد از نظر فراوانی و اهمیت در مرتبه‌ی بعدی قرار داشت (۲۰درصد). نکته‌ی مهم این که ۲۲درصد از مردان دارای شغل دوم نیز بود.

۶- در بیشتر موارد زنان بین ۱ تا ۲ فرزند داشتند (۶۱درصد). از این تعداد، ۳۴درصد پسر و ۳۷درصد دختر بودند. سن فرزندان نیز، بیش‌تر بین صفر تا ۹ سال بود (۳۹درصد).

۷- زنان و مردان هر دو غالباً بین ۱۰۰ تا ۲۰۰هزار تومان درآمد داشتند.
۸- میزان ساعات کار زنان در روز حدود ۷ تا ۹ ساعت بود که زیاد به نظر می‌رسد (۵۵درصد).

۹- بیش‌تر زنان گفته‌اند که محل کار تا خانه‌شان حدود ۳۰ تا ۵۰ دقیقه فاصله دارد (۷۹درصد).

زنان نمونه‌ی مورد نظر، همه معتقد بودند، باید علاوه بر کار بیرون، به تمام کارهای خانه رسیده‌گی کنند و در این بین، کم‌تر کسی در کار خانه به آن‌ها کمک می‌رساند.

به گفته‌ی بیش‌تر زنان، آنان در کار خود با مشکلات خانواده‌گی از این دست روبه‌رو اند:

- به خاطر شاغل بودن نمی‌توانند در برنامه‌ی غذایی خانواده تنوع ایجاد کنند (۴۴درصد).

- مجبور اند روز قبل غذا را تهیه کنند و به مصرف خانواده برسانند؛ بنابراین خانواده از خوردن غذاهای تازه محروم می‌ماند (۶۶درصد).

- به خاطر کار در بیرون، خانه نمی‌توانند به طور کامل به نظم و نظافت منزل رسیده‌گی کنند و این را مشکلی عمده دانسته‌اند (۹۰درصد).

- هنگام بیماری کودکان یا یکی از اعضای خانواده (به‌ویژه سال‌مندان)، تیمارداری و مراقبت تنها بر عهده‌ی آنان است (۷۷درصد).

- مهمان‌های ناخوانده که پس از اتمام کار زن به خانه‌ی او می‌آیند و پذیرایی از آن‌ها تنها بر عهده‌ی او است (۴۹درصد).

- به دلیل مشغله‌های زیاد کاری، نمی‌توانند با نزدیکان و اقوام خود یا همسران‌شان رفت‌وآمد چندانی داشته‌باشند (۶۱درصد).

- وقت اندکی برای گفت‌وگو و تبادل نظر با همسران‌شان دارند (۵۷درصد).

- میزان هم‌کاری اغلب مردان در امور خانه‌گی منزل کم است (۳۳ درصد).
- رسیده‌گی به امور فرزندان کوچک تنها بر عهده‌ی آن‌ها ست و همسران‌شان در این باره هیچ هم‌کاری نمی‌کنند. این مورد درباره‌ی تربیت فرزندان بزرگ‌تر نیز صادق است. در واقع، اغلب مردان در تربیت و پرورش فرزندان‌شان هیچ یاری به همسرشان نمی‌رسانند (۴۶ درصد). این مشکل، هم‌چنین در رسیده‌گی به تکالیف فرزندان نیز دیده‌می‌شود (۳۹ درصد).
- برای رسیده‌گی به ظاهر خود، وقت کافی به اندازه‌ی زنان خانه‌دار ندارند (۷۰ درصد).
- برای تفریح و پر کردن اوقات فراغت فرزندان خود وقت کافی ندارند (۵۴ درصد).
- فرزندان‌شان از شاغل بودن مادرشان راضی نیستند (۴۰ درصد).
- دوچار دردهای استخوانی و عضلانی ناشی از کار اند که این، خود بر مشکلات آنان در درون منزل می‌افزاید (۴۴ درصد).
- برای تفریح و سرگرمی (۶۱ درصد) و ورزش و تقویت جسمانی خود (۶۸ درصد) وقت کافی ندارند.
- بیش‌تر زنان معتقد بودند که همسران‌شان از کار آن‌ها راضی اند و هیچ اعتراض یا حس حسادتی به شغل آنان ندارند.
- زنان شاغل، کم‌تر با همسران‌شان مشاجره یا کش‌مکش‌های شدید خانواده‌گی دارند (۸۲ درصد).
- بیش‌تر زنان از این که همسرشان از کار آن‌ها تشکر و قدردانی نمی‌کند مشکلی احساس نمی‌کردند (۶۱ درصد).
- در نهایت، پاسخ‌گویان رضایت چندانی از شغل خود ندارند (۵۵ درصد).
- در مجموع، زنان معتقد بودند که کار خارج از خانه مانع از ایفای نقش خانه‌گی‌شان نشده و میزان مشکلات برآمده از این نقش‌ها را زیاد ارزیابی کرده‌اند (حدود ۳۰ درصد).

شاخص میزان مشکلات برآمده از نقش‌های خانگی زنان

برای سنجش میزان مشکلات مربوط به نقش‌های خانگی زنان شاغل، پرسش‌های طرح‌شده برای ارزیابی این متغیر در یک پرسش‌نامه‌ی ساخت‌مند با یک‌دیگر جمع شده و مجموع نمرات مربوط به آن به عنوان شاخص میزان مشکلات در نظر گرفته شده است که نتایج در جدول ۲ دیده می‌شود.

جدول ۲- شاخص میزان مشکلات ناشی از نقش‌های خانگی زنان

میزان مشکلات	کم	متوسط	زیاد	بی‌پاسخ	جمع
فراوانی	۶۳	۶۴	۷۵	۵۸	۲۶۰
درصد	۲۴	۲۵	۲۹	۲۲	۱۰۰

نتایج به دست آمده از آزمون کی‌دو

جدول ۳- رابطه بین ویژه‌گی‌های دموگرافیک و میزان مشکلات برآمده از نقش‌های خانگی آنان

ویژه‌گی	گزینه‌ها	مقدار	df	σ
سن	۲۰-۲۹ / ۳۰-۳۹ / ۴۰-۴۹ / ۵۰-۵۹	۸/۵۸۲	۶	۰/۱۹۸
نوع شغل	مدیر / متخصص عالی‌رتبه / تکنسین / اداری-دفتری	۶/۴۰۰	۶	۰/۳۸۰
نوع استخدام	قراردادی / پیمانی / رسمی-آزمایشی / رسمی	۱۵/۴۷	۶	۰/۰۱۷
میزان تحصیلات	سیکل / دیپلم / فوق دیپلم / لیسانس / فوق لیسانس و بالاتر	۱۴/۲۰۲	۱۰	۰/۱۷۲
تحصیلات همسر	ابتدایی / سیکل / دیپلم / فوق دیپلم لیسانس / فوق لیسانس و بالاتر	۱۳/۲۰۲	۱۲	۰/۳۵۵
شغل همسر	کارمند / آزاد / بی‌کار / بازنشسته	۹/۵۸۸	۶	۰/۱۴۳
تعداد فرزندان	بدون فرزند / ۱ تا ۲ / بیش از ۳	۹/۹۲۴	۴	۰/۰۴۲
سن فرزندان	۰-۹ / ۱۰-۱۹ / ۲۰-۲۹	۳/۲۵۰	۴	۰/۵۱۷
درآمد زن	کمتر از ۱۰۰ هزار / ۱۰۱ تا ۲۰۰ هزار / ۲۰۱ تا ۳۰۰ هزار	۳/۹۲۱	۴	۰/۴۱۷
ساعت کار روزانه	۵-۷ / ۸-۱۰ / بیش از ۱۰	۷/۲۱۵	۴	۰/۱۲۵
فاصله‌ی محل کار تا منزل	۵-۳۰ دقیقه / ۳۱-۶۰ دقیقه / بیش از ۶۱ دقیقه	۴/۴۱۱	۴	۰/۳۵۳

جدول ۴- رابطه بین ویژه‌گی‌های نقشی زنان و میزان مشکلات برآمده از نقش‌های خانگی آنان

ویژه‌گی	گزینه‌ها	مقدار	df	σ
فقدان تنوع در برنامه‌ی غذایی خانواده	کم / متوسط / زیاد	۳۶/۴۶۲	۴	۰/۰۰۰
فقدان غذاهای تازه پخته‌شده	کم / متوسط / زیاد	۲۷/۱۸۹	۴	۰/۰۰۰
مشکل نظافت و ایجاد نظم در منزل	کم / متوسط / زیاد	۱۱/۶۸۵	۴	۰/۰۲۰
پرستاری از بیماران خانواده	کم / متوسط / زیاد	۳۵/۹۵۹	۴	۰/۰۰۰
رفت‌وآمد با خویشاوندان	کم / متوسط / زیاد	۵۱/۸۷۹	۴	۰/۰۰۰
پذیرایی از مهمان‌های ناخوانده	کم / متوسط / زیاد	۲۶/۲۹۱	۴	۰/۰۰۰
کم‌بود برای گفت‌وگو و تبادل نظر با همسر	کم / متوسط / زیاد	۶۸/۶۰۳	۴	۰/۰۰۰
نارضایتی همسر از شاغل بودن زن	کم / متوسط / زیاد	۳۶/۹۳۴	۴	۰/۰۰۰
مشاجره با همسر	کم / متوسط / زیاد	۳۳/۵۶۱	۴	۰/۰۰۰
عدم هم‌کاری همسر در کار خانه	کم / متوسط / زیاد	۵۷/۲۷۸	۴	۰/۰۰۰
عدم قدردانی همسر از کار خانگی زن	کم / متوسط / زیاد	۶۰/۶۱۶	۴	۰/۰۰۰
کم‌بود وقت برای محبت به فرزندان و همسر	کم / متوسط / زیاد	۶۶/۶۰۲	۴	۰/۰۰۰
رسیده‌گی به فرزندان کوچک	کم / متوسط / زیاد	۶۰/۶۰۶	۴	۰/۰۰۰
نگرانی از تربیت فرزندان	کم / متوسط / زیاد	۱۰/۵۲۲	۴	۰/۰۳۳
رسیده‌گی به تکالیف فرزندان	کم / متوسط / زیاد	۸۶/۹۰۱	۴	۰/۰۰۰
کم‌بود وقت برای تفریح فرزندان	کم / متوسط / زیاد	۴۲/۱۲۳	۴	۰/۰۰۰
نارضایتی فرزندان از کار مادر	کم / متوسط / زیاد	۶۹/۵۴۴	۴	۰/۰۰۰
نگرانی از اوضاع خانه حین کار	کم / متوسط / زیاد	۶۹/۵۵۷	۴	۰/۰۳۰
ابتلا به بیماری‌های عضلانی ناشی از کار خانه	کم / متوسط / زیاد	۳۴/۳۳۰	۴	۰/۰۰۰
کمی وقت برای رسیده‌گی به ظاهر و تقویت جسم	کم / متوسط / زیاد	۴۲/۳۱۶	۴	۰/۰۰۲
میزان رضایت شغلی	کم / متوسط / زیاد	۱۳/۵۶۰	۴	۰/۰۰۹

از آنجا که σ به‌دست آمده از آزمون فرضیات، کوچک‌تر از سطح معناداری $\alpha = 5\%$ است، بنابراین بین متغیرهای زیر رابطه‌ی معنادار وجود دارد:

بین میزان مشکلات برآمده از نقش‌های خانگی زنان شاغل و نوع استخدام آن‌ها رابطه‌ی معنادار دیده‌می‌شود؛ کسانی که به صورت رسمی استخدام شده‌بودند مشکلات خود را بسیار زیادتر از زنان دیگر می‌دانستند

(۴۵ درصد)، شاید به خاطر این که تعداد زیادی از افراد نمونه استخدام رسمی بودند.

بین تعداد فرزندان و میزان مشکلات زنان رابطه وجود دارد؛ زنانی که فرزندان بیش‌تر (بیش از ۲ تن) داشتند، مشکلات خود را بیش‌تر ارزیابی می‌کردند.

بیش‌تر زنان در تهیه‌ی غذاهای تازه برای خانواده مشکلات عمده دارند؛ آنان مجبور اند غذای روز بعد را شب قبل تهیه و به مصرف خانواده برسانند. این ارتباط بین تنوع غذایی و میزان مشکلات نیز دیده‌می‌شود؛ زنان به دلیل مشغله و محدودیت‌های کار توانایی تهیه‌ی غذاهای متنوع را در برنامه‌ی غذایی خانواده ندارند.

بین الزامات مربوط به خانه‌داری و میزان مشکلات، رابطه وجود دارد. در این بین، بیش‌ترین مشکلات زنان نظافت و ایجاد نظم در منزل عنوان شده‌است.

بین الزامات مربوط به همسر‌داری و میزان مشکلات، رابطه وجود دارد. در آمارهای توصیفی، زنان میزان کش‌مکش با همسر خود را کم ارزیابی کرده‌اند، ولی این متغیر با میزان مشکلات ناشی از نقش‌های خانگی ارتباطی معنادار نشان می‌دهد. شاید علت این امر، وجود روحیه‌ی محافظه‌کار در زنان باشد که خواسته‌اند مشکلات بین خود و همسرشان را کم ارزیابی کنند؛ در حالی که متغیرهای دیگر مانند میزان هم‌کاری کم مرد در امور منزل و نارضایتی همسر از شغل زن این ارتباط را آشکار می‌کند.

بین الزامات مادری و میزان مشکلات نیز رابطه وجود دارد.

الزامات مربوط به سایر متغیرها (کم‌بود وقت برای رسیدگی به ظاهر و آراسته‌گی خود، تقویت جسم و تن) با میزان مشکلات، ارتباطی معنادار نشان می‌دهد؛ زنان غالباً معتقد بودند که به خاطر مشغول بودن به کارهای بیرون یا درون‌خانه فرصت رسیده‌گی به ظاهر و تقویت جسم و تن را ندارند.

از سوی دیگر، از آنجا که σ به دست آمده از آزمون فرضیات، بزرگتر از سطح معناداری $\alpha = 5\%$ است، بین میزان مشکلات با این متغیرها رابطه‌ی دیده‌ نمی‌شود:

سن زن، جایگاه شغلی، میزان تحصیلات زن، میزان تحصیلات مرد، نوع شغل همسر، داشتن شغل دوم توسط همسر، سن فرزندان، جنس فرزندان، میزان درآمد زن، میزان درآمد مرد، میزان ساعات کار روزانه، و فاصله‌ی تقریبی خانه تا محیط کار. ناگفته نماند که نتایج این پژوهش با نظریه‌ها و تحقیقات گذشته کاملاً منطبق است؛ در واقع، بر پایه‌ی این تحقیقات و نظریه‌ها (مانند نظریه‌های آندره میشل، آیوت، گرت و دیگران)، زنان شاغل باید افزون بر مشکلات مربوط به کار بیرون خانه، بار مشکلات مربوط به نقش‌های خانگی، از جمله خانه‌داری، مادری، همسری، و پرستاری را نیز به‌تنهایی بر دوش کشند. یافته‌های آمده در این مقاله، مؤید این امر در بین زنان شاغل شهر کرمان است.

در توضیح موارد بالا باید گفت گر چه بین این متغیرها رابطه‌ی وجود ندارد، اما زنان با تحصیلات در حدود دیپلم (۴۷ درصد)، کسانی که در بخش‌های اداری و دفتری کار می‌کنند (۴۳ درصد)، شاغلان با درآمد بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان (۳۵ درصد)، و شاغلان با ساعت کاری ۷ تا ۹ ساعت در روز (۴۴ درصد)، مشکلات خود را زیاد ارزیابی کرده‌اند. این مورد درباره‌ی زنانی که فاصله‌ی خانه تا محل کارشان بیش از ۳۰ دقیقه بوده (۳۷ درصد)، کسانی که فرزندان پسرشان بیش از ۲ تن است (۴۲ درصد) و زنانی که فرزندان زیر ۹ سال دارند تأیید نشد.

از سویی، نتایج نهایی تحقیق نشان داد زنانی که رضایت شغلی بسیار کمی دارند، کم‌تر بر مشکلات برآمده از نقش‌های خانگی چیره می‌شوند (۳۹ درصد)؛ اما در مجموع فراوانی‌ها، همه‌ی زنان، چه با رضایت شغلی کم و چه با رضایت شغلی بالا، میزان مشکلات خود را زیاد ارزیابی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش بیان‌گر این است که گر چه بین متغیر رضایت شغلی و

مشکلات رابطه وجود دارد، اما شرایط شغلی مناسب، اثر چندانی در کاهش مشکلات زنان متأهل نداشته‌است. بدین معنا که زنان شاغل، با هر پست سازمانی، و با هر میزان از ساعات کار و درآمد، مشکلات خود را اغلب زیاد دانسته‌اند، و در این باره تفاوت معناداری بین این متغیرها دیده‌نشد. لازم به یادآوری است که ضریب به‌دست‌آمده از آزمون رگرسیون نیز یافته‌ها و روابط فوق را تأیید می‌کند.

پیشنهادها

- ۱- ایجاد دگرگونی در ارزش‌ها و نگرش‌های افراد جامعه نسبت به زنان و نقش آن‌ها در خانواده. این امر، به‌ویژه، خود نیازمند آموزش پسران از دوران کودکی است، بدین معنا که پسران باید همچون دختران برای نقش‌های خانه‌داری آموزش ببینند.
- ۲- ایجاد شرایط و تسهیلات لازم برای حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی به وسیله‌ی مسئولان کشور؛ هم‌چون تأسیس مهدکودک‌های خصوصی یا دولتی و کاهش میزان ساعت کار زنان.
- ۳- تلاش برای آگاهی بخشیدن زنان به حقوق خود، که در این کار رسانه‌ها می‌توانند نقشی مؤثر ایفا نمایند.
- ۴- برگزاری هم‌آیش‌ها و کنفرانس‌هایی در ارتباط با مسائل زنان شاغل و انعکاس نتایج آن به مردم و مسئولین مربوط، برای فرهنگ‌سازی‌های آینده.
- ۵- کاهش میزان باروری زنان، برای امکان حضور بیشتر در اجتماع و در عین حال، رسیدگی به امور خانواده و فرزندان.

منابع

- ۱- آبوت، پاملا؛ والاس، کلا. ۱۳۸۰. جامعه‌شناسی زنان. ترجمه‌ی منیژه نجم عراقی. تهران، نشر نی.
- ۲- ادواردز، جکی ئی. و دیگران. ۱۳۷۹. تحقیق پیمایشی: راهنمای عمل. ترجمه‌ی سید محمد اعرابی و داوود ایزدی. تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۳- بی نام. ۱۳۸۰/۶/۱۰. «زنان، مشکلات اشتغال و زوایای پنهان». روزنامه‌ی خراسان.
- ۴- بی نام. ۱۳۸۱/۳/۳۱. «آیا زنان شاغل فشار عصبی بیش‌تری تحمل می‌کنند؟». روزنامه‌ی حیات نو.
- ۵- جمشیدی، فخری. ۱۳۸۱. «ضرورت اجتماعی اشتغال زنان». کار و جامعه، مجله‌ی اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی. شماره‌ی ۴۶. تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۶- ریتزر، جورج. ۱۳۸۱. نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه‌ی محسن ثلاثی. تهران، انتشارات علمی.
- ۷- ساروخانی، باقر. ۱۳۷۰. جامعه‌شناسی خانواده. تهران، مجتمع فرهنگی پژوهش‌های اشتغال.
- ۸- کرباسی، منیژه. ۱۳۸۱. «بررسی نقش زن در توسعه (زن خانه‌دار، زن شاغل)». مجموعه مقالات زنان، مشارکت و برنامه‌ریزی برای توسعه‌ی پایدار ۲. تهران، انتشارات برگ زیتون.
- ۹- گرت، استفانی. ۱۳۸۰. جامعه‌شناسی جنسیت. ترجمه‌ی کتایون بقایی. تهران، نشر دیگر.
- ۱۰- گیلنر، آنتونی. ۱۳۷۸. جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی منوچهر صبوری. تهران، نشر نی.
- ۱۱- مسعودیان، صدیقه. ۱۳۷۸/۲/۱۲. «تغییر نقش و مشکلات اشتغال زنان». روزنامه‌ی هم‌شهری. شماره ۱۸۱۷، ص. ۱۲.

گزارش

معرفی

پژوهشکده‌ی زنان

دانشگاه الزهراء

پژوهشکده‌ی زنان دانشگاه الزهرا^۳، نخستین مرکز علمی-پژوهشی است که با موافقت قطعی وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری تأسیس شده و در اردی‌بهشت ۱۳۷۷ آغاز به کار کرده‌است. هدف پژوهشکده، سامان‌دهی پژوهش‌های در زمینه‌ی مسائل زنان، و ارائه‌ی راهبردهای اجرائی برای مسائل و مشکلات آنان به مسئولان است.

چهار گروه تحقیقی مصوب در این پژوهشکده فعالیت دارند: گروه علوم اجتماعی و توسعه؛ گروه خانواده‌درمانی؛ گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی؛ و گروه زیست‌پزشکی.

اهداف

اهداف کلی پژوهشکده چنین است:

- تبیین وضعیت مطلوب زنان با توجه به ارزش‌های اسلامی با بهره‌گیری از نتایج تحقیق‌ها و پژوهش‌های بنیادی و کاربردی.
- شناخت وضعیت موجود زنان در زمینه‌های گوناگون و ارائه‌ی راهکارهای اصولی و عملی برای رفع موانع و تنگناها.
- فراهم آوردن زمینه‌ی مناسب برای ارتقای جایگاه زن در جامعه.
- بررسی مسائل زیست‌پزشکی خاص زنان.

وظایف و برنامه‌ها

- انجام پروژه‌های بنیادی، کاربردی و توسعه‌ی درباره‌ی مسائل زنان بر اساس موازین نظری و فقهی اسلام و نقد و بررسی دیدگاه‌های غیر اسلامی.
- بررسی وضعیت و مسائل زنان در زمینه‌های مختلف و انتشار گزارش و ارائه‌ی پیشنهادهای کاربردی به مراکز مربوط.
- ایجاد بانک اطلاعاتی و گردآوری مدارک، مآخذ و اسناد داخلی و خارجی برای مطالعه و تحقیق گسترده در زمینه‌ی اهداف پژوهشکده.
- تدوین و تألیف کتب، ترجمه‌ی متون، آثار و نشریات علمی و پژوهشی متناسب با اهداف پژوهشکده.
- تأسیس دوره‌ی تحصیلات تکمیلی و پژوهشی مطالعات زنان و تلاش در راستای ایجاد رشته‌های تحصیلی در این زمینه، تربیت محققان و پژوهش‌گران، و فراهم آوردن امکانات آموزشی و پژوهشی برای علاقه‌مندان به فعالیت در چارچوب اهداف پژوهشکده.
- ارتباط و همکاری با مراکز و سازمان‌های پژوهشی داخلی و خارجی، و صاحب‌نظران و پژوهش‌گران، و ترغیب آن‌ها به انجام تحقیق‌هایی در چارچوب اهداف پژوهشکده.
- تلاش برای حمایت از صاحب‌نظران و محققان، و هدایت رساله‌ها، پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌ها در راستای نیازها و اولویت‌های پژوهشی زنان.
- برگزاری کنگره‌ها، سمینارها و کارگاه‌های آموزشی در سطوح ملی و بین‌المللی در زمینه‌ی مسائل زنان.
- همکاری با مراکز اجرائی و سیاست‌گذاری کشور برای اجرای طرح‌های مورد نیاز این مراکز و هم‌آهنگی برای تعیین اولویت‌های پژوهشی پژوهشکده.

فعالیت‌ها

به طور خلاصه، بخشی از فعالیت‌های پژوهشکده در راستای اهداف تعیین‌شده چنین است:

برگزاری هم‌آیش

- برگزاری چهار هم‌آیش در زمینه‌های مرتبط با مسائل زنان:
- هم‌آیش «اعتیاد و خانواده».
- هم‌آیش «زن در یافته‌های نوین پژوهشی».
- هم‌آیش «اعتبارات خرد و زنان روستایی».
- هم‌کاری در هم‌آیش «چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه‌ی ایران».

انتشار کتاب

- خانواده‌درمانی- کاربردی؛ نگرش سیستمی در درمان خانواده.
- آموزش قبل از ازدواج.
- نقش تغذیه در سلامت خانواده و مکانیسم کنترل بروز بیماری‌ها.
- تحلیلی بر جنسیت و فن‌آوری اطلاعات در کشورهای در حال توسعه.
- فهرست و چکیده‌ی پایان‌نامه‌های دانشگاه الزهرا درباره‌ی زنان و خانواده.
- مجموعه مقالات هم‌آیش اعتبارات خرد و زنان روستایی.
- مجموعه مقالات هم‌آیش زن در یافته‌های نوین پژوهشی.
- مجموعه مقالات هم‌آیش اعتیاد در خانواده.

انتشار فصل‌نامه‌ی مطالعات زنان

این نشریه از سال ۱۳۸۰ به صورت فصل‌نامه منتشر گردیده که پنج شماره‌ی آن تا کنون به چاپ رسیده‌است.

طرح‌های پژوهشی

تا کنون ۱۰ طرح پژوهشی در پژوهشکده به پایان رسیده و ۲۱ طرح نیز در دست انجام است.

کتابخانه

پژوهشکده دارای کتابخانه‌ئی است مستقل با ۳۰۰۰ عنوان کتاب فارسی و لاتین در موضوع‌های گوناگون و اشتراک ۲۳ نشریه‌ی مربوط به مسائل زنان، که از فضایی مناسب برای انجام تحقیق برخوردار است.

آزمایشگاه

گروه زیست‌پزشکی، آزمایشگاه پژوهشی مجهزی در اختیار دارد که اکنون در حال اجرای طرح استخراج ماده‌ی آنتی‌اکسیدان آستاگزانتین و بررسی اثر درمانی آن بر سرطان سینه می‌باشد.

خواننده‌ی گرامی

در صورت تمایل به خرید نشریه‌ی مطالعات زنان، فرم زیر را تکمیل و به نشانی دفتر مجله واقع در تهران، میدان ونک، دانشگاه الزهراء، پژوهشکده‌ی زنان، دفتر نشریه‌ی مطالعات زنان ارسال فرمایید. ضمناً مبلغ اشتراک مجلات درخواستی را به حساب شماره‌ی ۹۰۰۲۵ نزد بانک ملی، شعبه‌ی دانشگاه الزهراء واریز و فیش بانکی آن را به پیوست ارسال نمایید.

مبلغ اشتراک:

سالانه ۲۰'۰۰۰ ریال
تک‌شماره ۷'۵۰۰ ریال

برگ درخواست اشتراک

لطفاً نام این سازمان / این‌جانب را در
فهرست مشترکین «فصل‌نامه‌ی مطالعات زنان» ثبت و به تعداد نسخه‌ی
مجله را از شماره‌ی سال تا شماره‌ی سال به نشانی زیر
ارسال فرمایید.

نشانی:

.....

.....

شماره تلفن:

Soodé Maghsoodi, Ph.D.

Department of Sociology, Bâhonar University of Kermân

Zahrâ Bostân

Sociological Researcher

Problems Arising from Simultaneity of the Home and Social Roles: A case study of the employed women in the city of Kermân

Abstract

World-wide studies indicate that women are faced with conflicting roles regarding activities inside and outside home. Understanding the nature of contradictions resulting in these role conflicts is an important step in the reduction of problems faced by women. In addition to reach such understanding, this research attempts to determine types of problems, and to examine the relationship between occupational situation of the employed women and their domestic problems. The researcher, in 1382 (Persian calendar) studied 260 married women employed by the public organizations in the city of Kerman.

Methodologically, this is a survey study which uses the SPSS for data analysis. To examine the relationship among the variables the regression test, among others, is used. The findings indicate that the employed women over-evaluated their problems regarding domestic activities, and that the most acute among their problems is the task of cleaning and organizing the house. The study also showed that women's problems are not necessarily work related. Instead, most of their problems are rooted in traditional views of the society concerning their roles which make them think not only of work related issues but also of the domestic roles at the same time. The study shows that with the growing cooperation of husbands in the domestic chore, women's problems decrease considerably. Given the frequencies, the study did not find much meaningful relationship between women's occupational situation and their specific problems in that women tended to over-evaluate their domestic problems irrespective of their working hours, income, and the organizational position.

Keywords: *Employment; Problems; Domestic Role; Women;*

Maryam Sedâрати, Ph.D.

Department of Sport Science, Al-Zahrâ University

Competitive Anxiety Level of the Female Athletes

Abstract

The main objective of the present study is to examine the competitive anxiety of students who participated in the 6th Countrywide Cultural-Sportive Olympiad for Female Students in Individual and Group Games in 2002. The determination of the competitive anxiety level of the athletes participating in individual and group games was the main concern of this research. The statistical population included all female athletes who participated in different sport fields in the Olympiad. The statistical sample involved 573 students of different universities participating in individual games (track and field, table tennis and chess) and group games (basketball, volleyball and handball).

The results showed that:

- The highest mean of the cognitive and physical factors of anxiety is allocated to the chess players and the lowest mean to the basketball players.
- The highest mean of self-confidence factor is achieved by the volleyball players and the lowest mean by the chess players.
- The highest competitive anxiety mean is in the chess players and the lowest in the basketball players.

Keywords: *Anxiety; Female Students; Countrywide Cultural; Sportive Olympiad; Individual Games; Group Games;*

Hosein Eskandari, Ph.D.

Department of Psychology, Allâmé Tabâtabâ'î University

Zahrâ Shokrâ'î

M.A. in Psychology

Examination and Comparison of Identity Positions between Female and Male University Students

Abstract

Identity is one of the most important questions of human life. Erickson discussed the question for the first time. Identity positions were later developed and elaborated by others, resulting in provision of a new tool for examining identity positions.

The method used here is causal-comparative, and the population under study consists of all Tehran-resident university students affiliated to the Iranian Ministry of Higher Education. The sample comprises 500 undergraduates, which is selected among five universities according to 1377-78 (Persian calendar) admissions. There are 158 male, and 247 female students in the sample.

As a research tool 'My Status Causal Assessment Questionnaire (EOM-ELS2) is used. The data analysis showed no significant difference between gender and identity types, and hence hypotheses asserting difference between male and female students were not confirmed. The variables of discipline (subject majored), place of education, and place where the high school diploma was obtained, did not have significant relationship with identity type either. The hypothesis positing relationship between age and being located in identity statuses was confirmed only within inter-individual identity domain. In addition, the highest identity formation was found in age groups between 25 to 30 years old.

Between each of girls and boys groups, exclusively, the difference of identity types was found to be significant. The important point concerning both groups is high percentage of crisis-stricken individuals, compared to other statuses. The degree of identity formation does not enjoy high percentage. Among the male group, adhering to others' identity was less notable.

Keywords: *Women; Identity; Identity Status; Confusion; Adhering Individual; Status of Crisis; Stricken Identity; Identity; Formed Status;*

Sa'id Rezâ'i SharifÂbâdi, Ph.D.
Department of Library and Information Science, Al-Zahrâ University

Qualitative Research and the Internet: Methods and Challenges

Abstract

Research methods can be categorized in different ways. Quantitative and qualitative research, however, are two main terms, among others, for this purpose.

Women and family studies researchers are among those who use not only quantitative methods but qualitative research as well. In particular, this includes the method of "deep interview". In the light of growth and development of networks and the Internet, researchers are using these technologies for collecting data.

This paper will explore the role of the Internet in collecting rich and valuable data by researchers using qualitative methods, specially "deep interview". In using the Internet, ethical issues, secrecy and privacy, legal and security concerns as well as theoretical framework ruling data collection in virtual environment are among challenges that will be discussed.

Keywords: *Qualitative and Quantitative Methods; The Internet; Women Studies; Data Collection;*

Mohammad-Hosein Mottaghi, Ph.D.

Faculty of Management, Âzâd University of Kermân

Ne'matollâh Moosâ Poor, Ph.D.

Faculty of Literature and Human Science, Bâhonar University of Kermân

Shahnâz Arjmand Kermâni

M.A. in Governmental Management

Reasons Related to Fear of Success in Female Employees

Abstract

Unequal opportunities inherent in the process of personality development create differential growth in individual abilities within the family setting and in the wider social context. This is the source of some of problems women face at work and in other social environments. The problems are rooted in contradictory upbringing as practiced in the society. Since some of the perceived threats are socio-culturally defined the resulting anxiety generates fear of success and acts as an obstacle to occupational promotion of women.

The main goal of this article is to investigate reasons related to fear of success in female employees within public organizations. The findings indicate that nature of traditional upbringing practices of the society and dispositions based on sexual socialization intertwined with contradictory learning contents are the main factors producing fear of success. Therefore, it is necessary to inform the female employees that such fears are not due to their incompetence, and that these fears originate from the social and cultural factors. Thus, to enhance females self esteem and to expand their abilities, the necessary knowledge is set up and ground work is prepared.

Keywords: *Anxiety; Fear of Success; Invisible Obstacle; Attitude Structure; Reduced Feminine Emotions; Social expulsion; Traditionalism in Family; Family Mental Pattern;*

A'zam Râvadrâd, Ph.D.
Department of Sociology, University of Tehrân

A Comparison between Occupational Roles of Women and Men in Iran: The Distance between Idea and Practice

Abstract

This article attempts to make a comparison between the professional situation of women and men in Iran. The statistical society consists of university lecturers in Tehran. A survey was conducted based on a questionnaire which was filled through a direct interview. The findings are explained in terms of theoretical framework of Liberal Feminism. The most important finding of the study is that there is a gap between what professional women like to do in their work, and what actually is available to them. The gap is rooted in the existing gender discrimination at work which offers most opportunities to men.

Keywords: *Professional Women; Gender Discrimination; Women's Attitude; Attitudes Gap;*

Abstracts

- A Comparison between Occupational Roles of Women and Men in Iran: The Distance between Idea and Practice** 164
A'zam Râvadrâd, Ph.D.
- Reasons Related to Fear of Success in Female Employees** 163
Mohammad-Hosein Mottaghi, Ph.D.
- Qualitative Research and the Internet: Methods and Challenges** 162
Sa'ïd Rezâ'ï SharifÂbâdi, Ph.D.
- Examination and Comparison of Identity Positions between Female and Male University Students** 161
Hosein Eskandari, Ph.D.
- Competitive Anxiety Level of the Female Athletes** 160
Maryam Sedârati, Ph.D.
- Problems Arising from Simultaneity of the Home and Social Roles: A case study of the employed women in the city of Kermân** 159
Soodé Maghsoodi, Ph.D.

Editorial Board

- ❧ *Zahrâ Afshâri, Ph.D.*
- ❧ *Zohré Khosravi, Ph.D.*
- ❧ *Hakimé Dabiran, Ph.D.*
- ❧ *Zahrâ Rahnavard, Ph.D.*
- ❧ *Homâ Zanjânizâdé, Ph.D.*
- ❧ *Khadijé Safiri, Ph.D.*
- ❧ *Fatemé Alâ'ee Rahmâni, Ph.D.*
- ❧ *Shahin Gerâmi, Ph.D.*
- ❧ *Cathleen Kendall, Ph.D.*
- ❧ *Shokoofé Golkhoo, Ph.D.*
- ❧ *Ahmad Ja'farnejâd, Ph.D.*
- ❧ *Bâgher Sârookhâni, Ph.D.*
- ❧ *Mohammad-Sâdegh Mahdavi, Ph.D.*

*In the Name
of God*

Women's Studies

Vol. 2, No. 5
Autumn 2004

Quarterly Journal

Al-Zahrâ University
Women's Research
Center

Publisher *Al-Zahrâ University*

Executive Manager *Zohré Khosravi, Ph.D.*

Chief Editor *Khadijé Safiri, Ph.D.*

Persian Editor *Vafâ Sarmast*

English Editor *Mohammad Hossein Hâshemi*

Layout Designer *Vafâ Sarmast*

Cover Designer *Ashraf MoosaviLar*

Editorial Secretary *Kobrâ Mehrâbi Kooshki*

Address *Vanak St., Vanak Sq., Tehran, IRAN*

Postal Code *1993891176*

Telephone *+98 (21) 8058926*

Fax *+98 (21) 8049809*

Email *women_rc@alzahra.ac.ir*